

# احكام عمرة مفردة

به انضمام استفتاءات جديد

مطابق با فتاواى فقيه اهل بيت عصمت و طهارت «عليهم السلام»

مرجع عاليقدر حضرت آيت الله العظمى حاج شيخ

حسين نورى همدانى «مد ظله العالى»

شناسنامه کتاب

احکام عمره مفرده

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ حسین نوری

همدان «مد ظله العالی»

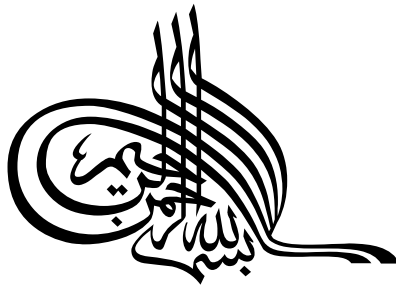
ناشر: مهدی موعود

چاپخانه: دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۵۰۰۰ اردیبهشت ۸۴

قیمت: ۵۰۰ تومان



جهت پاسخگویی به مسائل شرعیه و حل مشکلات دینی، مؤمنین  
می توانند با دفاتر مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی نوری  
همدانی «دام ظلّه»

تماس حاصل نمایند.

قم : ۳۷۳۵۹۰۰ فکس - ۳۷۷۴۱۸۵۰ - ۳۷۷۴۸۲۱۸ (۰۲۵)

آدرس اینترنتی: [www.noorihamedani.com](http://www.noorihamedani.com)

پست الکترونیکی: [info@noorihamedani.com](mailto:info@noorihamedani.com)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بعد از نماز الصلوة  
عمل بر این سهال که مشتمل  
بر حکام عمره مفرده است  
تجزی و تفرقه در همه است  
ان شاء الله تعالی  
حسین نورمحمدی



#### اقسام عمره مفرده

مسأله ۱: عمره مفرده مانند حج بر دو قسم است:

واجب و مستحب

واجب اصلی

مسأله ۲: هر کسی که منزل او در مکه یا شانزده

فرسخی (۴۸ میلی) آن باشد - که وظیفه وی حج افراد یا قران

است - در طول عمر یک بار عمره مفرده به شرط داشتن

استطاعت، واجب است.

**مسئله ۳:** شرایط استطاعت عمره مفرده عبارت است از:

- ۱ - بلوغ.
- ۲ - عقل.
- ۳ - حریت (برده نبودن).
- ۴ - استطاعت مالی.
- ۵ - استطاعت بدنی.
- ۶ - استطاعت طریقی.
- ۷ - رجوع به کفایت.

**مسئله ۴:** اگر شرایط مذکور تنها برای عمره مفرده حاصل شود، ولی برای حج حاصل نشود، واجب است عمره مفرده را انجام دهد.

#### واجب تبعی

**مسئله ۵:** بر کسی که می‌خواهد داخل مکه شود واجب است با احرام وارد شود، که اگر در ماههای حج (شوال، ذی القعدة، ذی الحجه) باشد و بنخواهد حج انجام دهد باید با احرام عمره تمتع یا حج افراد یا قران وارد شود، و در غیر این صورت باید با احرام عمره مفرده وارد شود.

**مسئله ۶ :** کسی که عمره و حج بر او واجب نیست اگر عصبیاناً بدون احرام وارد مکه شد گناهکار است، ولی بعد از ورود به مکه تکلیف خاصی ندارد، و ماندنش در مکه بی اشکال است.

**مسئله ۷ :** کودک، مجنون، بیهوش و کسانی که شرعاً مکلف نیستند لازم نیست برای ورود به مکه محرم شوند، و ولی آنها یا همراهان آنان در این مورد وظیفه ای ندارند.

**مسئله ۸ :** کسی که نذر کرده یا عهد کرده یا قسم خورده که عمره مفرده انجام دهد، باید برای وفای به نذر و عهد و عمل به قسم عمره مفرده انجام دهد.

**مسئله ۹ :** کسی که در عمره مفرده، جماع یا استمنا کند - به تفصیلی که در مسئله ۵۸ می آید - لازم است یک عمره مفرده بجا آورد.

#### **مستحب**

**مسئله ۱۰ :** بر کسی که وظیفه او حج تمتع است - منزل او در فاصله بیش از شانزده فرسخی مکه است - عمره مفرده فی نفسه مستحب است.

**مسأله ۱۱ :** تکرار عمره مفرده مانند تکرار حج، مستحب است.

**مسأله ۱۲ :** چون خروج زن از منزل و سفر او باید با اذن شوهر باشد، لذا صحت عمره مستحبی او مشروط به اذن شوهر است.

#### **فاصله زمانی بین دو عمره**

**مسأله ۱۳ :** هر کس می تواند برای خود یا دیگری هر روز یک عمره به جای آورد و میان دو عمره مفرده فاصله معتبر نیست و همچنین میان عمره تمتع و عمره مفرده مراعات فاصله لازم نیست.

**مسأله ۱۴ :** راننده یا کسی که به مقتضای شغلش مکرراً وارد مکه می شود، لازم نیست برای هر بار مراجعت به مکه محرم شود.

**مسأله ۱۵ :** انجام یک عمره مستحبی به نیت خود و افراد دیگر مانعی ندارد. بلی اگر انجام عمره مفرده به جهت نذر یا نیابت بر او لازم باشد شرکت دادن افراد دیگر جایز نیست.



**مسئله ۱۶ :** در فرض سابق لازم نیست افراد به تفصیل مشخص باشند، بلکه شناخت اجمالی آنها - مثلاً بعنوان همسایگان، همکاران - کافی است.

**مسئله ۱۷ :** انجام عمره مفرده در تمام ماههای سال - حتی در ماههای حج - قبل و بعد از اعمال حج جایز است ولی در فاصله بین اعمال عمره تمتع و حج تمتع جایز نیست.

**مسئله ۱۸ :** اگر در ماههای حج عمره مفرده انجام دهد و تا ایام حج در مکه بماند، جایز است آن را عمره تمتع قرار دهد و سپس حج تمتع بجا آورد.

**مسئله ۱۹ :** کسی که وظیفه او حج افراد است یا به هر صورت حج تمتع او بدل به افراد می شود، لازم است در صورت داشتن استطاعت پس از آن بلافاصله عمره مفرده انجام دهد. بلی انجام عمره مفرده با تأخیر نیز کفایت می کند و ضرری به حج او نمی زند.

**مسئله ۲۰ :** کسی که به احرام عمره مفرده محرم می شود تمام محرمات احرام بر او حرام می شود و بعد از تقصیر یا حلق و

احکام عمره مفرده \_\_\_\_\_ ۱۰

طواف نساء و نماز آن چنانچه بیان می شود، همه آنها بر او  
حلال می شود.

### خمس و زکات و احکام آنها در عمره

برای قبولی عمره باید از مال حلال در این سفر استفاده شود. و الا علاوه بر اینکه این عبادت مورد قبول خدای سبحان واقع نمی شود، در بعضی از موارد موجب بطلان آن نیز می شود. یکی از این موارد نپرداختن خمس و زکات است که احکام آن به تفصیل در توضیح المسائل آمده است و در اینجا به مناسبت اشاره ای به احکام آن در رابطه با عمره می شود.

**مسئله ۲۱:** با مال حرام یا مالی که متعلق خمس یا زکات است و خمس یا زکات آن پرداخت نشده، جایز نیست به عمره برود.

**مسئله ۲۲:** مخارج حج یا عمره یا زیارت ائمه جزء مخارج سال محسوب می شود. بنابراین اگر از درآمد همان سال صرف حج یا عمره یا زیارت شود لازم نیست خمس مبلغی که صرف حج یا عمره یا زیارت شده پرداخت شود. بلی اگر بخواهد از درآمد سالهای سابق صرف کند، حتماً باید قبل از مصرف خمس آن را بدهد.

**مسئله ۲۳:** کسی که از درآمد سال خود برای عمره ثبت نام کند و در همان سال مشرف نشود، اگر طوری است که اگر امسال ثبت نام نمی کرد سال بعد نمی توانست برود خمس به آن تعلق نمی گیرد بلکه اگر با پولی که خمس به آن تعلق گرفته و خمس آن پرداخت نشده ثبت نام کند باید خمس آن را بدهد. و در این فرض اگر بخواهد خمس آن را از درآمد همان سال یا سال بعد قبل از تشرّف بدهد باید یک چهارم آن را بپردازد.

**مسئله ۲۴:** اگر با پول غضبی یا پولی که خمس و زکات آن پرداخت نشده بلیط هواپیما یا وسیله مسافرتی دیگر را برای عمره تهیه کند، هر چند کار حرامی انجام داده و ضامن است، ولی موجب بطلان عمره او نمی شود.

**مسئله ۲۵:** اگر با پول غضبی یا پولی که خمس و زکات آن پرداخت نشده لباس احرام و لباسی که در آن طواف واجب انجام می دهد یا نماز طواف می خواند تهیه کند، طواف او اشکال دارد و موجب بطلان عمره می شود.

**مسئله ۲۶ :** کسی که تاکنون خمس مال خود را نداده است، اگر از حقوق همان سال و قبل از گذشت سال، لباس احرام و مصارف عمره را تأمین کند مانعی ندارد، ولی اگر از درآمد سالهای قبل تهیه کند حکم غصب را دارد. و اگر شک دارد که به اصل پول خمس تعلق گرفته یا خیر، می تواند با آن لباس احرام تهیه کند.

**مسئله ۲۷ :** همراه داشتن پول یا اشیاء متعلق خمس در طواف اشکال دارد.

**مسئله ۲۸ :** شخصی که در حین خرید لباس احرام نمی دانسته پولش غیرمخمس است و با آن لباس خریده و محرم شده و اعمال انجام داده اعمال او صحیح است. ولی خمس پولی را که مصرف کرده مدیون است و باید بپردازد.

**مسئله ۲۹ :** حاجی اگر قبل از رسیدن سال خمسی اش از درآمد سال خودسوغات خرید و پس از خرید، سال خمسی او فرارسید، چنانچه سوغات در حد شأن او باشد خمس ندارد.

### عمره کودکان

**مسئله ۳۰:** بر کودک ممیز مستحب است عمره بجا آورد، و عمل او صحیح است هر چند بدون اجازه ولی او باشد.

**مسئله ۳۱:** مستحب است ولی، کودک غیر ممیز خود را محرم کند، یعنی لباس احرام به او بپوشاند و به نیت انجام عمره اگر می شود تلبیه را به او تلقین کند و گرنه خودش بجای او بگوید.

**مسئله ۳۲:** مقصود از «ولی» در مسئله قبل ولی شرعی می باشد.

**مسئله ۳۳:** بعد از آنکه کودک محرم شد ولی باید او را از محرمات احرام باز دارد. و اگر ممیز نیست رعایت محرمات احرام او بر عهده ولی است.

**مسئله ۳۴:** یکی از محرمات احرام که سایه قرار دادن است، و احکام آن در جای خود خواهد آمد، اختصاص به مردان دارد، و این حکم شامل کودکان نمی شود.

**مسئله ۳۵:** کفاره محرمات احرام کودک بنا بر اقوی در صید و بنا بر احتیاط واجب در غیر صید بر ولی کودک است.

**مسئله ۳۶ :** ولی پس از احرام کودک باید او را وادار کند که تمام اعمال عمره را انجام دهد، و در اعمالی که نیاز به طهارت و وضو دارد احتیاطاً باید کودک را وضو بدهد و پاک نگاه دارد.

**مسئله ۳۷ :** اگر کودک در اثنای طواف بخوابد یا محدث شود، بنا بر احتیاط پس از تطهیر و وضو دادن کودک طبق مسئله ۲۱۹ عمل شود.

**مسئله ۳۸ :** اگر بعد از طواف متوجه شوند کودک محدث شده، ولی ندانند که حدث در حال طواف بوده یا بعد از آن، اعتنا نکنند و طواف صحیح است.

**مسئله ۳۹ :** اگر در اثنای طواف یا بعد از آن یقین کنند که کودک در بین طواف محدث شده، ولی ندانند دور چندم بوده، احتیاطاً طواف باطل است، و بنا بر احتیاط واجب پس از تطهیر و وضو دادن کودک، دوباره او را طواف دهند.

**مسئله ۴۰ :** چون تمام شرایط طواف در کودک نیز باید مراعات شود، لذا شخصی که کودک را در آغوش گرفته و طواف می دهد باید طوری او را نگهدارد که شانه چپ کودک به طرف کعبه باشد.

**مسأله ۴۱ :** اگر کودک غیر ممیز در حال سعی خوابش ببرد مانعی ندارد، و می توانند در همان حال سعی او را اتمام کند، چون نیت سعی کودک غیر ممیز با سعی دهنده است، و طهارت نیز در سعی شرط نیست.



### اعمال عمره مفرده

عمره مفرده از هفت جزء تشکیل شده است که عبارت است از:

- ۱ - احرام.
- ۲ - طواف.
- ۳ - نماز طواف.
- ۴ - سعی.
- ۵ - حلق یا تقصیر.
- ۶ - طواف نساء.
- ۷ - نماز طواف نساء.

### احرام

مسأله ۴۲ : هنگام احرام مراعات چهار چیز واجب است:

- ۱ - میقات (محلّ احرام).
- ۲ - نیت.
- ۳ - پوشیدن لباس احرام.
- ۴ - تلبیه.

### میقات (محل احرام)

مسأله ۴۳ : کسی که از راه دور به مکه مشرف می شود و از میقات عبور می کند برای عمره مفرده باید از یکی از مواقیع معروفه که در مسأله بعد ذکر می شود محرم شود.

مسأله ۴۴ : مواقیع معروفه عبارتند از:

۱ - مسجد شجره (ذوالحلیفه) و آن میقات کسانی

است که از مدینه منوره به مکه می روند.

۲ - وادی عقیق، و آن میقات کسانی است که از راه عراق و

نجف به مکه می روند.

۳ - قرن المنازل، و آن میقات کسانی است که از راه طائف به

مکه می روند.

۴ - یلملم، و آن میقات کسانی است که از راه یمن به مکه

می روند.

۵ - جحفه، و آن میقات کسانی است که از راه شام به مکه

می روند.

**مسئله ۴۵ :** احتیاط واجب آن است که داخل مسجد شجره محرم شوند، ولی در بقیه مواقیت احرام از همان محل کافی است.

**مسئله ۴۶ :** احرام از تمام مسجد شجره فعلی صحیح است و لازم نیست حتماً در قسمت مسجد قدیم باشد.

**مسئله ۴۷ :** جنب و حائض می تواند در حال عبور از مسجد محرم شود، و نباید در مسجد مکث کند.

**مسئله ۴۸ :** جنب و حائض اگر به واسطه زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد محرم شود احتیاط آن است که نزدیک مسجد محرم شود و در جحفه یا محاذی آن احرام را تجدید کند

**مسئله ۴۹ :** کسی که داخل مکه است یا از راه دور به مکه مشرف می شود ولی از میقات عبور نمی کند - مثلاً با هواپیما یا کشتی به جده می رود - برای عمره مفرده می تواند از ادنی الحل (تنعیم یا دبیبه یا جعرانه) محرم شود. و لازم نیست به یکی از مواقیت معروفه برود.

**مسئله ۵۰ :** کسی که به جهت جماع یا استمنا عمره مفرده خود را فاسد کرده است و باید عمره مفرده دیگری انجام دهد باید به میقاتی که در عمره فاسده از آنجا محرم شده است برود و محرم شود، و احرام از ادنی الحل برای او کفایت نمی کند، مگر در موارد اضطرار.

**مسئله ۵۱ :** تأخیر احرام برای کسی که از یکی از مواجیت عبور می کند جایز نیست، مگر در موارد اضطرار که می تواند به ادنی الحل رفته و از آنجا محرم شود.

**مسئله ۵۲ :** تقدیم احرام از میقات صحیح نیست، و اگر کسی قبل از میقات محرم شود احرام او باطل است، لذا احرام از جدّه صحیح نیست.

**مسئله ۵۳ :** احرام قبل از میقات با نذر صحیح است، بنابراین کسی که به جدّه رفته است می تواند از جدّه با نذر برای عمره مفرده محرم شود.

**مسئله ۵۴ :** صیغه نذر این است که بگوید «لِلَّهِ عَلَيَّ أَنْ أُحْرِمَ مِنْ هَذَا الْمَكَانِ» یا ترجمه آنرا بگوید «برای خدا بر من است که از اینجا محرم شوم».

**مسأله ۵۵ :** کسی که نذر کرد از تهران یا جای دیگر محرم شود نذرش صحیح است و باید محرم شود و می تواند از راهی برود که زیر سایه قرار بگیرد مانند تونل و پل و زیر درخت، از سایه های ثابت ولی برای زیر سقف بودن در حال طی منازل مثل هواپیما باید کفاره بدهد.

**مسأله ۵۶ :** نذر زن بدون اذن شوهر صحیح نیست، و اگر با همین نذر قبل از میقات محرم شود احرام او باطل است. بلی اگر زن با اجازه شوهر به عمره مشرف شده و شوهر همراه او نیست اگر از اجازه به اصل سفر فهمیده شود که ملحقات و لوازم آن هم مورد اجازه است، چنانچه بر زن لازم باشد نذر کند، نذر او در این فرض صحیح است.

**مسأله ۵۷ :** کسی که می خواهد فضیلت عمره رجبیه را درک کند اما وقت ندارد می تواند قبل از میقات در مدینه یا شهرستان خود به احرام عمره رجبیه محرم شود، سپس در ماه شعبان به مکه رفته و بقیه اعمال عمره را انجام دهد، که در این صورت فضیلت عمره رجبیه را درک می کند.

**مسأله ۵۸ :** کسی که عصیاناً از مواقیت معروفه بدون احرام گذشت و وارد مکه شد گرچه معصیت کرده ولیبرای عمره مفرده احرام از ادنی الحل صحیح است، و رفتن به یکی از مواقیت لزومی ندارد.

**مسأله ۵۹ :** اگر بینه شرعی قائم شد، یعنی دو شاهد عادل شهادت دادند که فلان مکان میقات است، تفتیش و تحصیل علم لازم نیست و اگر علم و بینه ممکن نشود می تواند اکتفا کند به ظنّ حاصل از پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع به آن مکان ها می باشند.

**مسأله ۶۰ :** کسی که محل میقات را نمی شناسد نمی تواند به گفته راهنما که می گوید فلان محل میقات است، محرم شود، مگر اینکه از گفته اواطمینان حاصل کند.

**مسأله ۶۱ :** کسی که عمره مفرده انجام داده است اگر در همان ماه (قمری) از مکه خارج شود و بخواهد در همان ماه برگردد لازم نیست محرم شود، حتی اگر از میقات عبور کند، هر چند مستحب است به نیت خود یا فرد دیگری محرم شود و عمره دیگری انجام دهد.

**مسأله ۶۲ :** کسی که قبل از میقات یا در میقات بیهوش شده وظیفه ای ندارد و ولی یا همراهان او می توانند او را بدون احرام از میقات عبور دهند. بلی اگر قبل از ورود به حرم بیهوش آید باید در ادنیالحل محرم شود و با احرام وارد حرم شود و اعمال عمره مفرده را انجام دهد.

#### **نیت**

**مسأله ۶۳:** نیت یعنی قصد انجام اعمال عمره، و لازم نیست قصد کند محرمات احرام را انجام ندهد، بلکه اگر قصد انجام محرمات احرام را هم داشته باشد چنانچه محرماتی باشد که به صحت عمره ضرر نزنند، اشکالی ندارد.

**مسأله ۶۴ :** لازم نیست نیت را به زبان بگوید یا حتی به قلب خطور دهد، بلکه انگیزه و داعی در انجام عمل مثل سایر عبادات کافی است.

**مسأله ۶۵ :** در حج و عمره مستحب است که نیت را به زبان بگوید یعنی بگوید «عمره مفرده به جا می آورم قربه الی الله».

**مسأله ۶۶ :** احرام عمره همچون سایر اعمال آن از عبادات است، و باید با نیت خالص برای اطاعت خدای سبحان

(قربۀ الی الله) انجام شود، و اگر با ریا انجام شود موجب بطلان احرام می شود.

**مسأله ۶۷:** نایب اگر به جهت فراموشی یا علت دیگری برای عمره مفرده به نیت خود محرم شد، نمی تواند دوباره به نیت منوب عنه محرم شود. بلکه باید آن عمل را تمام کرده، و بعد برای انجام عمره به نیت منوب عنه محرم شود.

**مسأله ۶۸:** اگر شخص در میقات محرم شد و بعد از ورود به مکه پیشیمان شد نمی تواند احرام خود را به هم بزند، و قصد مُحَلِّ شدن، او را از احرام خارج نمی کند، و اگر کاری که موجب کفاره است

بجا آورد باید کفاره بدهد، و تا وقتی اعمال عمره را انجام ندهد، مُحَلِّ نمی شود.

#### **لباس احرام**

**مسأله ۶۹:** یکی از واجبات احرام پوشیدن دو جامه احرام است، که یکی لنگ و دیگری ردا نامیده می شود. و احتیاط واجب آن است که لباس های دوخته را بکند و این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن بپوشد.



**مسئله ۷۰ :** دو جامه ای را که باید محرم بپوشد مخصوص مرد است، ولی زن قبل از تلبیه قصد کند همان لباسی را که پوشیده لباس احرامش باشد. و لازم نیست ندوخته باشد، ولی احتیاط مستحب آن است که فقط در حال نیت و تلبیه دو لباس احرام را بپوشد.

**مسئله ۷۱ :** لازم نیست محرم جامه احرام را همیشه در بر داشته باشد، بلکه جایز است آن را عوض کند، یا به هر علتی لخت شود.

**مسئله ۷۲ :** افضل آن است که محرم برای طواف همان جامه های احرام را که با آن احرام بسته بپوشد.

**مسئله ۷۳ :** باید لباس احرام را به گونه ای بپوشد که یکی عرفاً لنگ تلقی شود، و مستحب است ناف تا زانو را بپوشاند و دیگری رداء شمرده شود، و به هر کیفیتی که می خواهد و احتیاط مستحب آن است که ردا شانه ها را بپوشاند.

**مسئله ۷۴ :** پوشیدن جامه احرام یک واجب تعبدی است، لذا باید قصد اطاعت امر الهی را بکند، ولی کنندن لباس معمولی واجب نیست با قصد قربت باشد، هر چند مستحب است.

**مسئله ۷۵:** اگر عصباناً دو جامه احرام را نپوشد یا در لباس معمولی محرم شود هر چند گناه کرده است ولی احرام او صحیح است.

**مسئله ۷۶:** همانگونه که در محرمات احرام خواهد آمد مرد محرم باید از پوشیدن لباس دوخته اجتناب کند، لذا جامه احرام برای مرد نباید دوخته باشد.

**مسئله ۷۷:** جامه ای که لنگ قرار می دهد نباید نازک و بدن نما باشد، و احتیاط واجب است که رداء نیز نازک نباشد.

**مسئله ۷۸:** جامه احرام باید از جنسی باشد که نماز در آن صحیح باشد، بنابراین جامه حریر و غیرمأکول یا نجس کفایت نمی کند.

**مسئله ۷۹:** بنا بر احتیاط واجب لباسی را که زن در حال احرام می پوشد از حریر خالص نباشد.

**مسئله ۸۰:** تمام شرایطی را که در لباس نمازگزار معتبر است در جامه احرام باید رعایت شود به این معنی که باید حریر و یا از اجزاء حیوان غیر مأکول و یا منجس به نجاستی که در نماز از آن عفو نشده نباشد.

**مسأله ۸۱:** احتیاط آن است که جامه احرام از پوست نباشد، هر چند لازم نیست منسوج و بافتنی باشد. لذا نمدهم کفایت می کند.

#### تلبیه

**مسأله ۸۲:** آخرین واجب در احرام، تلبیه است. یعنی گفتن لیبیک ها به شکل زیر:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

که با یکبار گفتن آن محرم شده و احرامش صحیح است. هر چند تکرار آن مستحب است. و احتیاط مستحب آن است که بعد از مقدار واجب آن بگوید:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و احتیاط مستحب آن است که به جای صورت اول بگوید:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و مستحب است بعد از آن بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ

ذَالْجَلَالِ وَالْاَكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تُبْدِيُّ وَالْمَعَادُ اِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ  
تَسْتَعْنِي وَيُفْتَقِرُ اِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوباً وَمَرْغُوباً اِلَيْكَ لَبَّيْكَ،  
لَبَّيْكَ اِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ  
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ  
عَبْدَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيْمُ لَبَّيْكَ».

و خوب است این جملات را نیز بگوید:

«لَبَّيْكَ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ وَ  
عُمْرَةٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ اَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَلْبِيَةً تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا  
عَلَيْكَ».

مسأله ۸۳: ترجمه مقدار واجب تلبیه چنین است:

«همواره دعوت تو را اجابت می کنم خدایا، همواره اجابت  
می کنم تو را، همواره اجابت می کنم و را، برای تو شریکی  
نیست، همواره اجابت می کنم تو را».

و ترجمه جمله بعد که مستحب است چنین است:

«همانا ستایش و نعمت و پادشاهی از آن تو است. شریکی  
برای تو نیست، اجابت می کنم تو را».

**مسئله ۸۴ :** باید تلبیه را به مقدار واجب یاد بگیرد و به نحو صحیح بگوید، و اگر نتواند یاد بگیرد یک نفر به او تلقین کند تا به نحو صحیح بگوید.

**مسئله ۸۵ :** اگر نتواند یاد بگیرد و با تلقین هم نتواند به صورت صحیح بگوید به هر نحو که می تواند بگوید، و ترجمه اش را هم بگوید و نایب گرفتن لازم نیست.

**مسئله ۸۶ :** کسی که لال است و قادر نیست تلبیه را بگوید باید با انگشت اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد، و بهتر است نایب هم بگیرد.

**مسئله ۸۷ :** اگر کسی لبیک را به مقدار واجب نگفت محرم نشده، و اگر موجبات کفاره در حال احرام را به جا آورد کفاره ندارد. و همین طور است اگر عمداً غلط بگوید یا با ریا آن را باطل کند.

**مسئله ۸۸ :** تأخیر تلبیه از میقات جایز نیست و اگر تأخیر انداخت محرم نشده است و باید در ادنی الحل محرم شود.

**مسئله ۸۹ :** اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله لبیک را نگفت و بعد از عبور از میقات متوجه شد باید در ادنی الحل

محرم شود و لازم نیست به میقات برگردد، و اگر هنگام ورود به مکه متوجه نشد هر چند

عمره او صحیح نیست ولی وظیفه ای ندارد.

### مستحبات احرام

مسأله ۹۰: مستحبات احرام چند چیز است:

۱ - قبلا بدن خود را پاکیزه کرده و ناخن و شارب خود را بگیرد، و موی زیر بغل و عانه را بانوره ازاله نماید.

۲ - از یک ماه قبل موی سر و ریش خود را کوتاه نکند.

۳ - پیش از احرام در میقات غسل احرام کند، و این غسل از حائض و نفساء نیز صحیح است، و تقدیم این غسل بخصوص اگر خوف آن باشد که در میقات نتوان غسل کرد جایز است.

۴ - دو جامه احرام از پنبه باشد.

۵ - پارچه احرام سفید باشد.

۶ - احرام را به ترتیب ذیل ببندد:

در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر، و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر، و در صورت دم تمکن از آن، بعد

از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد  
سوره توحید، و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و شش  
رکعت افضل است، و بعد از نماز، حمد و ثنای الهی راجا  
آورد، و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد، آنگاه بگوید: «اللَّهُمَّ  
إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ،  
وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَأَتَى عَبْدَكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ، لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ،  
وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أُعْطَيْتَ، وَ قَدْ ذَكَرْتُ الْحَجَّ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تُعْزِمَ  
لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ، وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ  
تُقَوِّبِنِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ عَنْهُ، وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي، فِي  
يُسْرَمِنِكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ قَدْرِكَ الَّذِي رَضِيَتْ  
وَ ارْتَضَيْتَ، وَ سَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شِقَّةٍ بَعِيدَةٍ،  
وَ انْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي عُمْرَتِي، اللَّهُمَّ  
إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ  
وَ آلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي، فَحَلِّنِي (فَحَلِّنِي خ ل)  
حَيْثُ حَبَسْتَنِي، لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ،

اللَّهُمَّ إِن لَّمْ تَكُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةٌ أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي  
وَأَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعَصْبِي، مِنَ النِّسَاءِ وَالنِّسَابِ  
وَالطُّيْبِ، أَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالْدارَ الْآخِرَةَ».

۷ - هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْزَتِي، وَأُوَدِّي فِيهِ فَرَضِي،  
وَأُعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَأُنْتَهِي فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ  
فَبَلَغَنِي، وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي، وَلَمْ يَقْطَعْ بِي، وَوَجَّهَهُ أَرَدْتُ  
فَسَلَّمَنِي، فَهُوَ حِصْنِي وَكُهْنِي وَحِرْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي  
وَمُنْجَايَ وَذُخْرِي وَعِدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي».

۸ - تلبیه ها را در حال احرام تکرار کند، خصوصاً در موارد  
ذیل:

الف - وقت برخاستن از خواب.

ب - بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج - هنگام بالا رفتن از سربالایی یا سرازیر شدن از آن.

د - وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

هـ - آخر شب.



و - اوقات سحر.

حائض و نساء نیز این تلبیه ها را بگویند.

### مکروهات احرام

**مسأله ۹۱:** مکروهات احرام چند چیز است:

۱ - احرام در جامه سیاه و رنگین، بجز رنگ سبز.

۲ - خوابیدن محرم بر رخت و بالش زرد رنگ.

۳ - احرام بستن در جامه چرکین. و اگر جامه در حال احرام

چرک شود بهتر است مادامی که در حال احرام است آنرا

نشوید.

۴ - احرام بستن در جامه راه راه.

۵ - استعمال حنا پیش از احرام، چنانچه اثر آن تا حال احرام

باقی بماند.

۶ - حمام رفتن، و اولی آن است که محرم بدن خود را با

کیسه و مثل آن نساید.

۷ - لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا کند.



### محرمات احرام

مسأله ۹۲: محرمات احرام عبارتند از:

- ۱ - آمیزش.
- ۲ - بوسیدن.
- ۳ - لمس کردن.
- ۴ - نگاه با شهوت.
- ۵ - عقد کردن.
- ۶ - استمناء.
- ۷ - پوشاندن سر.
- ۸ - پوشیدن لباس دوخته.
- ۹ - پوشاندن تمام روی پا.
- ۱۰ - پوشاندن صورت.
- ۱۱ - استعمال عطریات.
- ۱۲ - زینت.
- ۱۳ - نگاه کردن به آینه.
- ۱۴ - روغن مالیدن.

- ۱۵ - ناخن گرفتن.
- ۱۶ - ازاله مو.
- ۱۷ - سایه قرار دادن.
- ۱۸ - فسوق.
- ۱۹ - جدال.
- ۲۰ - خون بیرون آوردن از بدن خود.
- ۲۱ - کندن دندان.
- ۲۲ - کشتن حشرات بدن.
- ۲۳ - حمل سلاح.
- ۲۴ - کندن گیاهان و درختان حرم.
- ۲۵ - شکار.

#### آمیزش

**مسأله ۹۳:** اگر در عمره مفرده قبل از سعی آمیزش کند باید عمره را تمام کند و یک شتر کفاره دهد، و در ماه بعد هم یک عمره مفرده دیگر انجام دهد، و در این عمره باید از جایی محرم شود که در عمره قبلی از آنجا محرم شده است، مگر اینکه نتواند به آنجا برود.

**مسأله ۹۴ :** مسائل آمیزش بین زن و مرد مشترک است، ولی اگر زن مجبور به آمیزش شود، بر زن لازم نیست کفاره بدهد. اما مرد باید کفاره خود و زن را بدهد، و عمره زن ظاهراً صحیح است.

**مسأله ۹۵ :** در مسائلی که گذشت فرقی نمی کند که نزدیکی از جلو باشد یا عقب، با همسر دائمی یا موقت خود باشد، یا زنا و وطی به شبهه باشد، و هم چنین فرقی نمی کند که منی خارج شود یا خیر.

**مسأله ۹۶ :** نزدیکی دو مرد (لواط) حکم نزدیکی با زن را دارد.

#### **بوسیدن**

**مسأله ۹۷ :** اگر بدون شهوت همسرش را ببوسد حرام نیست و کفاره ندارد، ولی اگر با شهوت همسرش را ببوسد و منی از او خارج شود باید یک شتر کفاره بدهد، و اگر منی از او خارج نشود یک گوسفند کفاره بدهد.

**مسأله ۹۸ :** شخص مُحَلِّ می تواند همسر محرم خود را ببوسد، ولی اگر فرد محرم لذت ببرد نباید اجازه بدهد.

#### **لمس کردن**

**مسئله ۹۹ :** اگر همسر خود را با شهوت لمس کند یا بازی کند و انزال شود بنا بر احتیاط واجب باید یک شتر کفاره بدهد، و اگر انزال نشود کفاره آن یک گوسفند است.

**مسئله ۱۰۰ :** کسی که محرم نشده یا مُجَلِّ شده می تواند همسر خود را اگر چه محرم باشد لمس کند یا با او بازی کند، ولی اگر شخص محرم لذت ببرد نباید اجازه بدهد علی الاحوط.

#### **نگاه کردن**

**مسئله ۱۰۱ :** اگر محرم بدون شهوت به همسر خود نگاه کند اشکال ندارد، ولی اگر با شهوت نگاه کند حرام است، و اگر منی از او خارج شود مشهور آن است که یک شتر کفاره بدهد.

**مسئله ۱۰۲ :** اگر محرم عمدا نگاه کند به غیر زن خود و انزالش شود احوط آن است که اگر می تواند یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی تواند یک گاو و اگر آنرا هم نمی تواند یک گوسفند کفاره بدهد.

### عقد کردن

**مسأله ۱۰۳:** بر محرم جایز نیست کسی را برای دیگری یا خود عقد کند و احتیاط واجب آن است که شاهد بر عقد نشود، و فرقی نمی‌کند که زن و مرد یا یکی از آنها محرم باشند یا مُحِلّ.

### - استمناء

**مسأله ۱۰۴:** استمناء حرام است و اگر به جهت استمناء منی خارج شود، باید یک شتر کفاره بدهد، و حکم آن مثل حکم آمیزش است که گذشت. و در این مسأله فرقی بین زن و مرد وجود ندارد.

### پوشاندن سر

**مسأله ۱۰۵:** مرد نباید تمام سر یا قسمتی از آن را با پارچه یا لباس و کلاه بپوشاند.

**مسأله ۱۰۶:** بر محرم جایز نیست سر خود را زیر آب کند.

**مسأله ۱۰۷:** دوش گرفتن برای محرم اشکالی ندارد. اما اگر آن قدر آب زیاد باشد که یک مرتبه تمام سر را فرا بگیرد جایز نیست.

**مسئله ۱۰۸:** قسمتی از سر نیز حکم تمام سر را دارد. لذا بنا بر اقوی نباید پوشیده شود یا زیر آب قرار گیرد. و بنا بر احتیاط نباید چیزی روی آن قرار گیرد.

**مسئله ۱۰۹:** گوش‌ها ظاهراً جزء سر محسوب می‌شوند و نباید آنها را بپوشانند. ولی صورت از سر محسوب نمی‌شود و پوشاندن آن برای مردان مانعی ندارد.

**مسئله ۱۱۰:** در حال خوابیدن نیز نباید سر را بپوشاند. و اگر بدون توجه یا از روی فراموشی بپوشانید واجب است فوراً آن را از روی سر بردارد. ولی گذاشتن سر روی بالش مانعی ندارد.

**مسئله ۱۱۱:** گذاشتن حوله و دستمال روی سر یا قسمتی از آن، اگر چه برای خشک کردن سر باشد جایز نیست.

**مسئله ۱۱۲:** محرمی که می‌داند اگر برای وضو بخواهد صبر کند تا سرش خشک شود نمازش قضا می‌شود اگر نمی‌تواند ولو با دست خشک کند احوط جمع بین وضو با این حال و تیمم است.

**مسئله ۱۱۳:** کسی که موی مصنوعی دارد ضرربه عمره و حج ندارد ولی اگر مرد آن را بر سر گذاشته است باید كفاره بدهد.



**مسأله ۱۱۴:** چنانچه از روی علم و عمد سر خود را بپوشاند باید كفاره بدهد، و كفاره آن يك گوسفند است. و در پوشاندن بعض سر نیز يك گوسفند است.

**مسأله ۱۱۵:** کسی که با چیز دوخته سر خود را بپوشاند باید دو كفاره بدهد.

#### **پوشیدن لباس دوخته**

**مسأله ۱۱۶:** پوشیدن چیز دوخته مثل پیراهن و زیر جامه و قبا و امثال آن ها برای مردان حرام است و چیز هایی که شبیه به دوخته است مثل پیراهن هایی که با چرخ یا با دست می بافند یا چیزهایی که بانمد به شکل لباس می مانند مثل کلیجه و کلاه و غیر آنها پوشیدنشان جایز نیست و احوط اجتناب از مطلق دوخته است هر چند کم باشد مثل کمربند دوخته و شب کلاه.

**مسأله ۱۱۷:** همیانی که در آن پول می گذارند اشکال ندارد به کمر ببندد هر چند دوخته باشد .

**مسأله ۱۱۸:** فتنق بند اگر دوخته باشد برای ضرورت جایز است لکن احتیاط آن است که كفاره بدهد.

**مسئله ۱۱۹:** اگر احتیاج به پوشیدن لباس پیدا کرد. جایز است بپوشد، ولی باید کفاره بدهد.

**مسئله ۱۲۰:** گره زدن لباسهای احرام جایز است.

**مسئله ۱۲۱:** نپوشیدن لباس دوخته مخصوص مردان است. بنابراین برای زنان استفاده از لباس دوخته مانعی ندارد.

**مسئله ۱۲۲:** کفاره پوشیدن لباس دوخته یک گوسفند است هر چند از روی اضطرار پوشیده باشد.

**مسئله ۱۲۳:** اگر بعد از احرام از روی ندانستن یا فراموشی متوجه شود، شورت دوخته خود را درنیاورده ولی باز درنیاورد و با همان شورت اعمال را تمام کند، اعمال او صحیح است، ولی باید کفاره بدهد.

**مسئله ۱۲۴:** اگر حاجی در حال احرام از پتوی دوخته به صورت روانداز استفاده کند به طوری که پوشیدن صدق نکند اشکالی ندارد. اما اگر آن را به خود بپیچد به طوری که مثل لباس شود اشکال دارد، و اگر صدق پوشیدن دوخته کند، کفاره دارد.

### **پوشاندن تمام روی پا**

**مسأله ۱۲۵:** پوشیدن جوراب، کفش، چکمه و امثال آن که تمام روی پا را بگیرد برای مرد حرام است. و کفاره آن به احتیاط واجب یک گوسفند است.

**مسأله ۱۲۶:** پوشیدن دمپایی و کفشهایی که بندهای عریض داشته باشند اگر تمام روی پا را نگیرد مانعی ندارد.

**مسأله ۱۲۷:** پوشیدن کفشی که تمام روی پا را می گیرد از روی ناچاری جایز است. ولی باید کفاره آن را پردازد.

**مسأله ۱۲۸:** سه مورد مذکور (پوشاندن سر - پوشیدن لباس - پوشاندن تمام روی پا) مخصوص مردان است، و مورد بعد (پوشاندن صورت) اختصاص به زنان دارد.

### **پوشاندن صورت**

**مسأله ۱۲۹:** زن نباید روی خود را با نقاب، پوشیه، چیزهای غیر متعارف مثل پوشال و گل و حتی باد بزن بپوشاند.

**مسأله ۱۳۰:** گذاشتن دست روی صورت و همچنین گذاشتن صورت روی بالش در هنگام خوابیدن مانعی ندارد.

**مسأله ۱۳۱:** زن نباید صورت خود را با حوله خشک کند.

**مسأله ۱۳۲:** زن باید مراقب باشد که هنگام پوشیدن یا درآوردن مقنعه آن را از صورت دور نگه دارد تا صورتش پوشیده نشود.

**مسأله ۱۳۳:** زن باید در نماز کمی از اطراف صورت را به عنوان مقدمه پوشش سر بیوشاند. اما بعد از نماز باید فوراً باز کند.

#### **استعمال عطریات**

**مسأله ۱۳۴:** اقوی این است که محرم از استعمال عود، مشک، عنبر، کافور و زعفران بلکه مطلق عطر هر قسم که باشد اجتناب کند.

**مسأله ۱۳۵:** مالیدن عطر بر بدن و لباس، و پوشیدن لباس معطر جایز نیست.

**مسأله ۱۳۶:** از گلها یا سبزیهایی که بوی خوش می دهند باید اجتناب شود.

**مسأله ۱۳۷:** استعمال صابون یا شامپو و خمیردندانی که بوی خوش دارد برای محرم جایز نیست.

**مسئله ۱۳۸ :** خوردن میوه های خوشبو مثل سیب و به در حال احرام مانعی ندارد و بوئیدن آنها مانعی ندارد.

**مسئله ۱۳۹ :** خوردن غذاهایی که مشتمل بر چیزهایی باشد که استعمال آنها بر محرم حرام است جایز نیست. و كفاره آن بنا بر اقوی یک گوسفند است.

**مسئله ۱۴۰ :** استعمال خلوق کعبه یا چیزی که کعبه را با آن خوشبو کنند مانعی ندارد.

**مسئله ۱۴۱ :** محرم نباید بینی خود را از بوی بد بگیرد. و اگر گرفت معصیت کرده ولی كفاره ندارد. اما فرار کردن از بوی بد مانعی ندارد.

**مسئله ۱۴۲ :** اگر به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که از جهت بوی خوش حرام است اضطرار پیدا کند باید بینی خود را بگیرد.

**مسئله ۱۴۳ :** كفاره استعمال بوی خوش از روی علم و عمد یک گوسفند است.

#### زینت

#### الف - زیورآلات:

**مسئله ۱۴۴ :** اگر زیور زینت باشد احتیاط واجب آن است که آن را ترک کند هر چند قصد تزئین نداشته باشد.

**مسأله ۱۴۵:** زیور آلاتی که زنان به طور معمول همیشه همراه دارند مانعی ندارد، مگر اینکه قصد تزیین داشته باشند. و در فرض اینکه قصد تزیین داشته باشد نباید آن را حتی به شوهر خود نشان دهد.

**ب - عینک:**

**مسأله ۱۴۶:** استفاده از عینک تزیینی به قصد تزیین برای محرم حرام است، ولی استفاده از عینک طبی مانعی دارد.

**ج - انگشتر:**

**مسأله ۱۴۷:** استفاده از انگشتر به قصد زینت حرام است. اما اگر به قصد استحباب باشد یا جهت دیگری غیر از زینت باشد مانعی ندارد.

**د - ساعت:**

**مسأله ۱۴۸:** استفاده از ساعت زینتی اگر به قصد تزیین باشد جایز نیست، و الا اشکالی ندارد.

**ه - سرمه کشیدن:**

**مسئله ۱۴۹:** کشیدن سرمه سیاه که زینت محسوب می شود بر زن و مرد محرم حرام است، هر چند قصد تزئین نداشته باشد. و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه است.

**مسئله ۱۵۰:** چنانچه برای مداوا سرمه بکشد مانعی ندارد.

#### و - حنا بستن

**مسئله ۱۵۱:** حنا بستن اگر زینت محسوب شود و به قصد تزئین باشد حرام است.

#### نگاه کردن در آینه

**مسئله ۱۵۲:** نگاه کردن در آینه برای زن و مرد محرم حرام است. ولی نگاه کردن به اجسام صاف و صیقلی و آب مانعی ندارد.

**مسئله ۱۵۳:** عکسبرداری و فیلمبرداری در حال احرام مانعی ندارد، اگر چه مستلزم نگاه به لنز و شیشه دوربین باشد.

#### مالیدن روغن و پماد چرب

**مسئله ۱۵۴ :** مالیدن روغن و پماد اگر چه بوی خوش نداشته باشد بنا بر اقوی حرام است، و كفاره آن يك گوسفند است اگر چه از روی اضطرار باشد.

**مسئله ۱۵۵ :** پمادهایی که برای عرق سوز شدن بدن و مداوا به کار می رود در صورت ضرورت مانعی ندارد.

#### **ناخن گرفتن**

**مسئله ۱۵۶ :** گرفتن ناخن دست یا پا، با هر وسیله ای که باشد جایز نیست. مگر اینکه بقای آن موجب اذیت و آزار محرم شود.

**مسئله ۱۵۷ :** محرم نمی تواند ناخن خود را بگیرد. ولی می تواند ناخن دیگری را بگیرد. بنابراین گرفتن ناخن محرم دیگر به قصد تقصیر برای محرم مانعی ندارد و صحیح است.

#### **ازاله مو**

**مسئله ۱۵۸ :** ازاله مو از بدن خود یا دیگری به هر وسیله ای که باشد برای محرم حرام است، مگر در موارد ضرورت.

**مسئله ۱۵۹ :** اگر هنگام وضو یا غسل مویی بدون قصد کنده شود اشکال ندارد.



**مسأله ۱۶۰:** اگر تراشیدن سر از روی ضرورت نباشد اقوی آن است که یک گوسفند کفاره بدهد. و اگر به جهت ضرورت باشد دوازده مدّ طعام است که باید به شش مسکین بدهد یا سه روز روزه بگیرد یا یک گوسفند قربانی کند و احتیاط واجب آن است که اگر موی سر را به غیر تراشیدن ازاله کند کفاره تراشیدن را بدهد

#### **سایه قرار دادن**

**مسأله ۱۶۱:** زیر سایه قرار دادن بدن برای مردان در حال حرکت و طی مسیر در سفر - پیاده یا سواره - حرام است. ولی برای زنان و کودکان اشکال ندارد.

**مسأله ۱۶۲:** در زیر سایه قرار دادن فرقی بین سر و بدن نیست. لذا نشستن در ماشین سرپوشیده و سر خود را از شیشه یا سقف بیرون کردن خلاف احتیاط وجوبی است.

**مسأله ۱۶۳:** حرمت استظلال آنجایی است که محرم خود را زیر سایبان مانند چتر و سقف قرار دهد. ولی اگر در کنار مانع باشد و خود را در سایه آن قرار دهد اشکالی ندارد، مثلاً در کنار ماشین یا دیوار حرکت کند هر چند خلاف احتیاط استحبابی است.

**مسئله ۱۶۴ :** حرمت سایه قرار دادن منحصر به سایبانی که همراه انسان حرکت کند مثل سقف ماشین و هواپیما است و شامل سایبان ثابت مثل تونل و پل نمی شود. لذا عبور از زیر پلهایی که در جاده واقع شده و به ناچار باید از آن جا عبور کرد اشکالی ندارد.

**مسئله ۱۶۵ :** مرد محرم می تواند در ایستگاههای بین راه یا در مکه، زیر سایبان برود؛ چون حرمت سایه قرار دادن مربوط به حال حرکت و سفر کردن است. بنابراین برای رفتن از منزل خود در مکه تا حرم، می تواند زیر سایبان حرکت کند.

**مسئله ۱۶۶ :** تمام شهر مکه حتی محله های جدید آن منزل محسوب می شود، لذا به محض ورود به مکه زیرسایبان رفتن مانعی ندارد، بنابراین می تواند از محله های جدید مکه تا مسجدالحرام با ماشین سرپوشیده برود.

**مسئله ۱۶۷ :** کسی که در مسجد تنعیم برای عمره مفرده محرم می شود می تواند با ماشین سرپوشیده تا مسجدالحرام یا خانه خود در مکه برود.

**مسأله ۱۶۸ :** استظلال در شب مانعی ندارد. ولی در روز اگر چه هوا ابری باشد جایز نیست. بلی اگر ابر به قدری تیره باشد که صدق استظلال نکنند مانعی ندارد.

**مسأله ۱۶۹ :** مردی که می داند برای سفر باید از وسیله سرپوشیده در روز استفاده کند می تواند نذر کند ولی اگر زیر سقف سفر کند باید کفاره بدهد.

**مسأله ۱۷۰ :** زیر سایه رفتن در مواقع ضروری مثلاً شدت گرما یا سرما، یا بارندگی جایز است، ولی باید کفاره بدهد.

**مسأله ۱۷۱ :** کفاره سایه قرار دادن در مسیر حرکت و طی منزل یک گوسفند می باشد. حتی در حال اضطرار هم اقوی وجوب یک گوسفند به عنوان کفاره است.

#### **فسوق**

**مسأله ۱۷۲ :** فسوق یعنی دروغ گفتن، فحش دادن، فخر فروختن به دیگران.

#### **جدال**

**مسأله ۱۷۳ :** جدال یعنی قسم خوردن به نام الله یا مرادف آن در فارسی مانند خدا بر محرم حرام است .

**مسأله ۱۷۴ :** قسم خوردن به غیر خدا به هر کس که باشد ملحق به جدال نیست .

### **بیرون آوردن خون از بدن خود**

**مسئله ۱۷۵ :** بیرون آوردن خون از بدن خود برایمحرّم حرام است و در حال اختیار اگر خون از بدن خود در آورد یک گوسفند کفاره بدهد. اما بیرون آوردن خون از بدن دیگران حرام نیست.

**مسئله ۱۷۶ :** خراشیدن بدن و مسواک کردن اگر موجب بیرون آمدن خون شود جایز نیست و همچنین است تزریق آمپول، مگر در حال ضرورت.

### **کندن دندان**

**مسئله ۱۷۷ :** کندن دندان گرچه خون نیاید بنا بر احتیاط حرام است. و کفاره آن بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

### **کشتن حشرات بدن**

**مسئله ۱۷۸ :** کشتن حشراتی که در بدن حیوان یا انسان ساکن می شوند مثل شپش، کک، کنه و... حرام است.

**مسئله ۱۷۹ :** کشتن مگس، پشه و حشرات خاکی اگر اذیت کنند، مانعی ندارد.

### **سلاح برداشتن**

**مسئله ۱۸۰ :** همراه داشتن سلاح اگر به گونه ای باشد که عرفاً مسلح محسوب شود حرام است.

**مسأله ۱۸۱:** اگر از روی جهل، نسیان، سهو و غفلت یکی از محرمات احرام را انجام داد کفاره ندارد مگر در مورد صید که در هر صورت کفاره دارد.

**کندن گیاهان و درختان حرم**

**مسأله ۱۸۲:** کندن و بریدن درختان و گیاهان حرم بر محرم و غیر محرم حرام است.

**مسأله ۱۸۳:** اگر در اثر راه رفتن به طور متعارف گیاهی قطع شود اشکالی ندارد.

**شکار حیوانات وحشی**

**مسأله ۱۸۴:** شکار حیوانات وحشی صحرائی بر محرم حرام است.

**مسأله ۱۸۵:** خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است، و فرقی نمی کند که خودش شکار کند یا دیگری، محرم شکار کند یا مُحِلّ.

**مسأله ۱۸۶:** همان گونه که صید برای محرم حتی در خارج حرم جایز نیست، برای مُحِلّ نیز صید در حرم جایز نمی باشد.

**مسأله ۱۸۷ :** به احتیاط واجب محرم نباید زنبور عسل یا زنبورهای دیگر را بکشد، مگر اینکه از آزار آنها بترسد.

#### **مستحبات دخول حرم**

**مسأله ۱۸۸ :** برای داخل شدن در حرم خدا چند چیز مستحب است:

۱ - همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل کند.

۲ - برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جل و علا پا برهنه شده و نعلین خود را در دست گرفته و داخل حرم شود. این عمل ثواب زیادی دارد.

۳ - وقت دخول حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: {وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ ارْجِعُوا لِيَأْتُواكُمْ بِالْحَجِّ} يَا أَيُّهَا النَّاسُ ارْجِعُوا لِيَأْتُواكُمْ بِالْحَجِّ عَمِيقُ {اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِنْ مَنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، قَدْ جِئْتُ مِنْ شَقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجَّ عَمِيقٍ، سَامِعاً لِنِدَائِكَ، وَمُسْتَجِيباً لَكَ، مُطِيعاً لِأَمْرِكَ، وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ،

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أُبْتَغِي بِذَلِكَ الرَّزْقَةَ عِنْدَكَ،  
وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْمُنْزِلَةَ لَدَيْكَ، وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي، وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ  
مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحَرِّمْ بَدَنِي  
عَلَى النَّارِ، وَآمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ».

#### آداب دخول مسجدالحرام

مسأله ۱۸۹: هنگام داخل شدن به مسجد الحرام چند چیز  
مستحب است:

- ۱ - مستحب است برای دخول مسجدالحرام غسل کند.
- ۲ - مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد  
شود.
- ۳ - هنگام ورود از درب «بنی شیبه» وارد شود، و گفته اند که  
باب بنی شیبه در حال کنونی مقابل باب السلام است. بنابر  
این نیکو این است که شخص از باب السلام وارد شده و  
مستقیماً بیاید تا از ستونها بگذرد.
- ۴ - مستحب است بر درب مسجدالحرام ایستاده، بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ  
وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَالسَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، وَالسَّلَامُ  
عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
رَبِّ الْعَالَمِينَ».

و در روایت دیگر وارد است که نزد درب مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَعَلَى مَلَأَةِ  
رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ،  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ  
عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ  
عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ،  
السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ  
عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ  
بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ،  
كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ،  
إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَبْدِكَ وَ



رَسُولِكَ، وَعَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَعَلَىٰ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَ  
سَلَّمَ عَلَيْهِمْ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،  
اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ  
وَمَرْضَاتِكَ، وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، جَلَّ ثَنَاءُ  
وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَرُؤُوسِهِ، وَجَعَلَنِي  
مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُتَاجِيهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ  
زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ، وَعَلَىٰ كُلِّ مَا تَبِيَّ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ  
خَيْرُ مَا تَبِيَّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، وَبِأَنَّكَ أَنْتَ  
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَبِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ  
صَمَدٌ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَكُنْ لَهُ (لَكَ خ ل) كُفُوًا أَحَدًا، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ  
وَرَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، يَا  
مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ إِيَّايَ  
بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

پس بگوید:

«وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالَ الطَّيِّبِ، وَأَذْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

۵ - داخل مسجدالحرام شود، و رو به کعبه دستها را بلند

کرده، و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتِي، وَ أَنْ تَتَجَاوَزَ عَن حَطِيئَتِي، وَ أَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامُ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَنَابِتَهُ لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُكَ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَ أَوْمُ طَاعَتِكَ، مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

بعد خطاب کند بسوی کعبه، و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَ شَرَّفَكَ وَ كَرَّمَكَ، وَ جَعَلَكَ مَثَابَةً  
لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ».

۶ - مستحب است وقتی که محاذی حجرالأسود شد، بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ  
وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ  
وَ الْعُزَّى، وَ بِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ، وَ بِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ  
اللَّهِ».

و هنگامی که نظرش به حجرالأسود افتاد متوجه بسوی او  
شود، و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا  
اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ  
خَلْقِهِ، وَ أَكْبَرُ مِمَّا أَحْشَى وَ أَحْذَرُ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ لَا  
شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ وَ

يُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ  
عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلَامٌ عَلَى  
جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي  
أَوْثِمُ بَوَعْدِكَ، وَأَوْفِي بِعَهْدِكَ، وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ، وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ».

۷ - در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک  
حجرالأسود رسیدی دستهای خود را بلند کن، و حمد و ثنای  
الهی را بجا آور، و صلوات بر پیغمبر بفرست، و از خداوند  
عالم بخواه که حج تو را قبول کند. پس از آن حجر را ببوس  
و دست بکش. و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام کن، و اگر  
آن نیز ممکن نشد به آن اشاره کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا، وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ، لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ،  
اللَّهُمَّ تَصَدِّيقاً بِكِتَابِكَ، وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،  
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ

رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، وَبِاللَّاتِ وَالْعُزَّى، وَعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ، وَعِبَادَةِ كُلِّ نَدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ.»

و سپس بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي، وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظَمْتُ رَغْبَتِي، فَاقْبَلْ سُبْحَتِي، وَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ، وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»

مستحبات دیگر مکه

مسأله ۱۹۰: آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این

قرار است:

۱ - زیاد ذکر خدا کردن، و خواندن قرآن.

۲ - ختم کردن قرآن.

۳ - خوردن از آب زمزم، و بعد از خوردن این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ.»

و نیز بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرِ لِلَّهِ».

۴ - نظر کردن به کعبه، و بسیار تکرار کردن آن.

۵ - در هر شبانه روز ده مرتبه طواف کردن؛ در اول شب سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از دخول صبح دو طواف، و بعد از ظهر دو طواف.

#### طواف

**مسأله ۱۹۱ :** طواف یعنی هفت مرتبه دور خانه خدا(کعبه) گشتن، به گونه ای که شرحش می آید. و هر دور را به عربی «شوط» می گویند.

**مسأله ۱۹۲ :** طواف باید قبل از سعی انجام شود. و اگر این ترتیب به هر دلیل حتی از روی فراموشی مراعات نشود مجزی نبوده و به احتیاط واجب باید سعی و تقصیر را بعد از طواف و نماز آن اعاده کند.

**مسأله ۱۹۳ :** شخص می تواند قبل از اینکه طواف واجب خود را بجا آورد طواف نیابی انجام دهد و صحیح است.

**مسئله ۱۹۴:** اگر کسی طواف را به هر جهت باطل انجام داده و بدون توجه به بطلان آن و با اعتقاد به صحت اعمال بعد از آن را انجام داده و بعد از تقصیر متوجه شده، باید طواف و نماز آن را اعاده کند، و به احتیاط مستحب سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

**مسئله ۱۹۵:** اگر بعد از طواف شک کند که شرایط صحت طواف را مراعات کرده یا خیر، طواف او صحیح است. و همین طور اگر در اثنای طواف نسبت به دوره‌های انجام شده چنین شکی کند طواف صحیح است.

**مسئله ۱۹۶:** کسی که به خاطر بیماری یا پیری قدرت بر انجام طواف نداشته باشد اگر ممکن است خود او را به یک نحو ببرند و طواف دهند اگر چه به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند.

**مسئله ۱۹۷:** بیمار یا ناتوان را که طواف می دهند باید شرایط صحت طواف را تا جایی که ممکن است مراعات کنند.

**مسئله ۱۹۸:** کسی که مقداری از طواف را می تواند بجا آورد ولی از انجام تمام آن معذور است باید طبق فرض سابق عمل

کند، و در صورت نیابت باید برای کل طواف نایب بگیرد نه بعضی از دورهای آن.

**مسئله ۱۹۹:** در مواردی که حکم به تکمیل و اعاده طواف شده است به احتیاط واجب باید ابتدا طواف سابق تکمیل شود و بعد نماز آن خوانده شود، بعد طواف و نماز آن اعاده شود.

**مسئله ۲۰۰:** در فرض مسئله قبل چنانچه با اعتقاد به صحت و اطمینان به درستی طواف خود اعمال بعد را انجام داده است محکوم به صحت است و از احرام خارج شده است و لازم نیست سعی و تقصیر را اعاده نماید هر چند مستحب است و الا باید سعی و تقصیر را اعاده نماید.

شرایط صحت طواف

درصحت طواف رعایت این موارد لازم است:

۱ - نیت.

۲ - طهارت.

۳ - ستر عورت.

۴ - مختون بودن.



- ۵ - انجام هفت دور متوالی و پی در پی.
- ۶ - شروع طواف از حجرالأسود و ختم به آن.
- ۷ - محدوده طواف.
- ۸ - جهت گردش به دور کعبه.

#### نیت

**مسئله ۲۰۱:** شخص باید قصد طواف معینی را داشته باشد. مثلاً بداند طوافی را که انجام می دهد طواف عمره مفرده یا طواف نساء یا طواف مستحبی است. و لازم نیست نیت را به زبان بیاورد یا حتی به قلب خطور دهد.

**مسئله ۲۰۲:** طواف نیز مانند سایر عبادات باید با قصد قربت انجام شود. یعنی عمل را برای خدا یا برای اطاعت امر خدا یا برای ترس از جهنم و رسیدن به بهشت و ثواب بجا آورد. و اگر ریا کند یعنی برای غیر خدا انجام دهد باطل است.

**مسئله ۲۰۳:** اگر کسی به قصد طواف مقداری از آن را انجام دهد و فکر کند که چون می بایست نیت را به زبان میگفته

وطواف او باطل است طواف را رهاکنند، و بلافاصله با گفتن نیت از نو طواف کنند، طواف او اشکال ندارد.

**مسئله ۲۰۴:** ریا در حین عمل گر چه نسبت به بعضی از اشواط یا خصوصیات باعث بطلان عمل می شود، اما ریا بعد از عمل موجب بطلان آن نمی شود.

**مسئله ۲۰۵:** افرادی که در طواف به دیگران کمک می کنند یا آنها را طواف می دهند، اگر خودشان نیز قصد طواف کنند، طواف هر دو صحیح است. مشروط بر اینکه قصد ارتکازی طواف تا آخر طواف باقی باشد.

**مسئله ۲۰۶:** چون طواف از عبادات است باید نیت و قصد قربت - ولو بصورت ارتکازی - تا آخر عمل باقی باشد، لذا اگر در بین طواف بطور کلی غافل شود، یا اگر سواره او را طواف می دهند خوابش ببرد، طواف او اشکال دارد و حکم آن حکم عارض شدن حدث در بین طواف است، که در مسئله ۲۱۹ خواهد آمد.

### **طهارت**

طهارت شامل موارد ذیل است:

۱ - طهارت از حدث اصغر و اکبر.

۲ - طهارت لباس و بدن.

طهارت از حدث اصغر و اکبر

**مسئله ۲۰۷:** در طواف واجب - حتی در عمره و حج مستحبی

- طهارت از حدث اصغر و اکبر شرط است. طواف بدون

طهارت باطل است، اگر چه از روی جهل یا فراموشی باشد.

**مسئله ۲۰۸:** اگر امید برطرف شدن عذر را دارد نمی تواند با

تیمم طواف کند. بلکه باید صبر کند تا وقت تنگ شود، یا از

رفع عذر مأیوس شود.

**مسئله ۲۰۹:** اگر از انجام غسل یا وضو معذور باشد باید تیمم

کند. و اگر تیمم بدل از غسل کرد و بعد حدث اصغر

عارض شد اگر بتواند باید وضو بگیرد، و الاً بدل از وضو تیمم

کند

**مسئله ۲۱۰:** اگر محدث فراموش کند که غسل برگردن اوست

اگر غسل واجب دیگری قبل از طواف انجام داده باشد کفایت

کرده و عملش صحیح است، و الاً طواف باطل است.

**مسأله ۲۱۱:** اگر در بین طواف شک کند که طهارت داشته یا

خیر، مسأله سه صورت دارد:

اول: حالت سابق خود را بداند که طاهر بوده، در این فرض

جایز است طواف را تمام کند، و برای اتمام آن وضو واجب

نیست، و اعاده طواف نیز لازم نیست. و

در این صورت فرقی نیست که شک بعد از دور چهارم

عارض شده باشد یا قبل از آن.

دوم: حالت سابق خود را بداند که محدث بوده. در این فرض

ظاهراً هر مقدار از طواف را که انجام داده محکوم به بطلان

است، چه شک بعد از دور چهارم

عارض شده باشد یا قبل از آن، و باید بعد از وضو از نو

طواف کند.

سوم: حالت سابق خود را نداند، که در این صورت به احتیاط

واجب پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند، و

پس از آن طواف و نماز آن را اعاده کند. و در این صورت

فرقی نیست که شک بعد از دور چهارم باشد یا قبل از آن

عارض شده باشد.

**مسأله ۲۱۲:** اگر در بین طواف حدث اصغر عارض شود چنانچه بعد از تمام شدن دور چهارم است باید طواف را قطع کند و تحصیل طهارت نماید و از همانجا که طواف را قطع کرده است تمام کند، و اگر پیش از تمام شدن دور چهارم حدث عارض شود احتیاط واجب آن است که پس از تحصیل

#### طهارت

آن طواف را تمام کند و سپس آن را اعاده کند.

**مسأله ۲۱۳:** کسی که سواره او را طواف می دهند باید توجه داشته باشد که در حال طواف خوابش نبرد، و اگر خوابید حکم مسأله قبل را دارد.

**مسأله ۲۱۴:** اگر بعد از طواف یقین کند که در بین طواف محدث شده، ولی نداند دور چندم بوده طواف او باطل است، و باید پس از تحصیل طهارت طواف را اعاده کند.

**مسأله ۲۱۵:** بیماری که پی در پی حدث از او سر می زند اگر بین دو حدث به مقداری وقت دارد که بتواند با بدن و لباس پاک طواف کند باید در آن وقت طواف را انجام دهد، و الا

چنانچه مشقت نداشته باشد برای هر بار که حدث از او سرمی زند خود را تطهیر کند و وضو بگیرد، و برای نماز هم وضو بگیرد، و بنا بر احتیاط واجب نایب هم بگیرد.

**مسئله ۲۱۶:** اگر قبل از طواف شک کند که طاهر است یا خیر، چنانچه قبلاً طاهر بوده محکوم به طهارت است، و لازم نیست وضو بگیرد یا غسل کند. و اگر قبلاً محدث بوده باید بعد از تحصیل طهارت طواف کند.

**مسئله ۲۱۷:** اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که طاهر است یا خیر، طواف او صحیح است. ولی برای اعمال بعد طبق مسئله قبل عمل کند.

**مسئله ۲۱۸:** اگر زن به گمان پاک شدن غسل کرد و طواف انجام داد، و بعد خونی دید که محکوم به حیض بود و معلوم شد که طواف انجام شده در حال حیض صورت گرفته طواف او باطل است.

**مسئله ۲۱۹:** کسی که در حین طواف محدث شود اگر با اطمینان و اعتقاد به صحت به طواف خود ادامه بدهد عمره او صحیح است، ولی باید طواف و نماز طواف و بنا بر احتیاط

مستحب اعمال بعد از آن را اعاده کند، و در مورد کیفیت جبران عمل، طبق مسأله ۲۱۱ عمل کند.

**مسأله ۲۲۰:** در فرض سابق چنانچه با تردید نسبت به صحت عمل یا طواف را ادامه داده، در برخی از موارد به طوری که در مسأله ۲۱۱ گذشت طواف باطل است و باید اعاده شود، و اگر اعاده نکرد عمره او باطل است. و اگر در طواف نساء بوده عمره مطلقاً صحیح است، ولی باید طواف نساء را طبق همان مسأله خودش یا نایش انجام دهد، و تا طواف نساء انجام نشده از همسر اجتناب کند.

**مسأله ۲۲۱:** خونی که محکوم به حیض و نفاس نباشد استحاضه است، و باید طبق احکام استحاضه عمل شود، و برای طواف و نماز طواف هم اعمال مربوط به نمازهای خود را تکرار کند. مثلاً در استحاضه کثیره علاوه بر سه غسل برای نمازهای یومیه، یک غسل برای طواف و نماز آن و برای هر یک، یک وضو بگیرد و همینطور است در استحاضه متوسطه.

**مسأله ۲۲۲:** اگر مستحاضه به وظیفه خود عمل کند و مشغول طواف شود و دو مرتبه خون خارج شود چنانچه خون وی

استمرار داشته و زن مسائل شرعی عدم سرایت خون را رعایت کند وظیفه ای ندارد، ولی اگر خون کاملاً قطع بوده و بعد دو مرتبه خارج شده احکام حدث در حین طواف را دارد که در مسأله ۲۱۹ گذشت.

**مسأله ۲۲۳:** مستحاضه اگر برای نماز یومیه یا طواف طبق وظیفه اش غسل کرده یا وضو گرفته در حالیکه خون وی کاملاً قطع شده، می تواند با همان غسل یا وضو طواف و نماز آن را بجا آورد.

**مسأله ۲۲۴:** اگر خون مستحاضه قطع نمی شود باید بلافاصله بعد از غسل طواف را شروع کند، بنابراین لازم است در نزدیکیهای مسجدالحرام غسل کند بطوری که بلافاصله بعد از غسل مشغول طواف شود.

**مسأله ۲۲۵:** برای مستحاضه یک غسل در طواف و نماز آن کفایت می کند ولی باید برای هر یک، یک وضو بگیرد.

#### **طهارت بدن و لباس**

**مسأله ۲۲۶:** بدن و لباس در طواف باید پاک باشد، احتیاط واجب آن است که حتی نجاساتی که در نماز معفو است در لباس و بدن او نباشد.



**مسئله ۲۲۷:** اگر در اثناء طواف احتمال قوی بدهد لباس یا بدن او نجس شده ولی اعتنا نکند، و بعد از طواف یقین کند که در اثناء طواف بدن و لباس او نجس شده، طوافش صحیح است.

**مسئله ۲۲۸:** اگر فراموش کند که لباس یا بدن او نجس است و طواف کند و بعد از طواف یا در بین طواف به یادش بیفتد که لباس یا بدن او نجس بوده است احتیاط واجب اعاده است.

**مسئله ۲۲۹:** اگر در حین طواف بدن یا لباس شخص نجس شود باید بعد از تطهیر بدن و تطهیر یا تعویض لباس طواف را از همان جا ادامه دهد.

**مسئله ۲۳۰:** اگر بعد از طواف متوجه شد که در حال طواف بدن یا لباس او نجس بوده است طوافش بنابر اظهر صحیح است.

**مسئله ۲۳۱:** تطهیر بدن و تعویض لباس در خون قروح و جروح به احتیاط لازم است، بلی اگر تطهیر خون قروح و جروح برای فرد مشقت داشته باشد وامکان تأخیر انداختن

طواف تا رفع مشقت و تطهیر نباشد، لازم نیست بدن را تطهیر کند.

#### **ستر عورت**

**مسئله ۲۳۲ :** در طواف ستر عورت واجب است، و اگر بدون ستر عورت طواف کند باطل است.

**مسئله ۲۳۳ :** زن در طواف باید بدن خود را از نامحرم بپوشاند، و حتی روی پا تا مچ پا باید پوشیده شود، ولی اگر پوشیده نشود ضرری برای طواف ندارد.

**مسئله ۲۳۴ :** اگر در طواف مقداری از مو یا بدن زن ظاهر باشد طواف صحیح است، هر چند به جهت عدم حفظ از نامحرم گناهکار است.

#### **مختون بودن**

**مسئله ۲۳۵ :** طواف افراد ذکور اگر ختنه نشده باشند باطل است، و احتیاط واجب آن است که در مورد پسران نابالغ نیز مراعات شود.

**مسئله ۲۳۶ :** اگر کودک ختنه شده به دنیا آید، لازم نیست ختنه شود، و طواف او صحیح است.

**انجام هفت دور متوالی و بی در پی**

**مسئله ۲۳۷ :** همان گونه که قبلاً بیان شد طواف مشتمل بر هفت دور است، و اگر عمداً کمتر یا بیشتر شود باطل است.

**مسئله ۲۳۸ :** اگر عمداً از ابتدا قصد کند که کمتر از هفت دور یا بیشتر بجاء آورد طواف او باطل است، اگر چه هفت دور انجام دهد. و احتیاط واجب آن است که از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و غفلت

هم باشد اگر زیادتیر از هفت دور انجام داد طواف را اعاده کند.

**مسئله ۲۳۹ :** قران<sup>۱</sup> در طواف واجب جایز نیست، و در طواف مستحب مکروه است.

---

۱- قران، یعنی دو طواف را بدون فاصله نماز طواف پشت سر هم بجاء آوردن.

**مسئله ۲۴۰:** اگر از ابتدای طواف قصد قران داشته باشد احتیاط در اعاده طواف است. اما اگر بعد از تمام شدن طواف اول قصد قران کند طواف او صحیح است.

**مسئله ۲۴۱:** اگر سهواً کمتر از یک دور به طواف اضافه کرده، آن را رها کند و طوافش صحیح است.

**مسئله ۲۴۲:** به احتیاط واجب در طواف موالات عرفیه باید رعایت شود. یعنی باید هفت دور عرفاً به صورت متوالی و پی در پی انجام شود، به طوری که یک عمل محسوب شود. بنابراین نباید بین شوطها و اجزاء طواف آنقدر فاصله ایجاد شود که عرفاً پی در پی شمرده نشود.

**مسئله ۲۴۳:** برای رفع خستگی در بین طواف جایز است بنشیند یا دراز بکشد، مشروط بر اینکه موالات عرفیه بهم نخورد. و اگر استراحت آن قدر طولانی شد که موالات عرفیه بهم بخورد طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند، سپس احتیاطاً یک طواف دیگر بجا آورد.

**مسئله ۲۴۴:** اگر طواف را قطع کرد می تواند قبل از اینکه موالات عرفیه بهم بخورد طواف را از سر بگیرد.

**مسأله ۲۴۵:** احتیاط مستحب آن است که طواف واجب را قطع نکند. و قطع طواف به این است که قصد قطع طواف را بکند. ولو این که موالات را بهم نزند.

**مسأله ۲۴۶:** اگر سهواً مقداری از طواف را کم کند و قبل از بهم خوردن موالات متوجه شود باید آن را تکمیل کند. و اگر بعد از بهم خوردن موالات متوجه شود باید طبق احکام قطع طواف عمل کند. و اگر اصلاً متوجه نشود تا به وطن برگردد در صورت امکان باید خودش وگرنه نایبش طواف را طبق احکام قطع انجام دهد.

**مسأله ۲۴۷:** احکام قطع طواف به شرح زیر است:

- ۱ - بعد از قطع طواف و قبل از بهم خوردن موالات عرفیه مجدداً قصد انجام طواف کند، در این صورت باید طواف را تکمیل کند.
- ۲ - قبل از تمام شدن چهار دور طواف را قطع کند، و موالات عرفیه بهم بخورد، در این صورت طواف قبلی باطل است، و باید طواف را اعاده کند.

۳- بعد از دور چهارم طواف را قطع کند، در این صورت باید طواف را تکمیل کند چه موالات عرفیه به هم خورده باشد یا نخورده باشد.

**مسئله ۲۴۸:** لازم نیست از همان نقطه که طواف را قطع کرده طواف را تکمیل کند. بلکه اگر از محاذات آن ادامه دهد کفایت می کند و صحیح است. همانطور که می تواند قبل از نقطه ای که قطع شده با نیت این که محل قطع طواف، ابتدای تکمیل طواف او باشد مشغول طواف شود.

**مسئله ۲۴۹:** قطع طواف به جهت شرکت در نماز جماعت یا خواندن نماز در وقت فضیلت آن مانعی ندارد. و اگر وقت نماز تنگ باشد واجب است طواف را قطع کند. و سپس طواف را طبق احکام قطع بجا آورد.

**مسئله ۲۵۰:** اگر از ادامه طواف به دلیلی معذور شد - مثلاً محدث یا بیهوش شد، یا نماز جماعت برقرار شد، یا مأموران حرم مشغول شستشوی مطاف شدند - طبق احکام قطع طواف عمل کند.

**مسأله ۲۵۱:** اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص انجام داده باید سعی را رها کند و طواف را تکمیل کند و پس از نماز آن، سعی را تکمیل کند لیکن احتیاط این است که اگر کمتر از چهار دور به جا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده نماید.

**مسأله ۲۵۲:** کسی که در بین سعی متوجه شود طواف را بیش از هفت دور انجام داده است، بنابر احتیاط سعی را رها کند، سپس طواف و اعمال بعد از آن را اعاده کند.

**مسأله ۲۵۳:** کسی که پیاده طواف می کند باید قدمها را به اختیار خودش بردارد. لذا اگر او را بی اختیار ببرند - یعنی طوری حرکت دهند که قدم برداشتن به اختیار او نباشد - باید برگردد و از همان جا طواف را به اختیار خود ادامه دهد.

**مسأله ۲۵۴:** شک در دورهای طواف موجب بطلان طواف است. بنابراین اگر قبل از رسیدن به حجرالاسود شک کند که دور ششم است یا هفتم، یا دور هفتم است یا هشتم و... طواف او باطل است.

**مسئله ۲۵۵:** ظن و گمان در عدد دورها حکم شک را دارد.

**مسئله ۲۵۶:** کسی که در حال طواف در تعداد دورها شک کند نباید در حال شک طواف را ادامه دهد. بلکه باید فکر کند و اگر به یک طرف شک اطمینان پیدا کرد طبق آن عمل کند، و الا طواف را از ابتدا شروع کند.

**مسئله ۲۵۷:** اگر بعد از انصراف از طواف و داخل شدن در نماز طواف در تعداد دورهای طواف شک کند به شک خود اعتنا نکند و طواف صحیح است، بلکه ظاهراً شک بعد از انصراف و قبل از داخل شدن در نماز هم همین حکم را دارد.

**مسئله ۲۵۸:** اگر بعد از رسیدن به حجرالاسود شک کند که هفت دور زده یا بیشتر، به شک خود اعتنا نکند، و طوافش صحیح است.

**مسئله ۲۵۹:** اگر از گفته دیگری اطمینان پیدا کند که دور چندم طواف او است می تواند طبق اطمینان خود عمل کند، ولی اگر اطمینان پیدا نکرد نمی تواند به گفته او عمل کند.



**مسأله ۲۶۰:** کثیرالشک به شک خود اعتنا نکند، و طبق حکم کثیرالشک در نماز عمل کند، و احتیاط در این است که کسی را بگمارد تا تعداد اشواط را به او بگوید و طبق آن عمل کند.

شروع طواف از حجرالاسود و ختم به آن

**مسأله ۲۶۲:** لازم است طواف را عرفاً از حجرالاسود شروع و به آن ختم کند. و با توجه به اینکه محدوده مقابل حجرالاسود نسبتاً وسیع است، لذا از هر نقطه طواف را شروع کرد صحیح است، مشروط بر اینکه در محاذات همان نقطه طواف را تمام کند. و برای تعیین محاذات از دقتهای اهل وسواس اجتناب کند.

**مسأله ۲۶۳:** لازم نیست که در کنار حجرالاسود نیت طواف کند. بلکه اگر قبل از آن قصدش این باشد که طواف خود را از مقابل حجرالاسود شروع کند کافی است.

**مسأله ۲۶۴:** اگر طواف را قبل از حجرالاسود شروع کند و به همانجا ختم کند طواف باطل است. اگر چه در مصداق اشتباه

کند. مثلاً به گمان اینکه حجرالاسود در رکن یمانی است طواف را از آنجا شروع کند.

#### **محدوده طواف (مطاف)**

**مسئله ۲۶۵:** اقوی این است که در طواف همین قدر که «طواف دور خانه خدا» صدق کند کافی است و مراعات این که طواف بین خانه خدا و مقام ابراهیم علیه السلام که بیست و شش ذراع و نیم است لازم نیست و مستحب است.

**مسئله ۲۶۶:** اگر از روی شاذروان<sup>۲</sup> که جزء کعبه است طواف کند طواف او باطل است، و باید اعاده کند.

**مسئله ۲۶۷:** اگر قسمتی از یک دور را روی شاذروان برود باید برگردد و از همان جا طواف را در محدوده ادامه دهد. اما اگر داخل حجر اسماعیل برود تدارک آن مقدار کفایت نمی کند، بلکه باید آن دور را از نو شروع کند.

---

۲ - پایین اطراف دیوار کعبه برآمدگی شیب داری وجود دارد که آن را شاذروان می نامند

**مسأله ۲۶۸ :** دست گذاشتن به دیوار کعبه و بوسیدن آن و دست گذاشتن روی دیوار حجراسماعیل در حال حرکت هنگام طواف بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و باید آن مقدار را اعاده کند.

**مسأله ۲۶۹ :** اگر ازدحام جمعیت در محدوده طواف به گونه ای است که خانم ها می دانند مردان نامحرم خواه ناخواه به آنها تنه می زنند لازم نیست طواف را در محدوده انجام دهند.

#### **جهت گردش به دور کعبه**

**مسأله ۲۷۰ :** در حال طواف باید کعبه در سمت چپ طواف کننده واقع شود. یعنی به طور متعارف به سمت چپ دور بزند، ولی لازم نیست شانه شخص حقیقتاً به سمت کعبه باشد، لذا اگر در هنگام دور زدن خصوصاً در حجراسماعیل کعبه مقداری به پشت یا جلو متمایل شود، اشکال ندارد.

**مسأله ۲۷۱ :** اگر به هر علتی مقداری از طواف بر خلاف متعارف انجام شد، مثلاً رو به کعبه یا پشت به آن یا عقب عقب طواف کرد، باید آن مقدار را جبران کند.

**مسئله ۲۷۲:** لازم نیست همیشه صورت طواف کننده به طرف جلو باشد، بلکه جایز است به چپ و راست یا پشت سر نگاه کند، بطوری که در حال طواف بدن کاملاً روبه کعبه یا پشت به کعبه نشود.

#### **طواف مستحبی**

**مسئله ۲۷۳:** طواف عملی است مستحب، و ثواب آن برای غیرمقیم از ثواب نماز مستحبی بیشتر است. وسزاوار است زائران هر چه بیشتر طواف کنند. اما سعی کنند مزاحم افرادی که مشغول انجام طواف واجب هستند نشوند.

**مسئله ۲۷۴:** در مدتی که حاجی در مکه هست مستحب است ۳۶۰ طواف بجا آورد. و اگر امکان ندارد ۳۶۴ شوط طواف کند که ۵۲ طواف می شود و اگر نمی تواند هر اندازه که امکان دارد طواف کند.

**مسئله ۲۷۵:** بعد از احرام عمره تا قبل از سعی بنابر احتیاط نباید طواف مستحبی انجام دهد.

**مسئله ۲۷۶:** همانگونه که در احکام طواف واجب ذکر شد طواف یعنی هفت دور، دور کعبه گشتن. بنابراین یک دور یا دو دور مستحب نیست.

**مسئله ۲۷۷:** فرد نمی تواند هر دور از طواف مستحبی را به نیت یک نفر انجام دهد. بلی می تواند مجموع دورها را به نیت چندین نفر انجام دهد.

**مسئله ۲۷۸:** طواف مستحبی به نیت کسی که در مکه حاضر است - اگرچه خودش از انجام طواف معذور باشد - صحیح نیست.

**مسئله ۲۷۹:** در طواف مستحبی طهارت از حدث، محدوده طواف و موالات شرط نیست.

**مسئله ۲۸۰:** شک در دورهای طواف مستحبی موجب بطلان طواف نمی شود، بلکه باید بنا را بر اقل بگذارد و طواف را تمام کند.

**مسئله ۲۸۱:** قطع طواف مستحبی حتی بدون عذر مانعی ندارد.

**مسئله ۲۸۲:** نماز طواف مستحبی را در هر جای مسجدالحرام می توان خواند، بلکه می توان اصلاً نماز طواف مستحبی را ترک کرد.

**مسأله ۲۸۳:** قرآن (یعنی دو طواف را بلافاصله پشت سر هم بجا آوردن) در طواف مستحبی مکروه است. بنابراین خوب است پس از طواف اول نماز آن را بخواند و سپس طواف دوم را بجا آورد. ولی اگر چند طواف مستحب به جا آورد و بعد از آن نمازهای آن را بخواند صحیح است.

#### **مستحبات طواف**

**مسأله ۲۸۴:** در حال طواف، چند چیز مستحب است:

- ۱ - پیاده طواف کند.
- ۲ - قدم ها را کوتاه بردارد.
- ۳ - با آرامش و وقار طواف کند.
- ۴ - در حال طواف مشغول به ذکر و دعا و خواندن قرآن باشد.
- ۵ - کاملاً متوجه به خداوند بوده، و از هر چیزی که ذهن او را مشوّش می کند، بپرهیزد.
- ۶ - نزدیک به کعبه طواف کند.
- ۷ - بهتر است محرم برای طواف، همان جامه احرام را که با آن احرام بسته پیوشد.

۸ - دعاهایی را که از ائمه معصومین (علیهم السلام) وارد شده بخواند، از جمله آنها این دعا است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ، كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جُدُدِ الْأَرْضِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ عَرْشُكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَأَثَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا».

و به جای «کذا و کذا» حاجت خود را بطلبد. و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ، وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي، وَلَا تُبَدِّلْ اسْمِي».

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد؛ بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می رسد. و این دعا را بخواند:

«سَأئِلُكَ فَفِيرُكَ مِسْكِيئِكَ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ  
الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَ هَذَا مَقَامُ  
الْعَائِدِيكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَأَعْتِقْنِي وَ وَالِدِيَّ وَأَهْلِي وَ  
وُلْدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ».

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان سر را بلند  
کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَ أَجِرْنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ، وَ  
عَافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي  
شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْأَنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ  
فَضَاعِفُهُ لِي، وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَليَّ الْعَافِيَةِ، وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ، وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ، وَالْمُنْعِمُ  
بِالْعَافِيَةِ، وَالْمَتَّانُ بِالْعَافِيَةِ، وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَى



جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ، وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ، وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَّمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا، وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا، اللَّهُمَّ اهْدِ لِي خَيْرَ خَلْقِكَ، وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ».

و چون میان رکن یمانی و حجر الاسود برسد بگوید: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». و در شوط هفتم وقتی که به مستجار<sup>۳</sup> رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

۳- مستجار در پشت کعبه، نزدیک رکن یمانی برابر درب خانه کعبه قرار دارد.

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِيكَ مِنْ النَّارِ».

پس به گناهان خود اعتراف کرده، و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد، که إن شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَاعْفِرْ لِي مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ».

پس از آتش دوزخ به خدا پناه ببرد. و آنچه خواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام کند، و به نزد حجرالأسود آمده و طواف خود را تمام کرده، و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَبَارِكْ لِي فِيمَا آتَيْتَنِي».

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط اركان خانه كعبه و حجرالاسود را استلام کند، و در وقت استلام حجر بگوید:

«أَمَاتِنِي أَدِيَّتَهَا، وَمِيثَاقِي تَعَاهُدَتَهُ، لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ».

### نماز طواف

**مسأله ۲۸۵:** بعد از تمام شدن طواف واجب است نماز طواف بخواند.

**مسأله ۲۸۶:** کسی که نماز طواف را عمدتاً ترک کند حکم کسی را دارد که طواف را عمدتاً ترک کرده است.

**مسأله ۲۸۷:** اگر کسی نماز طواف را فراموش کند هر وقت یادش آمد باید آن را پشت مقام ابراهیم بجا آورد. و اگر اعمال بعد را انجام داده لازم نیست آنها را اعاده کند. هر چند احتیاط مستحب در اعاده آنها است.

**مسأله ۲۸۸:** اگر پس از مراجعت از مکه در وطنش یا در مدینه منوره یا شهرهای دیگر یادش آمد که نماز طواف را نخوانده در صورتی که برگشتن به مسجد الحرام مشکل باشد باید هر جا که یادش آمد نماز طواف را بخواند اگر چه در شهر دیگر باشد و برگشتن به حرم لازم نیست.

**مسأله ۲۸۹:** اگر در بین سعی یادش آمد که نماز طواف را نخوانده، باید سعی را رها کند و بعد از خواندن نماز طواف، سعی را از همانجا که رها کرده بود تمام کند.

**مسئله ۲۹۰:** کسی که نمی داند نماز طواف واجب است لذا آن را بجا نیاورده مانند کسی است که نماز طواف را فراموش کرده است، و باید طبق احکام سابق عمل کند.

**مسئله ۲۹۱:** کسی که نماز طواف را باطل بجا آورد، باید نماز را به صورت صحیح اعاده کند و اعمال بعد از اگر با اعتقاد به صحت انجام داده است صحیح است و نیاز به اعاده ندارد.

#### **شرایط صحت نماز طواف**

در صحت نماز طواف رعایت این موارد لازم است:

۱ - نیت.

۲ - کیفیت نماز طواف.

۳ - وقت نماز طواف.

۴ - شرایط نماز طواف.

۵ - محل نماز طواف.

نیت

**مسئله ۲۹۲:** شخص باید قصد نماز طواف معینی را داشته باشد. مثلاً بداند نمازی را که می خواند نماز طواف عمره

مفرده، یا طواف نساء، یا طواف مستحبی است. و لازم نیست نیت را به زبان بیاورد، یا حتی به قلب خطور دهد.

**مسئله ۲۹۳:** باید نماز طواف را به قصد قربت انجام دهد، و ریا موجب بطلان آن می شود.

#### کیفیت نماز طواف

**مسئله ۲۹۴:** نماز طواف مانند نماز صبح دو رکعت است.

**مسئله ۲۹۵:** در این نماز می تواند غیر از سور عزائم<sup>۴</sup> هر سوره ای که خواست بخواند، و بلند خواندن یا آهسته خواندن در آن شرط نیست.

#### وقت نماز طواف

**مسئله ۲۹۶:** احتیاط واجب آن است که بین طواف و نماز آن

نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگری انجام

ندهد و مبادرت به خواندن نماز طواف کند.

---

۴- سور عزائم چهار سوره ای هستند که سجده واجب دارند:

الف - سوره سجده: ۳۲؛ ب - سوره فصلت: ۴۱؛ ج - سوره نجم: ۵۳؛

د - سوره علق: ۹۶

**مسئله ۲۹۷:** بنا بر فرض سابق کسی که هنوز نماز طواف خود را نخوانده نباید بعد از طواف به نیابت از دیگران نماز طواف آنها را بخواند.

**مسئله ۲۹۸:** همانگونه که گذشت نماز طواف باید فوراً بعد از طواف انجام شود. لذا وقت خاصی ندارد. بلی اگر خواندن نماز طواف موجب فوت نماز یومیه شود، باید اول نماز یومیه را بخواند و بعد نماز طواف را بخواند.

**مسئله ۲۹۹:** اگر زن پس از طواف و قبل از خواندن نماز آن حیض شد باید پس از پاکی و غسل نماز را بخواند و اعمال بعد از آن را بجا آورد.

#### **شرایط نماز طواف**

**مسئله ۳۰۰:** نماز طواف احکام نمازهای یومیه را دارد، لذا باید شرایط آن را مثل صحت قرائت، استقرار در هنگام ذکر، پاک بودن بدن و لباس، قرار نداشتن زن در جلوی مرد و... مراعات کند.

**مسئله ۳۰۱:** شخصی که نماز خود را غلط می خواند اگر می تواند قرائتش را تصحیح کند باید طواف را تا ضیق وقت

تأخیر بیندازد. مگر اینکه بقای در احرام موجب عسر و حرج شود.

**مسئله ۳۰۲:** اگر در یاد گرفتن قرائت و اذکار واجب مسامحه کرد تا وقت تنگ شد نماز را به هر نحو که می تواند بخواند و صحیح است، هر چند معصیت کرده است. و احتیاط آن است که طبق مسأله بعد عمل کند.

**مسئله ۳۰۳:** اگر نتواند قرائت و اذکار واجب نماز را یاد بگیرد باید خودش هرگونه که می تواند بجا آورد و کافی است. و اگر ممکن است کسی به او تلقین کند. و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادل اکتفا کند، یا نایب بگیرد. ولی نمی تواند به نماز جماعت یا نایب اکتفا کند.

**مسئله ۳۰۴:** نماز طواف را نمی توان به جماعت یومیه اقتدا کرد. لذا کسی که قرائتش درست نیست و می خواهد طبق مسأله قبل پس از اینکه خودش نمازش را خواند احتیاطاً آن را به جماعت نیز بخواند باید به کسی اقتدا کند که نماز طواف واجب خود را می خواند، و فرقی نمی کند که نماز طواف را به نماز طواف نساء یا بالعکس، یا کسی که نایب است به کسی که نایب نیست یا بالعکس اقتدا کند.

**مسئله ۳۰۵:** کسی که مطمئن است نماز او صحیح است اگر نماز طواف عمره یا طواف نساء خود را بخواند و بعد معلوم شود نماز او اشتباه بوده است، اعمالش صحیح است.

**مسئله ۳۰۶:** کسی که نماز او غلط است می تواند برای خودش عمره مفرده استحبابی بجا آورد، و به همان نماز خود اکتفا کند.

**مسئله ۳۰۷:** لباس نمازگزار و تمام اشیایی که همراه او است حکم نماز یومیه را دارد

**مسئله ۳۰۸:** بنا بر احتیاط واجب باید زن عقب تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای ایستادن مرد کمی عقب تر باشد و اگر زن برابر مرد یا جلوتر بایستد و باهم وارد نماز شوند بهتر آن است که نماز را دوباره بخوانند.

**مسئله ۳۰۹:** شک در رکعات نماز طواف مثل شک در رکعات سایر نمازهای دو رکعتی موجب بطلان نماز می شود. ولی ظن در رکعات نماز حکم شک را ندارد و می تواند طبق آن عمل کند. و در ظن در افعال احتیاط کند.



**مسئله ۳۱۰:** قرائت و اذکار نماز را باید در حال آرامش بدن بگویند. و اگر می‌دانند که نمی‌توانند در حال آرامش بدن اذکار را بگویند می‌توانند به قصد رجاء نماز را شروع کنند، و اگر در حال آرامش نماز را بجا آورد نمازش صحیح است.

**مسئله ۳۱۱:** اگر در حال نماز او را حرکت دهند به طوری که از حالت نمازگزار خارج نشود باید دقت کند که هنگام حرکت ساکت باشد و ذکر نگوید. و اگر در حال حرکت ذکر گفته پس از آرامش بدن آن را اعاده کند، در این صورت نماز او صحیح است.

#### **محل نماز طواف**

**مسئله ۳۱۲:** خواندن نماز طواف در هر نقطه‌ای از مسجد الحرام مجزی است هر چند بهتر است که نسبت به مقام حضرت ابراهیم الاقرب فالاقرب (هرچه نزدیک تر باشد بهتر است) را مراعات کند.

مستحبات نماز طواف

**مسئله ۳۱۳:** در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را

بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، و از خداوند عالم طلب قبول نماید و این که این حج را آخرین حج او قرار ندهد و بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا، حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ رَبِّي وَ يَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَقَبَّلْ مِنِّي، وَ طَهِّرْ قَلْبِي، وَ زَكِّ عَمَلِي».

و در روایت دیگر است:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَوَاعِيَّتِي إِيَّاكَ، وَ طَوَاعِيَّتِي رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أُنْعِدِّي حُدُودَكَ، وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ وَ مَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».

و در بعضی روایات است که حضرت صادق (علیه السلام) بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت:

«سَجَدَ وَجْهِي لَكَ تَعْبُدًا وَ رِقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، نَاصِيَّتِي بِيَدِكَ، فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَ لَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

### سعی

**مسئله ۳۱۴:** بعد از طواف و نماز طواف واجب است هفت مرتبه از کوه صفا به مروه برود و بازگردد، که به آن «سعی» می گویند.

**مسئله ۳۱۵:** سعی رکن است و ترک آن حکم ترک طواف را دارد.

**مسئله ۳۱۶:** کسی که از روی جهل سعی را ترک کند چه جهل نسبت به حکم باشد یا موضوع، اگر زمان تدارک آن گذشته باشد، عمره او باطل است.

**مسئله ۳۱۷:** اگر سعی را فراموش کرد و تقصیر کرد، هر وقت متذکر شد سعی را انجام دهد، و بنابر احتیاط مستحب تقصیر و طواف نساء و نماز آن را بعد از سعی اعاده کند.

**مسئله ۳۱۸:** اگر خودش نتواند سعی کند، و کسی هم نباشد که او را با چرخ سعی دهد، و به جهت گرانی هم نتواند چرخ بگیرد، یا تهیه آن برایش مشقت داشته باشد، می تواند استنابه کند.

**مسأله ۳۱۹:** طهارت از حدث و خبث در سعی معتبر نیست. هر چند احتیاط این است که محدث نباشد. و همچنین ستر عورت در سعی با عدم وجود ناظر محترم شرط نیست.

**مسأله ۳۲۰:** اگر زن در حال سعی حجاب خود را رعایت نکند یا مرد به زن نگاه کند، هر چند گناه کرده اند ولی سعی آنها اشکال ندارد.

**مسأله ۳۲۱:** چون طهارت در سعی معتبر نیست و محل سعی مسجد نیست؛ لذا زنی که به جهت عادت ماهانه برای طواف و نماز آن نایب می گیرد نمی تواند برای سعی نیز نایب بگیرد، بلکه پس از انجام آن توسط نایب، سعی را باید خودش بجا آورد.

**مسأله ۳۲۲:** سعی را می تواند سواره یا پیاده، یا با ویلچر و چرخه که خود او آن را حرکت بدهد انجام دهد. هر چند راه رفتن به صورت متعارف افضل است. بلی در قسمتی از محل سعی که ابتدا و انتهای آن با چراغ سبز مشخص شده، مستحب است مردان با شتاب حرکت کنند، که آن را «هروله» گویند.

**مسأله ۳۲۳:** شخص می تواند هنگام سعی خویش، بیمار یا سالمندی را نیز با چرخ سعی دهد.

**مسأله ۳۲۴:** سعی مستحبی مشروع نیست، چه یک شوط باشد یا هفت شوط.

**شرایط صحت سعی**

درصحت سعی رعایت این موارد لازم است:

۱ - نیت.

۲ - محل شروع و پایان و مسیر سعی.

۳ - توجه به صفا و مروه در حال سعی.

۴ - وقت انجام سعی.

۵ - انجام هفت شوط متوالی و پی در پی.

**نیت**

**مسأله ۳۲۵:** شخص باید بداند این سعی را که می خواهد انجام دهد سعی عمره مفرده است، و لازم نیست آن را به زبان بیاورد یا حتی به قلب خطوط دهد.

**مسئله ۳۲۶:** سعی نیز مانند سایر عبادات باید با قصد قربت و برای اطاعت از خدای متعال انجام شود، و ریا آن را باطل می کند.

**مسئله ۳۲۷:** اگر از روی ریا سعی خود را باطل کند حکم ترک عمدی سعی را دارد.

**مسئله ۳۲۸:** چون سعی از عبادات است و صحت آن منوط به این است که نیت و قصد قربت - ولو بصورت ارتکازی - تا آخر عمل باقی باشد، لذا اگر در بین سعی بطور کلی غافل شود، یا اگر به وسیله چرخ او را سعی می دهند در حال سعی خوابش ببرد، سعی او اشکال دارد.

**مسئله ۳۲۹:** در فرض سابق اگر قبل از شوط چهارم به خواب رفت به احتیاط واجب سعی را از اول اعاده

کند، و اگر بعد از شوط چهارم به خواب رفت پس از بیدار شدن و توجه و التفات باید از آنجا که به خواب رفته سعی را ادامه دهد.

### محل شروع و پایان و مسیر سعی

**مسئله ۳۳۰:** واجب است سعی را از کوه صفا شروع کرده و به کوه مروه ختم کند. و اگر از مروه شروع کند هر وقت متوجه شد - چه در بین سعی یا بعد از تمام شدن آن - باید سعی را از اول شروع کند.

**مسئله ۳۳۱:** احتیاط آن است که ابتدا کند از جزء اول صفا و از آنجا شروع به سعی کند و در صورتی که روی کوه برود و همانطور بنحو متعارف سعی کند کفایت می کند.

**مسئله ۳۳۲:** واجب است از راه متعارف برود و برگردد، بنابراین رفتن به اطراف مسجدالحرام یا رفتن به خیابان در حین سعی که انحراف زیاد پیدا شود، اشکال دارد.

**مسئله ۳۳۳:** اگر بین صفا و مروه را دو طبقه یا چند طبقه کنند و تمام طبقات بین دو کوه باشد از هر طبقه جایز است سعی کند. گرچه احوط سعی در همان راهی است که از اول متعارف بوده و اگر طبقه زیرزمینی درست شد و کوه صفا و مروه ریشه دار بود و سعی بین آندو واقع شد صحیح است علی الظاهر و احوط سعی از طبقه روی زمینی است.

### توجه به صفا و مروه در حال سعی

**مسأله ۳۳۴:** واجب است هنگام رفتن به مروه رو به مروه، و هنگام رفتن به صفا رو به صفا باشد. یعنی مستقیم و به صورت متعارف برود. لذا اگر عقب عقب برود یا به پهلو برود باطل است. ولی نگاه کردن به اطراف و حتی پشت سر مانعی ندارد.

**مسأله ۳۳۵:** اگر در بین سعی مقداری را عقب عقب یا به پهلو برود باید آن مقدار را به صورت صحیح دو مرتبه اعاده کند. و اگر محل تدارک آن گذشته، سعی او اشکال دارد، و احتیاط در اتمام و اعاده است.

### وقت انجام سعی

**مسأله ۳۳۶:** همانگونه که گذشت واجب است سعیرا بعد از طواف و نماز طواف بجا آورد، و اگر عمداً پیش از آن بجا آورد باید بعد از طواف و نماز آن، سعی را اعاده کند. حتی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله هم مقدم کند اقوی آن است که آن را اعاده کند



**مسأله ۳۳۷:** اگر در بین سعی یادش آمد که نماز طواف را نخوانده باید سعی را رها کند و بعد از خواندن نماز طواف سعی را طبق احکام قطع سعی بجا آورد.

**مسأله ۳۳۸:** زنی که به جهت عادت ماهانه نمی تواند طواف کند، و برای طواف و نماز طواف نایب می گیرد، سعی را باید خودش انجام دهد، ولی باید مراعات ترتیب بین طواف و سعی را بکند. یعنی بعد از اینکه نایب طواف کرد و نماز آن را خواند، سعی را انجام دهد.

**مسأله ۳۳۹:** تأخیر سعی از طواف و نماز طواف حتی بدون عذر تا شب جایز است. هر چند احتیاط در عدم تأخیر است. و تأخیر آن تا روز بعد جایز نیست.

**مسأله ۳۴۰:** کسی که بعد از ظهر طواف و نماز را بجا می آورد و سعی را شب انجام می دهد اگر بدون تأخیر عرفی سعی در شب واقع شود مانع ندارد و احتیاط آن است تا شب تأخیر نیندازد اگر چه اقوی کفایت است.

**مسأله ۳۴۱:** اگر سعی را تا روز بعد تأخیر انداخت، لازم نیست طواف و نماز طواف را اعاده کند.

### انجام هفت شوط متوالی و پی در پی

**مسأله ۳۴۲:** همانگونه که گذشت سعی مشتمل بر هفت شوط است. که رفتن از کوه صفا به کوه مروه یک شوط، و بازگشتن از مروه به صفا شوط دیگر محسوب می شود. بنابراین چهار شوط از صفا به مروه و سه شوط از مروه به صفا مجموع هفت شوط سعی را تشکیل می دهد.

**مسأله ۳۴۳:** در سعی موالات معتبر نیست مگر شوط اول تمام نشده باشد که در صورت فوات موالات احتیاطاً از سر بگیرد

**مسأله ۳۴۴:** آب خوردن در اثنای سعی اشکال ندارد. ولی باید مراقب باشد سعی را از نقطه ای که قطع کرده از همان نقطه یا محاذات آن ادامه دهد. ولی اگر بدون قطع سعی و با نیت سعی به طرف محل آبخوری برود و پس از آب خوردن سعی را ادامه دهد مانعی ندارد. البته مشروط بر اینکه از مسیر معمولی دور نشود.

**مسأله ۳۴۵:** اگر هنگام سعی نماز جماعت برپا شد چنانچه بعد از شوط چهارم بوده پس از نماز آن را تکمیل کند

**مسئله ۳۴۶:** اگر در بین سعی یادش آمد که نماز طواف را نخوانده، باید سعی را رها کند، و بعد از خواندن نماز طواف، سعی را طبق احکام قطع سعی بجا آورد.

**مسئله ۳۴۷:** اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص انجام داده باید سعی را رها کند و طواف را تکمیل کند و پس از نماز آن، سعی را تکمیل کند، و اگر طواف اول را کمتر از سه دور ونیم بجا آورده، پس از تکمیل طواف به احتیاط مستحب طواف را اعاده کند.

**مسئله ۳۴۸:** کسی که در بین سعی متوجه شود طواف را بیش از هفت دور انجام داده است می تواند به این نحو احتیاط کند که سعی را تمام نماید و بعد از فوت موالات عرفیه بین شوط زاید طواف و مقدار باقی مانده تا چهارده شوط، و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید

**مسئله ۳۴۹:** کسی که می دانسته باید هفت شوط سعی کند منتهی فکر می کرده هر رفت و برگشت یک شوط است، لذا ۱۴ شوط بجا آورده، اقوی این است که همین سعی کافی است، هر چند احتیاط در اعاده آن است.

**مسئله ۳۵۰:** اگر از روی جهل بیش از هفت شوط بجا آورد، اشکال دارد و احتیاطاً باید اعاده کند.

**مسئله ۳۵۱:** همانطور که گذشت سعی عبارت از هفت شوط است، و کسی که آن را عمداً زیاد کند موجب بطلان سعی می شود.

**مسئله ۳۵۲:** اگر از روی فراموشی هفت شوط بیشتر بجا آورد، سعی او صحیح است، و بهتر است زائد را رها کند، هر چند بعید نیست بتواند آن را به هفت دور برساند.

**مسئله ۳۵۳:** اگر به جهت جهل به مسائل مربوطه مقداری به سعی اضافه کند، مثلاً به جهت اینکه فکر می کرده وضو لازم است مقداری از سعی را بعد از وضو گرفتن اعاده کند یا به جهت هروله کردن مقداری برگشته و دومرتبه انجام دهد، یا به جهت اینکه فکر می کرده اشکالی در نیت داشته مقداری اضافه انجام دهد، اشکال دارد و احتیاطاً باید اعاده کند.

**مسئله ۳۵۴:** اگر در مروه شک کند که شوط هفتم است یا نهم، به شک خود اعتنا نکند و صحیح است. اما اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند سعی او باطل است. و همینطور اگر شک کند که دور هفتم است یا کمتر.

**مسئله ۳۵۵:** اگر بعد از تقصیر در عدد اشواط سعی شک کند به آن اعتنا نکند، چه شک در نقیصه کند و چه در زیاده. و

همینطور است اگر بعد از فراغ از سعی و قبل از تقصیر شک در زیاده کند. اما اگر شک در نقیصه کند احتیاط آن است آنچه را احتمال نقص می دهد تکمیل کند.

**مسأله ۳۵۶:** اگر در بین اشواط شک کرد نمی تواند در حال تردید به سعی خود ادامه دهد، بلکه باید صبر کند و فکر کند، اگر بعد از تأمل مطمئن شد چند مرتبه سعی کرده، بقیه را بجا آورد، و الا سعی او باطل است، و باید از اوّل شروع کند.

**مسأله ۳۵۷:** سعی نیز مانند طواف با نیت قطع، قطع می شود.

#### **مستحبات سعی**

**مسأله ۳۵۸:** هنگام سعی، چند چیز مستحب است:

۱ - طهارت از حدث اکبر و حدث اصغر، بلی حائض می تواند سعی کند، اگر چه مستحب است در صورت امکان صبر کند تا آنکه بتواند سعی را با طهارت بجا آورد، وگرنه در همان حال حیض باید سعی کند.

۲ - انجام سعی پس از نماز طواف، ولی اگر خسته است می تواند قدری استراحت کند.

۳ - استلام و بوسیدن حجرالاسود در صورت امکان به هنگام رفتن به طرف صفا، و در صورت عدم امکان با دست به حجر اشاره کند.

۴ - آمدن به چاه زمزم در صورت امکان، و نوشیدن آب زمزم، و بر سر و پشت خود ریختن، و در حالی که رو به کعبه است بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ  
سُقْمٍ».

۵ - پس از نوشیدن آب زمزم به هنگام رفتن به صفا نیز حجر را استلام کند.

۶ - خارج شدن به طرف صفا از دری که مقابل حجرالاسود است، و آن دری است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) از آن خارج می شدند.

۷ - رفتن به طرف صفا با آرامش و وقار.

۸ - طوری بالای صفا برود که در صورت امکان بتواند بیت الله را ببیند، زیرا دیدن کعبه نیز مستحب است.

۹ - پس از بالا رفتن از کوه صفا رو به رکن حجرالاسود کند.

۱۰ - خداوند متعال را حمد و ثنا کند، و نعمتها و عذاب الهی را به یاد آورد، و احسان خداوند را در حق خود، متذکر شود،

و هفت بار بگوید: «الله أكبر» و هفت بار بگوید: «الحمد لله» و

هفت بار بگوید: «لا اله الا الله» و سپس سه بار بگوید:

«لا إلهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ،

يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ». و پس از آن بر پیامبر و خاندانش درود فرستاده، و سه

بار بگوید: «اللهُ أَكْبَرُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى ما هَدانا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى

ما أبلانا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ».

و بعد سه بار بگوید:

«أشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلاَّ اللهُ، وَأشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،

لَا نَعْبُدُ إِلاَّ إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

و نیز سه بار بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

و بعد سه بار بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ

النَّارِ».

و بعد صد مرتبه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد مرتبه بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و صد مرتبه بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و صد مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ» و بعد بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ غَلَبَ الْأَخْرَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

۱۱ - مستحب است هنگامی که بر کوه صفا توقف می کند، مکرراً خود و خانواده خود و دینش را به خداوند متعال بسپارد، و بگوید:

«أَسْتَوِدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ دِيْنِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ ، وَاعْزِنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».



و بعد سه مرتبه بگوید: «الله اکبر» و دعای سابق را دوباره بخواند، و باز بگوید: «الله اکبر» و در حد امکان دعا را تکرار کند.

۱۲ - رو به کعبه کرده و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْبَيْتَهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدُّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي، وَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي، وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَلَمْ تَظْلَمْنِي، أَصَبَحْتُ أَتَقِي عَذْلَكَ وَلَا أَخَافُ جَوْرَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي».

و سپس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلَهُ، وَلَا يَنْقُدُ نَائِلَهُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِزَّنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

۱۳ - بر کوه صفا زمان زیادی را توقّف کند، که در روایت است موجب زیادی ثروت می شود.

۱۴ - چون مقداری از کوه صفا پایین آمد بایستد، و توجه به کعبه کرده، و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ فِتْنَتِهِ وَ غُرْبَتِهِ وَ وَحْشَتِهِ وَ ظَلَمَتِهِ وَ ضَيْقِهِ وَ ضَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

۱۵ - پس از آنکه مقدار دیگری پایین آمد، کتف خود را برهنه کرده، بگوید: «يا رَبِّ الْعَفْوِ، يا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ، يا جَوادُ يا كَرِيمُ يا قَرِيبُ يا بَعِيدُ، أُرْزُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

۱۶ - پیاده سعی کند.

۱۷ - با آرامش و وقار سعی کند.

۱۸ - در مقداری از سعی که بین چراغهای سبز قرار گرفته هروله کند (یعنی مقداری تندتر حرکت کند، که نه دویدن

باشد و نه راه رفتن معمولی)، و به هنگام بازگشت از مروه نیز هروله را تکرار کند، و برای زنان هروله مستحب نیست.

۱۹ - وقتی به اولین چراغ سبز رسید بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، وَ اهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَ تَقَبَّلْ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَ بِكَ حَوْلِي وَ قُوَّتِي، تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي، يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ».

۲۰ - چون از محل هروله گذشت بگوید: «يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَ التَّنْعَمِ وَ الْجُودِ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

۲۱ - چون به مروه رسید از کوه بالا رود، و آنچه از ادعیه درکوه صفا گفتیم بر کوه مروه به ترتیب بخواند، و سپس بگوید: «يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُجْزِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ دَلَّ عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ زَيْنَ الْعَفْوِ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ

يُحِبُّ الْعَفْوَ، يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ، يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ».

۲۲- بر گریه از خوف خداوند کوشش کند، و خود را به گریه وادارد، و فراوان دعا کند، و این دعا را نیز بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَصِدْقَ النَّبِيِّ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».

### حلق یا تقصیر<sup>۵</sup>

**مسأله ۳۵۹:** بعد از سعی واجب است حلق یا تقصیر کند.

**مسأله ۳۶۰:** محرم قبل از اینکه حلق یا تقصیر خود را انجام دهد نمی تواند سر دیگری را به عنوان حلق بتراشد یا موی دیگری را به عنوان تقصیر کوتاه کند. ولی گرفتن ناخن دیگری به قصد تقصیر مانعی ندارد و صحیح است.

**مسأله ۳۶۱:** بانوانی که برای تقصیر موی خود را کوتاه می کنند لازم است خود را از نامحرم بپوشانند. ولی اگر موهای آنها ظاهر شود، ضرری به تقصیر آنها نمی زند.

**مسأله ۳۶۲:** حلق یا تقصیر در عمره محل خاصی ندارد. لذا می تواند کنار مروه یا در منزل، یا اگر فراموش کرد حتی در شهر خود حلق یا تقصیر کند.

**مسأله ۳۶۳:** همانگونه که شیعه می تواند برای شیعه حلق یا تقصیر کند سنی نیز می تواند برای شیعه حلق یا تقصیر کند.

**مسأله ۳۶۴:** اگر بعد از حلق یا تقصیر شک کند که آن را صحیح انجام داده یا خیر، به شک خود اعتنا نکند.

---

۵ - حلق یعنی تراشیدن سر و تقصیر یعنی کوتاه کردن

**مسأله ۳۶۵:** بعد از حلق یا تقصیر تمام محرمات احرام بر محرم حلال می شود، به جز زن و شوهر که پس از طواف نساء و نماز آن به یکدیگر حلال می شوند.

**مسأله ۳۶۶:** اگر بعد از حلق یا تقصیر و انجام برخی از محرمات احرام متوجه شود که حلق یا تقصیر او باطل بوده، كفاره ندارد مگر در مورد صید.

#### **شرایط صحت حلق یا تقصیر**

درصحت تقصیر رعایت این موارد لازم است:

۱ - نیت.

۲ - کیفیت حلق یا تقصیر.

۳ - وقت حلق یا تقصیر.

#### **نیت**

**مسأله ۳۶۷:** حلق یا تقصیر از عبادات است و باید با قصد قربت و برای اطاعت از خدای سبحان انجام شود. و ریا آن را باطل می کند.

**مسأله ۳۶۸:** اگر از روی ریا حلق یا تقصیر خود را باطل کند حکم ترک عمدی تقصیر را دارد.

#### **کیفیت حلق یا تقصیر**

**مسأله ۳۶۹:** تراشیدن سر به عنوان حلق کفایت می کند، اما تراشیدن ریش یا کوتاه کردن موی زیر بغل یا کندن مو کفایت نمی کند.

**مسأله ۳۷۰:** کسی که سر می تراشد به احتیاط واجب باید تمام سر را بتراشد، و تراشیدن قسمتی از سر کفایت نمی کند.

**مسأله ۳۷۱:** در تقصیر باید مقداری از موی سر یا صورت را کوتاه کند، یا ناخن بگیرد. هر چند بهتر است فقط به ناخن گرفتن اکتفا نکند.

**مسأله ۳۷۲:** اگر به قصد تقصیر یک مو یا چند مو از بدن خود کند، هر چند از جهت کندن مو گناه نکرده ولی از احرام خارج نشده است.

#### **وقت حلق یا تقصیر**

**مسأله ۳۷۳:** حلق یا تقصیر باید بعد از سعی انجام شود، و اگر جهلاً یا سهواً قبل از سعی حلق یا تقصیر کند بهتر است پس از سعی، حلق یا تقصیر را اعاده کند و كفاره ندارد.

**مسأله ۳۷۴:** اگر به هر جهت حلق یا تقصیر نکرد و طواف نساء را انجام داد باید حلق یا تقصیر کند، و طواف نساء و نماز آن را اعاده نماید.





### طواف نساء

**مسأله ۳۷۵:** بعد از حلق یا تقصیر، واجب است طواف نساء انجام شود، که از لحاظ احکام و شرایط همانند طواف عمره می باشد، بجز نیت که باید با قصد طواف نساء انجام شود.

**مسأله ۳۷۶:** لازم نیست طواف نساء را بعد از حلق یا تقصیر فوراً بجا آورد، و تأخیر آن مانعی ندارد. ولی تا آن را بجا نیاورده باید زن و شوهر از یکدیگر اجتناب کنند.

**مسأله ۳۷۷:** طواف نساء اختصاص به مردان ندارد، بلکه بر زنان، کودکان و افراد خثی نیز واجب است. و همچنین بر پیرمردان و پیرزنانی که قادر به عمل زناشویی نیستند، و ازدواج هم نمی کنند واجب است طواف نساء بجا آورند.

**مسأله ۳۷۸:** زنان و کودکان نیز باید نیت طواف نساء کنند و زنان تا طواف نساء نکرده اند مرد بر آنان حلال نمی شود، و

کودکان اگر طواف نساء نکنند بعد از بلوغ نمی توانند ازدواج کنند.

**مسئله ۳۷۹:** مجنون را اگر محرم کرده اند باید او را طواف نساء بدهند، والا بعد از خوب شدن همسر بر او حلال نمی شود.

**مسئله ۳۸۰:** اگر طواف نساء یا نماز آن را سهواً یا عمداً بجا نیاورد باید خودش بجا آورد و اگر به وطن بازگشته و امکان انجام آن توسط خودش نیست یا برای او مشقت دارد نایب بگیرد. و در صورت فوت وی ولی او نیابتاً انجام دهد یا استتبابه کند.

**مسئله ۳۸۱:** اگر بعد از مراجعت شک کند که آیا طواف نساء را انجام داده یا خیر، بایستی خودش یا در صورت عدم امکان نایبش انجام دهد. مخصوصاً اگر توجهی به وجوب طواف نساء نداشته است.

**مسئله ۳۸۲:** نایب باید طواف نساء را به نیت منوب عنه بجا آورد، و اگر بجا نیاورد ذمه نایب مشغول است، و علاوه بر

اینکه همسر بر او حلال نمی شود باید خودش یا نایش تدارک کند.

**مسئله ۳۸۳:** کسی که چندین عمره مفرده بجا می آورد، باید برای هر بار یک طواف نساء بجا آورد.

#### **نماز طواف نساء**

**مسئله ۳۸۴:** بعد از طواف نساء نماز طواف نساء واجب است. و احکامی که در نماز طواف عمره معتبر است در این نماز هم معتبر است، بجز نیت. یعنی این نماز را به قصد نماز طواف نساء بخواند.

**مسئله ۳۸۵:** بعد از نماز طواف نساء زن و مرد بر یکدیگر حلال می شوند، و چیزی از محرمات احرام باقی نمی ماند، بلی همانطور که گذشت هیچ کس در حرم نمی تواند شکار کند یا درختان حرم را بکند.

**مسئله ۳۸۶:** اگر از روی فراموشی طواف عمره یا نساء را بجا نیاورد و بعد متوجه شود و دوباره فراموش کند و با همسر نزدیکی کند باید یک قربانی بدهد. و احتیاط مستحب آن

است که یک شتر باشد. و اگر بطور کلی فراموش کند و یادش نیاید کفاره ندارد.

**مسأله ۳۸۷:** در فرض سابق اگر می تواند باید خودش برگردد و طواف و نماز آن را بجا آورد، و اعمال بعد از آنرا هم اعاده کند. و اگر نمی تواند برگردد یا مشقت دارد نایب بگیرد.

### طواف وداع

کسی که می خواهد از مکه برود مستحب است طواف وداع نماید و دو رکعت نماز طواف بخواند و در حال خارج شدن از مسجد الحرام بگوید:

«أَتَّبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ إِلَى رَبِّنَا مُتَّقِلُونَ  
رَاغِبُونَ إِلَى رَبِّنَا راجِعُونَ أَنْ شَاءَ اللَّهُ».

و هنگام خروج از مسجد الحرام سجده طولانی بکند و از خدا بخواهد که توفیق بازگشت به مکه معظمه به او بدهد.

### مصدود و محصور

**مسأله ۳۸۸:** کسی که محرم شد، واجب است اعمال عمره را تمام کند، و اگر مصدود یا محصور شد احکام خاصی دارد که در این قسمت بیان می شود.

**مسأله ۳۸۹:** به کسی که برای عمره محرم شود و سپس از انجام اعمال وی جلوگیری شود «مصدود» می گویند. و اگر در اثر بیماری قادر به انجام اعمال نشود وی را «محصور» می گویند.

**مسئله ۳۹۰:** اگر بعد از احرام توسط مأمورین یا دشمن از ورود وی به مکه جلوگیری شود، می تواند در همان محل یک شتر یا گاو یا گوسفند قربانی کند و از احرام خارج شود. و احتیاط واجب آن است که به نیت تحلیل قربانی کند. و به احتیاط واجب حلق یا تقصیر هم بکند.

**مسئله ۳۹۱:** کسی که مصدود می شود حتی با امید به برطرف شدن مانع می تواند طبق احکام مصدود عمل کند، و از احرام خارج شود.

**مسئله ۳۹۲:** کسی که احرام عمره بست و بواسطه مرضی نتوانست به مکه برود اگر بخواهد محل شود باید هدی کند و به احتیاط واجب هدی یا پول آن را به وسیله امینی به مکه بفرستد و با او قرارداد کند که در چه روز و چه ساعتی آن را در مکه ذبح کند و وقتی که روز و ساعت موعود رسید تقصیر کند پس از آن هرچه بر او حرام شده بود حلال می شود مگر زن و احتیاط آن است که در ذبح قصد تحلیل منوب عنه کند.

### احکام کفارات

**مسأله ۳۹۳:** احتیاط این است که کفاره محرّمات احرام عمره در مکه ذبح شود. ولی در شرایط فعلی که گوشت آن مصرف فقرای مؤمن نمی شود ، جایز بلکه مطابق احتیاط است که آن را در وطن ذبح کنند، و به مصرف فقرای مؤمن برسانند.

**مسأله ۳۹۴:** حیوانی که به عنوان کفاره ذبح می شود لازم نیست دارای شرایط حیوان قربانی باشد.

**مسأله ۳۹۵:** مصرف کفارات فقرا و مساکین هستند. و خود کفاره دهنده نمی تواند از آن بخورد.

**مسأله ۳۹۶:** کفاره را باید به مؤمن غیرسید بدهند، بلی اگر کفاره دهنده سیدباشدمی تواند کفاره را به سید فقیر بدهد.

**مسأله ۳۹۷:** فرزندان و کسانی که نفقه آنها بر کفاره دهنده واجب است هر چند خود آنها و کفاره دهنده فقیر باشند نمی توانند از گوشت کفاره مصرف کنند.

**مسأله ۳۹۸:** پوست و کله و پاچه حیوانی که به عنوان کفاره ذبح می شود نیز باید به مصرف فقرا برسد. لذا نمی توان آنها

را به عنوان اجرت به ذابح داد، بلی اگر ذابح فقیر باشد می توان به عنوان مصرف به او داد.

**مسئله ۳۹۹:** جایز نیست حیوان زنده را به عنوان کفاره به فقیر بدهند. بلکه باید ذبح کنند و آن را به صورت خام بین فقرا تقسیم کنند، یا بپزند و آنها را اطعام کنند.

**مسئله ۴۰۰:** پرداختن پول کفاره به فقرا یا خریدن گوشت به مقدار کفاره و توزیع آن بین فقرا کفایت نمی کند، بلکه باید کفاره ذبح و بین فقرا تقسیم شود.

#### متفرقات

**مسئله ۴۰۱:** بر مؤمنین مستحب است در نماز جماعت اهل سنت شرکت کنند، و فضیلت نماز جماعت در مسجدالحرام و مسجدالنبی را از دست ندهند. و جایز نیست هنگام نماز جماعت از مسجد خارج شوند، یا مشغول کار دیگری شوند.

**مسئله ۴۰۲:** اگر در نماز جماعت به صورتی شرکت کند که حتی شرایطی را که اهل سنت لازم می دانند رعایت نشود باید نماز خود را اعاده کند.

**مسئله ۴۰۳:** در مسجدالحرام که نماز جماعت به صورت استداره ای برگزار می شود مؤمنین باید جایی بایستند که عرفاً



پشت سر امام قرار گیرند و با حفظ نسبت در تمام دایره صحیح است .

**مسئله ۴۰۴ :** چون در طبقه بالای مسجدالحرام و پشت بام مسجدالنبی اتصال برای نماز جماعت برقرار نیست، لذا هنگام نماز اختیاریاً به آنجا نروند. ولی اگر چنانچه هنگام اقامه جماعت اتفاقاً آنجا بودند همانجا اقتدا کنند، و نماز صحیح است.

**مسئله ۴۰۵ :** اقامه جماعت در هتلها و منازل اگر خلاف تقیه مداراتی باشد، جایز نیست.

**مسئله ۴۰۶ :** سجده برانواع سنگها که درمسجدالحرام ومسجدالنبی به کار رفته است، جایز است.

**مسئله ۴۰۷ :** سجده کردن روی فرشهای مسجدالنبی مانعی ندارد، ولی اگر مخالف تقیه نباشد و موجب هتک و انگشت نما بدن نشود، باید به جایی برود که بتواند به جایی که سجده بر او صحیح است سجده کند.

**مسئله ۴۰۸ :** شخصی که برای خواندن نماز وارد مسجد شود و ببیند جماعت اهل سنت تمام شده ولی هنوز صفها به هم

نخورده است، مستحب است برای نمازش اذان و اقامه بگوید و همچنین است، اگر بعد از خواندن جماعت با آنها بنخواهد نماز را احتیاطاً اعاده کند.

**مسئله ۴۰۹:** اگر امر دائر شود بین خواندن نماز فرادی در مسجدالحرام بدون شرایط صحت، و نماز فرادی در منزل و هتل با کلیه شرایط صحت، چنانچه تقیه اقتضا نکند باید در منزل و هتل با تمام شرایط نماز بخواند.

**مسئله ۴۱۰:** سجده بر حصیرهایی که فعلاً در بازار وجود دارد هرچند با نخ دوخته شده، صحیح است.

**مسئله ۴۱۱:** سجده کردن بر مهر، حصیر، باد بزن، کاغذ و امثال آن در مسجد مکه و مدینه چنانچه موجب انگشت نما شدن و سبب وهن و اتهام به شیعیان شود جایز نیست.

**مسئله ۴۱۲:** در داخل حجر اسماعیل خواندن نماز واجب یا مستحب اشکال ندارد، چون حجر داخل بیت نمی باشد.

**مسئله ۴۱۳:** اطراف مکه و محله های جدید الاحداث آن اگر عرفاً جزء مکه محسوب شود، قصد اقامه در آنها صحیح است، و رفت و آمد از آنجا به مسجدالحرام مضر به قصد

اقامت نیست، اما اگر خارج از حدود مکه منزل کنند که عرفاً آنجا جزء محله های مکه محسوب نشود بلکه دو محل باشد، در این صورت قصد اقامت در دو محل محقق نمی شود، و نماز در آنجا از جهت تخییر بین قصر و اتمام حکم مکه را ندارد.

**مسئله ۴۱۴:** مسافری که در مکه و مدینه مخیر بین قصر و اتمام است، اگر تمام را اختیار کند در این صورت نیز نوافل نهاریه ساقط است.

**مسئله ۴۱۵:** استفاده از قرص یا تزریق آمپول برای جلوگیری از عادت ماهانه هنگام اعمال، چنانچه برای بانوان ضرر نداشته باشد، مانعی ندارد.

**مسئله ۴۱۶:** برداشتن قرآن از مسجدالحرام و مسجدالنبی و سایر مساجد جایز نیست، و اگر کسی بردارد ضامن است، و باید آن را برگرداند.

**مسئله ۴۱۷:** اگر در حرم چیزی پیدا کرد به احتیاط واجب آن را بر ندارد، و اگر برداشت احکام لقطه را دارد، و باید طبق مسئله بعد عمل کند.

**مسأله ۴۱۸ :** لقطه ای را که از حرم برداشته اگر کمتر از یک درهم باشد می تواند قصد تملک آن را بکند، ولی اگر بدون قصد تملک نگاه داشت و در نگهداری آن کوتاهی کرد و تلف شد، ضامن است. و اگر آن را تملک کرد و قبل از تلف صاحبش پیدا شد باید آن را به صاحبش رد کند.

**مسأله ۴۱۹ :** اگر ارزش لقطه یک درهم یا بیشتر باشد نمی تواند آن را تملک کند، بلکه تا یکسال اعلان کند، و اگر صاحبش پیدا نشد می تواند آن را برایصاحبش نگهدارد، یا اینکه از طرف صاحبش به فقیر صدقه بدهد. ولی اگر صاحبش پیدا شد و راضیه صدقه نشد، باید عوضش را به او بدهد.

**مسأله ۴۲۰ :** هنگام نظافت حرمین شریفین مشاهده می شود مأموران حرم کفشهای فراوانی را که صاحبان آن معلوم نیست جمع آوری کرده و دور می ریزند، برداشتن آنها چنانچه شخص بداند صاحبان کفش از آن اعراض کرده اند، یا راضی هستند، اشکالی ندارد. والا برداشتن آنها محل اشکال است.

**مسأله ۴۲۱ :** برداشتن ریگ و سنگ از صفا و مروه جایز نیست و باید برگرداند. و از عرفات و مشعر و منی اشکالی

ندارد، ولی بطور کلی لازم است مؤمنین از این قبیل اعمال پرهیز کنند.

**مسأله ۴۲۲:** بر مؤمنین لازم است از انجام اموری که موجب وهن مذهب و بی احترامی و تحقیر شیعیان، پیشوایان دین، اهل بیت عصمت و طهارت و ائمه اطهار (علیهم السلام) می شود، و بیگانگان آن را برای حقانیت خویش و سرکوب شیعه دستاویز قرار می دهند جداً پرهیزند. و اگر برخی از مردم عوام از روی غفلت مرتکب آن می شوند دوستانه با آرامش و مهربانی آنها را نصیحت و ارشاد کنند. بعضی از آن امور عبارتند از: دست کشیدن یا بوسیدن ضریح پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و دربهای حرم مطهر، متبرک کردن اشیاء و لوازم همراه به ضریح پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) یا نرده های بقیع، انداختن عریضه یا پول داخل ضریح یا قبرستان ابوطالب، دخیل بستن به نرده های بقیع، برداشتن خاک از بقیع یا سایر اماکن متبرکه مکه و مدینه.

**مسأله ۴۲۳:** مسافر می تواند برای خواستن حاجت در مدینه منوره سه روز روزه مستحبی بگیرد، اگر چه روزه قضای

واجب به گردن او باشد و بنا بر احتیاط واجب لازم است که روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه باشد..مسأله ۴۲۴ :  
تبدیل پول مثل تومان به ریال یا دلار اگر خلاف مقررات جمهوری اسلامی ایران نباشد با تراضی طرفین اشکالی ندارد.

زیارات مراقد شریفه در

مدینه منوره





## زیارت رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

### وکیفیت آن

### آداب زیارت

کسی که می خواهد به زیارت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) یا ائمه هدی (علیهم السلام) مشرف شود مستحب است غسل کند، و لباسهای پاک و پاکیزه بر تن کند، و قدمها را کوتاه بردارد، و با وقار و آرامش به طرف قبر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) یا قبور ائمه بقیع (علیهم السلام) حرکت کند، و در وقت رفتن به این اماکن مقدس زبان خود را به ذکر و صلوات مشغول کند.

### اذن دخول

«اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتُ: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ

السَّلَامُ أَحْيَاءَ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي  
وَيَرُدُّونَ سَلَامِي، وَأَنْتَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ، وَفَتَحْتَ  
بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ، وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبُّ أَوْلًا،  
وَأَسْتَأْذِنُ رَسُوْلَكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا <sup>ع</sup> وَالْمَلَائِكَةَ  
الْمُوكَلِّينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا، أَدْخُلْ يَا رَسُوْلَ اللهِ،  
أَدْخُلْ يَا حُجَّةَ اللهِ، أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ  
فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ  
لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَاتَّ أَهْلٌ لِذَلِكَ».

پس بیوس عتبه مبارکه را و داخل شو و بگو:

«بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ، وَفِي سَبِيلِ اللهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُوْلِ اللهِ، صَلَّى اللهُ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ، اِنَّكَ اَنْتَ  
التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ».

۱- و اگر اذن دخول جهت حرم یکی از ائمه (علیهم السلام) باشد بعد از کلمه ثانیاً بگوید:  
«وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمَقْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ». پس نام پیردآن امامی را که  
می خواهد زیارت کند بقیه دعا را بخواند

زیارت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)  
 «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ  
 عَلَیْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ،  
 أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ،  
 وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا  
 حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ، فَصَلَّوْا تُ اللَّهُ عَلَیْكَ وَرَحْمَتُهُ وَعَلَى أَهْلِ  
 بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ».

پس رو به قبله که دوش چپ به جانب قبر باشد و دوش  
 راست به جانب منبر بایست، و بگو:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا  
 عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ،  
 وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَصَحَّحْتَ لِأُمَّتِكَ  
 وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ بِالْحِكْمَةِ  
 وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَدَّيْتَ الَّذِي عَلَیْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَأَنَّكَ قَدْ  
 رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ، وَغَلَّظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ، فَبَلِّغْ اللَّهُ

بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَدَنَا بِكَ  
 مِنَ الشُّرْكِ وَالضَّلَالَةِ. اَللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ  
 مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ،  
 وَأَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، مِنْ  
 الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ  
 وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ  
 وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اَللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّقِيعَةَ، وَاتِّهِ  
 الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغِيبُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ  
 وَالْآخِرُونَ. اَللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: (وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ  
 جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً  
 رَحِيماً) وَإِنِّي أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي، وَإِنِّي أَتُوجَّهُ  
 بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِیَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي».

سپس حاجت خود را بخواه، که إن شاء الله برآورده می شود.  
 روایت است که حضرت صادق (علیه السلام) به نزد قبر  
 حضرت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آمد و دست مبارک

خود را بر قبر گذاشت و گفت: «أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ  
وَاخْتَارَكَ وَهَدَاكَ وَهَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ».  
پس فرمود: (إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا).

زیارت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) هنگام وداع  
زمانی که خواستی از مدینه کوچ کنی، پس از انجام همه  
کارهای غسل کن و به طرف قبر پیامبر اکرم (صلی الله علیه  
وآله) برو و آنچه را در اول ورود انجام داده ای، انجام بده و  
بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، اسْتَوْدِعَكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ  
عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا جِئْتَ بِهِ وَدَلَّكَ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ لَا  
تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ  
فَأِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَشْهَدُ أَنْ  
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ  
آلِهِ».

### زیارت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

در محل دفن آن حضرت اختلاف است:

۱ - بعضی گفته اند قبر آن حضرت در روضه که مابین قبر پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) و منبر آن حضرت می باشد. و در روایت آمده از امام صادق (علیه السلام) که پیامبر فرمودند: «بین قبر من و منبر من باغی از باغهای بهشت است».<sup>۷</sup>

۲ - بعضی دیگر گفته اند که آن حضرت در خانه خودشان دفن شدند.

۳ - و برخی روایت کرده اند که آن حضرت در بقیع دفن شدند و کسی که آن معطمه را زیارت کند در این سه موضع افضل است. و چون ایستادی در این مواضع از برای زیارت آن مظلومه، بگو: «يَا مُتَحَنِّتُ امْتَحِنِكِ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ، فَوَجِدْكِ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَمُصَدِّقُونَ وَصَابِرُونَ لِكُلِّ مَا آتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ

۷ - کافی، ج ۴، باب المنبر والروضه ومقام النبي (صلي الله عليه وآله) ح ۱۰

إِلَهٍ، وَأَتَانَا بِهِ وَصِيَّةً، فَأَتَانَا نَسْأَلُكَ إِنْ كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا أَلْحَقْتِنَا  
 بِتَصَدِيقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَتَانَا قَدْ طَهَّرْنَا بِوِلَايَتِكَ.  
 و نيز بگويد: أَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، أَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
 بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، أَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، أَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
 بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ، أَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ، أَسَّلَامُ عَلَيْكَ  
 يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ، أَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، أَسَّلَامُ  
 عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ، أَسَّلَامُ عَلَيْكَ  
 يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، أَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ  
 الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ  
 الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ، أَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ  
 سَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أَسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّدِيقَةُ الشَّهِيدَةُ،  
 أَسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرُّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ، أَسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا  
 الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ، أَسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْأَنْسِيَّةُ،  
 أَسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ التَّقِيَّةُ، أَسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ  
 الْعَلِيمَةُ، أَسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ

الْمَعْصُوبَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَقْهُورَةُ، السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ  
رَبِّكَ، وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،  
وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ  
آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ وَصَلَكَ  
فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ  
قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ  
الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ، كَمَا قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

أَشْهَدُ اللَّهُ وَرُسُلُهُ وَمَلَائِكَتُهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ،  
سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّءٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ، مُوَالٍ  
لِمَنْ وَالَيْتَ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ، مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ، مُحِبٌّ لِمَنْ  
أَحْبَبْتَ، وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَازِياً وَمُثَبِّباً.»

پس صلوات می فرستی برحضرت رسول وائمه اطهار (علیهم

السلام).



### زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام)

ائمه بقیع عبارتند از:

- ۱ - حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام).
- ۲ - امام زین العابدین (علیه السلام).
- ۳ - امام محمد باقر (علیه السلام).
- ۴ - امام جعفر صادق (علیه السلام).

چون خواستی زیارت کنی این بزرگواران را آنچه در آداب زیارات ذکر شد بجا آور، و بگو:

«يَا مَوَالِيَّ يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكُمْ وَأَبْنُ أُمَّتِكُمُ الذَّلِيلُ بَيْنَ  
أَيْدِيكُمْ، وَالْمُضْعَفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ، وَالْمُعْتَرَفُ بِحَقِّكُمْ، جَاءَكُمْ  
مُسْتَجِيرًا بِكُمْ، قاصِداً إِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّباً إِلَى قَامِكُمْ، مُتَوَسِّلاً  
إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ، ءَأَدْخُلُ يَا مَوَالِيَّ، ءَأَدْخُلُ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ،  
ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ الْمُقِيمِينَ بِهَذَا  
الْمَشْهَدِ».

و بعد از خشوع و خضوع و رقت داخل شو و پای راست را  
مقدم دار و بگو:

«اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا،  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْمَاجِدِ الْأَحَدِ، الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ  
الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ الَّذِي مَنْ بَطُولِهِ، وَسَهْلَ زِيَارَةِ سَادِقِ  
بِإِحْسَانِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ».

پس نزدیک قبور مقدسه ایشان برو و پشت به قبله و رو به  
قبر ایشان کن و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيْمَةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى،  
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحَجَّاجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا  
الْقَوَامُ فِي الْبَرِّيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ  
عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ  
قَدْ بَلَّغْتُمْ وَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَكُذِّبْتُمْ وَأَسِيءَ إِلَيْكُمْ  
فَفَقَرْتُمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْإِيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ  
مَفْرُوضَةٌ، وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ، وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا،  
وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَأَنَّكُمْ دَعَايُمُ الدِّينِ وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ، لَمْ  
تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ، يَنْسَحُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ

كُلُّ مُطَهَّرٍ، وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدْتَسِكُمْ  
 الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَلَمْ تَشْرِكْ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ، طِبْتُمْ وَطَابَ  
 مَثْبُتُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دَيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بِيُوتِ أَذِنِ اللَّهِ  
 أَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا،  
 وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، إِذِ اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لَنَا، وَطَيَّبَ

خَلَقْنَا بِمَا مَنْ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ، وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ،  
 مُعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَهَذَا مَقَامٌ مَنْ أَسْرَفَ وَأَخْطَأَ  
 وَاسْتَكْبَانَ وَأَقْرَبَ بِمَا جَنَى وَرَجَى بِمَقَامِهِ الْخِلَاصَ، وَأَنْ يَسْتَنْفِذَهُ  
 بِكُمْ مُسْتَنْفِذَ الْهَلْكِ مِنَ الرَّدَى، فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ وَقَدْتُ  
 إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا،  
 وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا. يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو، وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو،  
 وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنْ بِمَا وَقَفْتَنِي وَعَرَفْتَنِي أُمَّتِي وَبِمَا  
 أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ، إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ، وَجَهِلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَحَقُّوا  
 بِحَقِّهِ، وَمَالُوا إِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتْ أَلْمَتُهُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ  
 حَصَصْتَهُمْ بِمَا حَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ

فی مقامی هذا مذکوراً مکتوباً، فلا تحرمنی ما رجوتُ، ولا تُخَيِّبْنی فیما دَعَوْتُ، بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَصَلَّى اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا

(صلی الله علیه وآله)

ابراهیم فرزند رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود از ماریه قبطیه، که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به او خیلی علاقه داشت تا اینکه در حدود دوسالگی از دنیا رفت و در قبرستان بقیع دفن شد.

زیارت آن حضرت بدین نحو است:

«السَّلَامُ عَلَی رَسُولِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَی نَبِیِّ اللهِ، السَّلَامُ عَلَی حَبِیبِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَی صَفِیِّ اللهِ، السَّلَامُ عَلَی نَجِیِّ اللهِ، السَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ وَخَيْرَةِ اللهِ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ، السَّلَامُ عَلَی جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَی الشُّهَدَاءِ وَالسُّعْدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ أَيَّتْهَا الرُّوحُ الزَّكِيَّةُ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتْهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ،  
 أَسْلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتْهَا السَّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتْهَا التَّسَمَةُ  
 الزَّكِيَّةُ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ خَيْرِ الْوَرَى، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ  
 النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ الْمَبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ  
 الْوَرَى، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ الْبَشِيرِ التَّذِيرِ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ  
 السَّرَاجِ الْمُنِيرِ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ، أَسْلَامُ  
 عَلَيْكَ يَا بِنَّ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَالْجَانِّ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ  
 صَاحِبِ الرَّايَةِ وَالْعَلَامَةِ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ الشَّفِيعِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ  
 أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ مَنْ حَبَاهُ اللهُ بِالْكَرَامَةِ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ  
 وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَ اللهُ لَكَ دَارَ إِيْمَانِهِ  
 قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ، أَوْ يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ،  
 فَتَقْلَكَ إِلَيْهِ طَيِّباً زَكِيّاً مَرْضِيّاً طَاهِراً مِنْ كُلِّ نَجَسٍ، مُقَدَّساً مِنْ  
 كُلِّ دَنَسٍ، وَبِوَأْكَ جَنَّةَ الْمَأْوَى، وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى،  
 وَصَلَّى اللهُ عَلَيْكَ صَلَاةً تَقْرَأُ بِهَا عَيْنُ رَسُولِهِ، وَتُبَلِّغُهُ أَكْبَرَ  
 مَا مَوْلَاهُ، اَللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَأَزْكَاهَا

وَأَمِّي بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاها عَلَي رَسُولِكَ وَبَيْتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى مَنْ نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ، وَعَلَى مَنْ خَلَفَ مِنْ عَثَرَتِهِ الطَّاهِرِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ وَإِبْرَاهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا، وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا، وَحَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً، وَعَاقِبَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً، وَحَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَةً، وَأَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَةً، وَأُمُورِي بِهِمْ مَسْعُودَةً، وَشُؤُونِي بِهِمْ مَحْمُودَةً، اللَّهُمَّ وَأَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ، وَتَفَسِّرْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَضِيقٍ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابَكَ، وَأَمْنَحْنِي ثَوَابَكَ، وَأَسْكِنْنِي جَنَّاتَكَ، وَارْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ، وَأَشْرِكْ فِي صَالِحِ دُعَائِي وَالِدِي وَوَلَدِي وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، آمِينَ رَبُّ الْعَالَمِينَ».

پس از خواندن زیارت حاجات خود را طلب کن.

زيارت فاطمه بنت اسد (مادر حضرت اميرالمؤمنين على عليه السلام)

«السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَخْرِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدِ الْهَاشِمِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّفِيسَةُ النَّفِيسَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْكَرِيمَةُ الرَّضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَرَبَّيْتُهَا لَوْلَى اللَّهِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَدَكَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتَ الْكِفَالََةَ، وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَهَدْتَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَبَالَغْتَ فِي حِفْظِ رَسُولِ

الله، عارفةً بحقه، مؤمنةً بصدقِهِ، مُعترفةً بنبوته، مُستبصرةً  
 بنعمته، كافلةً بتربيته، مُشفقةً على نفسه، واقفةً على خدمته،  
 مُختارةً رضاه، وأشهدُ أنّك مضيت على الإيمان، والتمسكُ  
 بأشرفِ الأديانِ، راضيةً مرضيةً طاهرةً زكيةً تقيّةً تقيّةً، فرضى  
 اللهُ عنك وأرضاك، وجعلَ الجنّةَ منزلكِ ومأواك، اللَّهُمَّ صلِّ  
 على مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وأنفَعنى بزيارتها، وتبّتنى على  
 محبّتها، ولا تحرمنى شفاعتها، وشفاعة الأئمة من  
 ذريّتها، وارزقنى مُرافقتها، واحشُرنى معها ومع أولادها  
 الطاهرين.

اللَّهُمَّ لا تجعلهُ آخرَ العهدِ من زيارتى إياها، وارزقنى العودَ  
 إليها أبداً ما أبقيتني، وإذا توفّيتني فأحشُرني في زمريّتها،  
 وأدخلني في شفاعتها، برحمتك يا أرحمَ الراحمين، اللَّهُمَّ  
 بحقها عندك ومنزلتها لديك، اغفرْ لى ولوالديّ، ولجميع  
 المؤمنين والمؤمنات، وآتانا في الدنيا حسنةً، وفي الآخرة  
 حسنةً، وقنا برحمتك عذابَ النارِ.



زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام) هنگام وداع  
 «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَئِمَّةَ الْهُدَى وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اسْتَوْدِعُكُمْ  
 اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَیْكُمْ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ بِهِ  
 وَدَلَلْتُمْ عَلَیْهِ، اَللَّهُمَّ فَاکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» پس بسیار دعا کن  
 واز خدا بخواه که بار دیگر تو را به زیارت ایشان برگرداند.

زیارت حضرت حمزه سیدالشهدا

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ  
 عَلَیْكَ يَا حَیْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ،  
 أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ،  
 وَصَحَّتْ رَسُولَ اللَّهِ، وَكُنْتَ فِيْمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا، بِأَبِي  
 أُمَّتِ وَأُمِّي، أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ  
 بِذَلِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي،  
 مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارِ اسْتَحَقَّهَا مِنِّي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِبًا  
 مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَرِعَا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ  
 رَبِّي. أَتَيْتُكَ مِنْ شَقَّةٍ بَعِيدَةٍ طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَقَدْ  
 أَوْقَرْتَ ظَهْرِي ذُنُوبِي، وَأَتَيْتُ مَا أَسْحَطَ

رَبِّي وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْرَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ،  
فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فَقْرِي وَحَاجَتِي، فَقَدْ سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا  
وَأَتَيْتُكَ مَكْرُوبًا، وَسَكَبْتُ عَبْرَتِي عِنْدَكَ بَاكِيًا، وَصِرْتُ إِلَيْكَ  
مُفْرَدًا، وَأَلْتَمَسْتُ مِنْ أَمْرِي اللَّهُ بِصَلَاتِهِ، وَحَثَّنِي عَلَى بَرِّهِ، وَكَذَّلَنِي  
عَلَى فَضْلِهِ، وَهَدَانِي لِحُبِّهِ، وَرَغَّبَنِي فِي الْوِفَادَةِ إِلَيْهِ، وَالْهَمْنِي  
طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَلَا  
يَخِيبُ مَنْ آتَاهُمْ، وَلَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوِيَهُمْ، وَلَا يَسْعُدُ مَنْ

عَادَاهُمْ».

زيارت قبور شهدای أخذ

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى  
مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ  
عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ  
الْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أُنصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ  
رَسُولِهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عَقْبِي  
الدَّارِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ، وَأَصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ،

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَدَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَعَنْ نَبِيِّهِ، وَجَدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ، فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَعَنْ الْإِسْلَامِ، وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَعَرَفْنَا وَجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَمَوْضِعِ إِكْرَامِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا. أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ، وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ، وَأَنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقْرَبِينَ الْفَائِزِينَ الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، تَيْتُّكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا، وَبِحَقِّكُمْ عَارِفًا، وَيَزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا، وَبِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ وَمَرْضِي الْأَفْعَالِ عَالِمًا، فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ، وَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَعَظْبُهُ وَسَخَطُهُ، اَللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِزِيَارَتِهِمْ، وَبَيَّتْنِي عَلَى قُصْدِهِمْ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرَطٌ، وَنَحْنُ بِكُمْ لِاحِقُونَ».

زيارت جامعه كبيره

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

با حال غسل داخل حرم شو، و پس از گفتن صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ، وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ وَمَعْدِنِ الرَّحْمَةِ، وَخُزَّانِ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَأُصُولِ الْكِرَامِ وَقَادَةَ الْأُمَمِ، وَأَوْلِيَاءِ النَّعَمِ، وَعُنَاصِرِ الْأَبْرَارِ وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَسَاسَةَ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانِ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابِ الْأَيْمَانِ، وَأُمْنَاءِ الرَّحْمَنِ، وَسُلَالَةَ النَّبِيِّينَ، وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِثْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ».

السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ التَّقَى، وَذَوِي التُّهَى، وَأَوْلِي الْحِجَى، وَكُهْفِ الْوَرَى، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى، وَالِدَّعْوَةِ الْحُسْنَى، وَحُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةَ وَالْأُولَى وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ  
مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِينِ بَرَكَاتِهِ اللَّهِ، وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ، وَحَفَظَةِ سِرِّ  
اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، وَالْأَدْلَاءِ عَلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ،  
وَالْمُسْتَقْرِّينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّامِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي  
تَوْحِيدِ اللَّهِ، وَالْمُطَهِّرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَتَهْيِيهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ  
لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،  
السَّلَامُ عَلَى الْإِمَّةِ الدُّعَاةِ، وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةِ الْوَلَاةِ،  
وَالذَّادَةِ الْحُمَاةِ، وَأَهْلِ

الذِّكْرِ، وَأُولَى الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرِيَّتِهِ وَحَزْبِهِ، وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ  
وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَثَوْرِهِ وَبُرْهَانِهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ  
وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ، وَرَسُولُهُ

الْمُرْتَضَى، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدَيْنِ الْحَقِّ لِيُظَهِّرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ  
 وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ،  
 الْمَعْصُومُونَ الْمَكْرَمُونَ، الْمُقْرَبُونَ الْمُتَّقُونَ، الصَّادِقُونَ  
 الْمُصْطَفَوْنَ، الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ،  
 الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ. اصْطَفَاكُمْ بَعْلِمِهِ، وَارْتَضَاكُمْ لِعَيْبِهِ، وَاخْتَارَكُمْ  
 لِسِرِّهِ، وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ بِهُدَاهُ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ،  
 وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ، وَأَيَّدَكُمْ

بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ،  
 وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ، وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعًا  
 لِحِكْمَتِهِ وَتَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ، وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهَدَاءَ عَلَى  
 خَلْقِهِ، وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ، وَأَدِلَّةً عَلَى صِرَاطِهِ،  
 عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَأَمَنَكُمُ مِنَ الْفِتَنِ، وَطَهَّرَكُمُ مِنَ  
 الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرَّجْسَ وَطَهَّرَكُمُ تَطْهِيرًا. فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ،  
 وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ،  
 وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ



دَارِ الْفَنَاءِ، وَشَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ، وَالْأَيُّهُ  
 الْمَخْرُوتَةُ، وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ، وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ، مَنْ  
 أَتَيْكُمْ نَجَى، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ، إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ، وَعَلَيْهِ  
 تَدُلُّونَ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَإِلَى سَبِيلِهِ  
 تُرْشِدُونَ، وَيَقُولُ تَحْكُمُونَ، سَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ، وَهَلَكَ مَنْ  
 عَادَاكُمْ، وَخَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ، وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَقَارَ مَنْ  
 تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَهُدِيَ  
 مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ، مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ، وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالْتَارُ  
 مَثْوَاهُ، وَمَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَمَنْ رَدَّ  
 عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا  
 مَضَى، وَجَارٌ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ، وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَثُورَكُمْ وَطَيْبَتِكُمْ  
 وَاحِدَةٌ، طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً  
 فَجَعَلَكُمْ بَعْرَ شَيْءٍ مُحَدِّقِينَ حَتَّى مَنَّا عَلَيْنَا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ فِي  
 بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ  
 صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ، وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَيِّباً لَخَلَقْنَا،



وَطَهَارَةً لِنَفْسِنَا، وَتَزَكِيَةً لَنَا، وَكَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا، فَكُنَّا عِنْدَهُ  
 مُسْلِمِينَ بِفَضْلِكُمْ، وَمَعْرُوفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ  
 أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقْرَبِينَ، وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ  
 الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يُلْحَقُهُ لَاحِقٌ، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ، وَلَا يَسْبِقُهُ  
 سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي إِذْرَاكِهِ طَامِعٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقْرَبٌ،  
 وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا صَدِيقٌ وَلَا شَهِيدٌ، وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ،  
 وَلَا دَنِي وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ، وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ،  
 وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ، وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ، وَلَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ  
 شَهِيدٌ، إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ، وَعَظَمَ خَطْرَكُمْ، وَكَبَّرَ شَأْنَكُمْ،  
 وَتَمَامَ نُورِكُمْ، وَصَدَقَ مَقَاعِدِكُمْ، وَتَبَاتَ مَقَامِكُمْ، وَشَرَفَ  
 مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ، وَكَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ، وَخَاصَّتِكُمْ لَدَيْهِ،  
 وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ.

يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمَّي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأُسْرَتِي، أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ  
 أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ،  
 مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لَكُمْ

وَلَاوَلِيَّائِكُمْ، مُبْغِضٌ لِّأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٌ لَهُمْ، سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ،  
 وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُحَقَّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ  
 لَكُمْ، عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقَرٌّ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ  
 بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِأَيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ  
 لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ،  
 مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لَكُمْ، لَا تَذُّعَانِدُ بِقُبُورِكُمْ، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ  
 - عَزَّوَجَلَّ - بِكُمْ، وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَمُقَدِّمٌ أَمَامَ طَلِبَتِي  
 وَحَوَائِجِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي. مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ  
 وَعَلَانِيَتِكُمْ، وَشَاهِدٌ لَكُمْ وَعَائِدٌ بِكُمْ، وَأَوْلِيكُمْ وَأَخْرِكُمْ، وَمَقْوُضٌ فِي  
 ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، وَمُسَلَّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ، وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلَّمٌ، وَرَأْيِي  
 لَكُمْ تَبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ،  
 وَيَرُدُّكُمْ فِي آيَاتِهِ، وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ، وَيُمَكِّنْكُمْ فِي أَرْضِهِ، فَمَعَكُمْ  
 مَعَكُمْ لَامَعَ غَيْرِكُمْ، آمَنْتُ بِكُمْ، وَتَوَلَّيْتُ أَخْرِكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ  
 أَوْلِيكُمْ، وَبَرَّيْتُ إِلَى اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَمِنْ الْجَبْتِ  
 وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَحَزْبِهِمْ

الظالمين لكم، والجاحدين لحقكم، والمارقين من ولايتكم  
والغاصبين لاربتكم، الشاكين فيكم، المنحرفين عنكم، ومن كل  
وليجه دونكم، وكل مطاع سواكم، ومن الائمة الذين يدعون  
الى التار. فثبتني الله ابدا ما حبيت على مولاتكم ومحبتكم  
ودينكم، ووقفي لطاعتكم، ورزقي شفاعتكم، وجعلني من  
خيار مواليكم، التابعين لما دعوتكم اليه، وجعلني ممن يقتض  
اتارككم، ويسلك سبيلكم، ويهتدى بهداكم، ويحشر في  
زمرتكم، ويكر في رجعتكم، ويملك في دولتكم، ويشرف  
في عافيتكم، ويمكن في ايامكم، وتقر عينه غدا برؤيتكم. بابي  
انتم وامي ونفسي واهلي ومالي، من اراد الله بدا بكم، ومن  
وحده قبل عنكم، ومن قصده توجه بكم، موالى لا اخصي  
تناءكم، ولا ابلغ من المدح كنهكم، ومن الوصف قدركم،  
وانتم نور الاخيار وهداة الابرار، وحجج الجبار، بكم فتح الله  
وبكم يختم، وبكم ينزل الغيث، وبكم يمسك السماء ان تقع  
على الارض الا باذنه، وبكم ينفس الهم ويكشف

الضَّرَّ، وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَهَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ، وَإِلَى جَدُّكُمْ.

(و اگر زیارت امیر المؤمنین (علیه السلام) باشد بجای: وَإِلَى جَدُّكُمْ بگو: وَإِلَى أَخِيكَ) بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ، آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، طَاطَأَ كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ، وَبَحَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لَطَاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفَازَ الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرِّضْوَانِ، وَعَلَى مَنْ جَحَدَ وَلَايَتِكُمْ غَضَبُ الرَّحْمَنِ.

بِأَبِي آئْتُمْ وَأُمِّي وَتَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ، وَأَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ، وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ، وَأَتَارِكُكُمْ فِي الْأَتَارِكِ، وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ، فَمَا أَحَلَى أَسْمَاءَكُمْ، وَأَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ، وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ، وَأَجَلَّ خَطْرَكُمْ، وَأَوْفَى عَهْدَكُمْ، وَأَصْدَقَ وَعْدَكُمْ، كَلَامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى،

وَفِعَلَكُمْ الْخَيْرُ، وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانَ، وَسَجِيَّتُكُمْ الْكِرَامَ، وَسَائِكُمْ  
الْحَقُّ وَالصَّدْقُ وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ  
وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَأَصْلُهُ وَقَرَعُهُ وَمَعْدِنُهُ  
وَمَا أُوِيَهُ وَمُتْتَهَاؤُهُ.

يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ تَنَائِكُمْ، وَأُخْصِي  
جَمِيلَ بِلَاتِكُمْ، وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ، وَفَرَّجَ عَنَّا غَمْرَاتِ  
الْكُرُوبِ، وَأَثَقَدْنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنْ النَّارِ.

يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا،  
وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدًا مِنْ دُنْيَانَا، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ،  
وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَأَثَلَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَقَبَّلُ الطَّاعَةَ  
الْمُقْتَرَضَةَ، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَالذَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ، وَالْمَقَامُ  
الْمَحْمُودُ، وَالْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ،  
وَالشَّانُ الْكَبِيرُ، وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ، رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا  
الرَّسُولَ فَكَتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذِ  
هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، سُبْحَانَ

رَبُّنَا إِنْ كَانَ وَعَدُّ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا). يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ بَيَّنِّي وَبَيَّنَّ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنْ أَيْتَمَّنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ، وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي، فَأَتَى لَكُمْ مُطِيعٌ، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَيْمَةِ الْأَبْرَارِ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي، فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجِبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمَّلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ، وَفِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ».

زیارت امین الله

از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) به سندهای معتبر روایت شده که امام زین العابدین (علیه السلام) به زیارت

امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد، و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست، و فرمود:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ،  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ<sup>۱</sup>، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ  
حَقَّ جِهَادِهِ، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَأَتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ لِلْجَوَارِهِ، فَقبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ،  
وَأَلْزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَالِكٍ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ  
خَلْقِهِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ،  
مُوَلِّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لِمَنْصُورَةِ أَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي  
أَرْضِكَ وَسَمَاوَاتِكَ، صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ  
نِعْمَاتِكَ، ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلائِكَ، مُشْتَاقَةً إِلَى فَرَحَةِ لِقَائِكَ،

۱- اگر این زیارت برای غیر حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) خوانده شود، «السلام عليك يا امير المؤمنين» در آن گفته نمی شود.

مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَنْتَهَةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ،  
مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَتَنَائِكَ».

پس پهلوی روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

«اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَيْهَةِ، وَسُبُلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ  
شَارِعَةٌ، وَأَعْلَامَ الْفَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ، وَأَفْتِدَةَ الْعَارِفِينَ مِنْكَ  
فَازِعَةٌ، وَأَصْوَاتَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ، وَأَبْوَابَ الْأَجَابَةِ لَهُمْ  
مُفْتَحَةٌ، وَدَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ، وَتَوْبَةَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ  
مَقْبُولَةٌ، وَعَبْرَةَ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ، وَالْأَغَاثَةَ لِمَنْ  
اسْتَعَانَ بِكَ مَوْجُودَةٌ، وَالْأَعَاثَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُولَةٌ،  
وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِرَةٌ، وَزَلَّلَ مِنْ اسْتِقَالِكَ مُقَالَةً، وَأَعْمَالَ  
الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً، وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةً،  
وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةً، وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً،  
وَحَوَائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةً، وَجَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوقَّرةً،  
وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةً، وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً، وَمَنَاهِلَ  
الظَّمَاءِ مُتَرَعَّةً، اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَأَقْبَلْ تَنَائِي، وَاجْمَعْ



بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ  
وَالْحُسَيْنِ، إِنَّكَ وَلِيُّ نِعْمَائِي، وَمُنْتَهَى مُنَايَ وَغَايَةَ رَجَائِي فِي  
مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ».

و در کامل الزیارة بعد از این زیارت این فقرات نیز مسطور  
است: «أَيْتَ اِهْلِ وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، اِغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا، وَكُفَّ عَنَّا  
أَعْدَاءَنَا، وَاشْغَلْهُمْ عَنْ أَدَانَا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا،  
وَأَذْهِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ». پس حضرت امام محمد باقر (عليه السلام) فرمود: «که  
هرکس از شیعیان ما این زیارت و دعا را نزد قبر امیرالمؤمنین  
(عليه السلام) یا نزد قبر یکی از ائمه (عليهم السلام) بخواند  
البتة خداوند سبحان این زیارت و دعای او را در نامه ای از  
نور بالا برد، و مهر حضرت محمد (ص) را بر آن بزند، و  
چنین محفوظ باشد تا به قائم آل محمد (عج) تسلیم کنند، پس  
صاحبش را به بشارت و تحیت و کرامت استقبال نماید.

استفتائات جدید

س ۱: انجام عمره مفرده در ماههای حج پیش از عمره تمتع جایز است یا خیر؟ و در این مسأله فرقی بین ضروره و غیر ضروره هست یا نه؟

ج: مانع ندارد و فرق نمی کند.

س ۲: تأخیر عمره مفرده در حج افراد تا چه وقتی بلا عذر جایز است؟

ج: باید مبادرت نماید عرفاً علی الاحوط و تأخیر نشود.

س ۳: کسی که حجش بدل به افراد شده و باید بعد از حج عمره مفرده بجا آورد اگر سال بعد که به حج می رود بعد از اعمال حج عمره مفرده با بجا آورد کافی و مجزی است یا نه؟

ج: احوط آن است که تا عمره مفرده را انجام نداده برای عمره و حج دیگر محرم نشود هر چند اگر خلاف کرد ضرر به صحت عمره و حج او نمی زند.

استفتائات میقات

س ۴: کسانی که به علت عادت ماهانه نمی توانند داخل مسجد شجره محرم شوند باید در خارج آن محرم شوند و در محاذی جحفه تجدید احرام نمایند، با توجه به این که محاذی جحفه نقطه مشخصی نیست وظیفه چیست؟

ج: می توانند داخل مسجد شجره شوند و در حال عبور احرام ببندند و در مسجد توقف نکنند.

س: در منا سک مرقوم است که زنه‌ای حائض باید عبوراً از مسجد شجره محرم شوند و اگر نمی توانند، در خارج محرم شوند و در محاذی جحفه تجدید احرام کنند، چون این کار مشکل است و محاذی جحفه معلوم نیست آیا حضرت عالی اجازه می فرمائید که این گونه اشخاص در مدینه با نذر محرم شوند؟

ج: چون احرام قبل از میقات با نذر صحیح است، زنه‌ای حائض که عذر شرعی از دخول مسجد دارند، می توانند در مدینه با نذر برای عمره محرم شوند و در این صورت لازم نیست به مسجد شجره بروند ولی نذر زن باید با اذن شوهر باشد.

س: زن حائضی که از مدینه عازم مکه بود گمان می کرد که در حال عبور در مسجد شجره می تواند محرم شود و وظیفه اش را انجام دهد، ولی وقتی که به محوطه حیاط مسجد رسید دید به جهت ازدحام نمی تواند با عبور محرم شود، لذا از شوهرش که حاضر بود اجازه نذر گرفت و چند

قدمی از مسجد فاصله گرفت و با نذر محرم شد آیا کفایت می کند یا خیر؟

ج: اگر احراز کند که قبل از میقات، با نذر محرم شده است مانع ندارد.

س۷: زن در حال حیض به خیال اینکه می تواند در حال عبور، در مسجد شجره احرام ببندد وارد مسجد شد و بلافاصله احرام بست و تلبیه را هم گفت و چند قدمی هم به طرف دری که می خواست خارج شود رفت ولی چون دید نمی شود عبور کرد برگشت و از همان دری که وارد شده بود خارج شد، آیا احرامش چگونه است؟

ج: صحیح است .

س۸: یک نفر از حجاج به کلی شنوایی خود را از دست داده و زبان او هم لکنت دارد که قادر بر تکلم صحیح نیست، مسئولین و سایر حجاج همراه به این موضوع توجه نداشته اند و این آقا بدون نیت و تلبیه وارد مکه شده است، تکلیف او و همراهانش چیست؟

ج: باید به میقات برگردد و با نیت و تلبیه محرم شود هر چند با بردن همراه باشد، و اگر نمی تواند به میقات برود باید

در خارج حرم محرم شود، و اگر نمی تواند تلبیه راصحیح بگوید ولو با تلقین، احوط آن است که به هر نحو می تواند بگوید و ترجمه اش را نیز بگوید.

س۹: نظر به اینکه مسجد جحفه و مسجد تنعیم اخیراً تخریب و بازسازی شده و وسعت یافته است، آیا حجاج یا معتمرین باید حتماً در حدود مسجد قبلی محرم شوند و یا محرم شدن در تمام مسجد فعلی معتبر است؟

ج: میقات در جحفه خصوص مسجد نیست و از هر جای جحفه می توانند محرم شوند، و همچنین مسجد تنعیم خصوصیت ندارد و احرام از ادنی الحل صحیح است هر چند در مسجد نباشد، بنا بر این در صورت توسعه مسجد با صدق جحفه در اول، و ادنی الحل در دوم، احرام اشکال ندارد.

س۱۰: کسی که در جده و یا مدینه حالت روانی پیدا می کند، آیا لازم است محرمماً وارد مکه شود، یا بدون احرام نیز جایز است؟

ج: مجنون تکلیف ندارد و احرام بر او واجب نیست، و اگر بدون احرام وارد مکه شود اشکالی ندارد

س ۱۱ : زن حائضی که نمی تواند صبر کند تا پاک شود، نزدیک مسجد شجره محرم شد و بنا داشت محاذی جحفه احرام را تجدید کند، در ماشین خوابش برد و وارد مکه شد، آیا احرام او درست است؟

ج: در صورت امکان باید برگردد و از جحفه یا مجاذی آن محرم شود علی الاحوط، و اگر ممکن نیست، از حرم خارج شود و از آنجا احرام ببندد.

س ۱۲: آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است یا نه؟

ج: اشکال ندارد

س ۱۳: هرگاه حائض یا جنب عصباناً وارد مسجدشجره شود و مانند دیگران توقف نماید و محرم شود آیا احرام او صحیح است یا نه؟

ج: احرام صحیح است.

استفتائات احرام

س ۱۴: کسی در وقت احرام این طور قصد می کند : محرم می شوم، یا احرام می بندم، برای عمره تمتع یا غیر آن ،  
باتوجه به این مسأله که فرموده ایدنیت احرام لازم نیست ،  
بلکه ممکن نیست، این احرام چه صورت دارد؟

ج: به احرام ضرر نمی زند هر چند قصد احرام لازم نیست، و احرام امر قصدی نیست، بلکه اگر شخص بقصد حج یا عمره تلبیه بگوید محرم می شود هر چند قصد احرام نکند.

س ۱۵: مردها معمولا برای احرام، یک حوله به عنوان لنگ به کمر می بندند و یکی هم بر روی شانه ها می اندازند، ولی بعضی افراد برای اینکه موقع وزش باد و یا سوار شدن ماشین عورت آنان ظاهر نشود اضافه بر آن دو حوله، یک متر چلوار ندوخته از وسط پا عبور می دهند به نحوی که دو طرف پارچه از جلو و عقب ریز حوله قرار می گیرد، آیا این عمل صحیح است یا اشکال دارد؟  
ج: اشکال ندارد.

س ۱۶: آیا لباس احرام منحصر در دو جامه است و بیشتر نباید باشد؟

ج: مقدار واجب آن دو جامه است، و زیاد تر مانع ندارد.

س۱۷: زنی که احتمال می دهد خون حیض ببیند و نتواند داخل مسجد الحرام شود، آیا می تواند برای عمره مفرده مستحبی محرم شود و اگر خون دید برای طواف و نماز نایب بگیرد، و همچنین مریض اگر احتمال می دهد نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد؟

ج: اشکال ندارد و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شد عمل به وظیفه نماید



### محرمات احرام

س ۱۸: آیا کشتن مارمولک و از این قبیل جانواران در حال احرام اشکال دارد؟

ج: از محرمات احرام محسوب نیست.

س ۱۹: صابون و بعضی از شامپوها که بویی دارد ، آیا می شود برای بدن استعمال کرد یا خیر؟ ضمناً خیلی بوی خوشی هم نیست.

ج: اگر صدق بوی خوش می کند ، از آن اجتناب کنند و در غیر این صورت مانع ندارد.

س ۲۰: حمل قمقمه آب که در محفظه دوخته نگهداری می شود برای محرم چه صورت دارد؟

ج: احتیاط آن است که آن را به دوش نیاندازد، و دست گرفتن آن مانع ندارد.

س ۲۱: در مورد نظر کردن در آئینه ، گاهی نگاه می کند که خود را ببیند، و گاهی برای دیدن ماشین و غیره و یا مثلاً برای علاج دردی ، آیا برای محرم فرق می کند و یا یکسان است؟

ج: احوط اجتناب است در صورتی که ضرورتی نداشته باشد.

س ۲۲: در موردی که کننده شدن مو با کشیدن دست به سر و صورت کفاره دارد، آیا فرقی بین عمد و سهو و غفلت هست؟

ج: فرق نمی کند به شرط آنکه دست کشیدن عمدی نباشد.  
س ۲۳: اگر غیر محرم از محرم، ازاله مو کند یا یکی از کارهایی که بر محرم حرام است و کفاره دارد انجام دهد، چه حکمی دارد؟

ج: اگر محرم به اختیار خود حاضر شود که مثلاً محلی سر او را بتراشد حرام است و باید کفاره بدهد، ولی چنانچه بدون اختیار او باشد کفاره ندارد، حتی بر محل مزبور.

س ۲۴: با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام، آیا چانه هم جزء صورت محسوب می شود و باید باز باشد یا اینکه اگر مقنعه‌ای بر سر گذاشته شود که چانه را تا لبها بپوشاند مانعی ندارد؟

ج: زیر چانه جزء صورت محسوب نمی شود، ولی پوشاندن به نحوی که در سوال بیان شده اشکال دارد.

س ۲۵: زنها که در حال احرام برای پوشیدن و در آوردن مقنعه صورتشان پوشیده می شود چه صورت دارد؟  
ج: باید سعی کنند پوشیده نشود ، و اگر عامداً و از روی علم پوشیده نشود مانع ندارد.

س ۲۶: میقات عمره مفرده در خود مکه واقع شده است ، آیا کسی که در اینجا برای عمره مفرده احرام بست می تواند در اتوبوس سقف دار سوار شود یا خیر ، با توجه به این که محل سکونت او مکه است؟  
ج: در فرض مذکور مانع ندارد.

س ۲۷: افرادی از مسجد شجره محرم شدند و شبانه برای مکه حرکت نمودند ولی نزدیک طلوع آفتاب در ماشین سقف دار به خواب رفتند و بعد از طلوع آفتاب بیدار شدند و ماشین را نگاه داشتند ، آیا برای مدتی که در حال سیر در زیر سقف بودند ،

کفاره دارد یا خیر ، والان که ایستاده اند و می خواهند پیاده شوند ، چه حکمی دارد؟

ج: برای مدتی که خواب بوده اند ، یا ماشین ایستاده کفاره واجب نیست ، ولی اگر بعد از بیدار شدن و التفات و قبل از

ایستادن ماشین استظلال شده ولو اضطراراً ، کفاره واجب است.

س ۲۸: در حال احرام وقتی ماشینهای بی سقف حرکت می کند و سفر انجام می شود ، آیا پیاده و سوار شدن از ماشین در حالی که ایستاده است، در صورتی که مستلزم گذشتن از زیر سقف قسمت جلو ماشین است ، چه حکمی دارد؟

**ج: مانع ندارد**

س ۲۹: آیا استظلال مربوط به سایه و حاصل از تابش عمودی خورشید است یا حاصل از تابش مایل خورشید راهم شامل می شود؟

**ج: فرقی نمی کند میزان استظلال نیست.**

س ۳۰: کندن دندان که بر محرم حرام است مقصود دندان خودش می باشد یا شامل دندان غیر هم میشود؟ و در تقدیر حرمت در صورت خون آمدن است یا مطلقاً؟

**ج: شامل دندان غیر نمی شود ، هرچند خون از آن بیرون آید.**

س ۳۱: آیا در حال احرام می توان دندان‌های را که شدیداً درد دارد و دکتر سفارش می کند که آن را بکشید ، کشید ، گرچه باعث خونریزی شود؟

ج: اگر ضرورت دارد مانع ندارد، ولی کفاره دارد علی‌الاحوط.

س ۳۲: در بین مردم معروف است که محرم نباید به کسی دستور بدهد ، مثلاً نباید به کسی بگوید یک لیوان آب یا چای یا چیز دیگری به من بدهید و باید خودش بردارد ، آیا اگر دراحال احرام چنین درخواستی از دوست خود بکند گناه است یا نه؟ و در صورت گناه آیا کفاره هم دارد یا نه ؟

ج: اشکال ندارد.

#### استفتاءات طواف

س ۳۳: کسی در شوط ششم طواف ، نجاستی در بدن دیده و یقین کرده که از شوطهای قبل این نجاست در بدن او بوده است، بدون توجه به مسأله طواف را تکمیل کرده و بعداً بدن را تطهیر نموده و طواف را اعاده کرده است و عمره را تمام کرده است، آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

ج: باید مقداری از طواف را که بعد از یقین به نجاست باقی مانده اعاده کند و بعد نماز طواف بخواند ، و ظاهر این است که از احرام خارج شده و با اتمام طواف و نماز طواف مذکور ، عمل صحیح است.

س ۳۴: کسی در اثناء طواف آن را قطع کرده و از اول شروع کرده است آیا طواف او صحیح است یا خیر و چنانچه اعمال مترتبه و تقصیر را انجام داده وظیفه او چیست؟

ج: همان طوافی که از سر گرفته کفایت میکنند.

س ۳۵: کسی در شوط آخر محدث شده است و بدون طهارت شوط را اتمام کرده و بعد وضو گرفته و طواف را اعاده نموده است و نماز و سعی و تقصیر را انجام داده است آیا صحیح است و وظیفه او چیست؟

ج: باید قسمتی از طواف را که بی وضو انجام داده با وضو بجا آورد و بعد از آن نماز طواف بخواند.

س ۳۶: کسی در وقت طواف شک در اشواط پیدا کرد چون گمانش به یک طرف بیشتر بود بنا را بر آن طرف گذاشت و

بعد از انجام اعمال یقین به صحت طواف خود پیدا کرد ، آیا طواف او صحیح است ؟

ج: صحیح است.

س۳۷: کسانی در طواف بعد از انجام مقداری از آن ، آن را رها می کنند و بلا فاصله از نو شروع می کنند ، طواف آنها چه صورت دارد ، و چنانچه در سعی بوده حکم چیست؟  
ج: اشکال دارد و اگر بعد از شوط چهارم طواف بوده باید آن را اتمام کند و نماز بخواند و دو مرتبه طواف و نماز را اعاده نمایند.

س۳۸: در باره اشخاصی که قادر به طواف نیستند آیا نایب گرفته شود یا خودشان در تخت روان طواف داده شوند ، با در نظر گرفتن اینکه متصدیان وسیله نامبرده ، در خارج محدوده مطاف طواف می دهند؟

ج: طواف دادن در خارج مطاف کفایت می کند.

س۳۹: شخصی در حال طواف اشتبهاً بقصد طواف وارد حجر اسماعیل (ع) می شود و بعد که متوجه شد برمی گردد و از همان جا که وارد حجر شده بود طواف را شروع و شوط را کامل می نماید، آیا طوافش صحیح است یا نه ؟

ج: اشکال دارد. بلی، اگر پس از تذکر در حجر اسماعیل از حجر الاسود بقصد احتیاط شوط را اعاده می کرد، و از محلی که وارد حجر شده قاصد جدی طواف بود، طوافش اشکال نداشت.

س ۴۰: اگر در حال طواف یا سعی یا در نماز شک کند که شوط چندم و یا رکعت چندم است، و با همین حال طواف و سعی و نماز را ادامه دهد، بعد به یک طرف شک یقین کند، و اعمال را تمام نماید، آیا عملش به نحوی که ذکر شد صحیح است؟

ج: اگر طواف یا سعی را در حال شک ادامه داد و بعد یقین به صحت پیدا کرد اشکال ندارد، طواف و سعی صحیح است، ولی در نماز بدون تروی محل اشکال است، و احوط اعاده آن است.

س ۴۱: در مطاف چیزهایی از افراد می افتد از قبیل ساعت، احرامی و غیره، و کسانی که طواف می کنند پا روی آن می گذارند، آیا برای طواف ضرر ندارد و موجب بطلان آن نمی شود؟

ج: موجب بطلان طواف نمی شود.



س ۴۲: اگر انسان می داند که پا گذاشتن روی احرامی دیگران موجب اذیت و عدم رضایت او می گردد ، آیا این عدم رضایت او به طواف ضرر ندارد؟  
ج: به طواف ضرر نمی زند.

س ۴۳: شخصی که با پول خمس نداده لباس احرام بخرد و با آن محرم شده و طواف و نماز بجا آورد ، وظیفه اش چیست؟

ج: اگر روی علم و عمد نبوده ، اصل عمره و حج او صحیح است ، ولی در صورتی که جاهل مقصر باشد باید طواف و نماز را اعاده کند.

س ۴۴: اگر با پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه لباس احرام بخرد ، آیا لازم است خمس آن را بدهد و اگر نداد طواف با آن چه صورت دارد؟

ج: با فرض شک لازم نیست خمس بدهد و طواف صحیح است هر چند احتیاط مطلوب است.

س ۴۵: زنی است که قادر به طواف کردن نیست ، امر دائر است بین اینکه با تخت در خارج مطاف، طواف دهند و یا

نامحرم او را پشت کند و در مطاف طواف دهد ، وظیفه چیست؟

ج: باید او را در مطاف ، طواف دهند ، هر چند نامحرم او را پشت کند.

س۴۶: اگر زنی به نیت عمره مفرده محرم و بعد از آن عادت شود و در همه روزهایی که می تواند در مکه باشد حیض است ، برای عمره مفرده باید چه کند ؟ و اگر آنجا اعمالی انجام نداده و فعلاً به ایران آمده ، چه وظیفه ای دارد؟  
ج: در فرض سؤال باید برای نماز و طواف نایب بگیرد و بقیه اعمال عمره را خودش بجا آورد ، و چنانچه به ایران آمده اقدام کند و برگردد و اگر نمی تواند، برای اعمال عمره نایب بگیرد ولی باید خودش تقصیر کند و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال را بجا نیاورد آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده بر او حلال نمی شود.

س۴۷: کسی که وظیفه اش اتمام و اعاده طواف است ، اتمام کرد و مشغول اعاده بود که دوباره در یکی از شوطها طواف قطع شد مثل اول ، آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده نماید؟

ج: فرقی نیست.

س ۴۸: آیا بعض شوطهای طواف و سعی برای کسانی که قادر نباشند خودشان انجام دهند ، قابل نیابت است یا نه ؟

ج: بلی ، قابل است.

س ۴۹: اگر کسی قبل از حجر الاسود طواف را شروع نمود و به همانجا ختم کرد ، آیا طوافش باطل است؟

ج: بلی طواف باطل است.

س ۵۰: اگر هنگام خروج از مطاف ، بعد از پایان هفت شوط مقداری مسافت را بقصد جزئیت بجا بیاورد ، آیا مبطل طواف است؟

ج: اگر عمدی باشد مبطل است ، و در صورت سهو قطع کند ، و طوافش صحیح است.

س ۵۱: شخصی بیش از چهار شوط از طواف انجام نداد ، و بدون اینکه نماز طواف را بخواند سعی را شروع کرد و یکی دو شوط از سعی را انجام نداده قصیر نمود و از احرام خارج شد ، تکلیف او چیست؟

ج: اگر این شخص قصد هفت شوط طواف یا سعی را نداشته ، عملش باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند.

س ۵۲: کسی نتوانسته است بیش از دو شوط از طواف خود را انجام دهد، و بقیه اشواط را دیگری بجای او انجام داده است وظیفه او چیست؟  
ج: با فرض عذر حتی در آینده عمل مزبور صحیح است و نماز را بخواند.

س ۵۳: اگر کسی یک شوط طواف را از درون حجر بجا آورده و بقیه اعمال را انجام داده است تکلیف او چیست؟  
ج: باید یک شوط طواف و نماز طواف را اعاده کند، و اگر با اعتقاد صحت بوده بقیه اعمال صحیح است.

س ۵۴: اگر کسی جهلاً طواف را بیش از هفت شوط آورد و بقیه اعمال بعد از آن را بجا آورد، تکلیف او چیست؟  
ج: اگر از اول قصد بیش از هفت شوط را داشته، طواف و نمازش صحیح نیست، و باید آنها را اعاده کند، و ظاهراً اعاده بقیه اعمال لازم نیست ولی اگر قصد هفت شوط داشته و بعد از تمام شدن، زیاد کرده، پس اگر چهار شوط یا بیشتر زیاد کرده، احتیاط آن است که بقیه را تا چهارده شوط متمیم کند و یک نماز دیگر هم بجا آورد و طواف و نماز را اعاده کند، و اگر کمتر از چهار شوط زیاد کرده و

موالات عرفیه بهم خوده است احتیاط واجب اعاده طواف و نماز است و اگر موالات عرفیه بهم نخورده حکم صورت قبل را دارد .

س ۵۵: شخصی طواف خود را انجام داده است و بعداً دو شوط طواف رجاءاً برای جبران نقص احتمالی بجا می آورد ، آیا این عمل خلل به طواف او می رساند ؟  
ج: ضرر ندارد، ولی جبران نقص نمی کند.

س ۵۶: شخصی در اثناء طواف به خاطر تقبیل و لمس بیت الله الحرام از مسیر خود منحرف شده ، و می داند در بازگشت ، طواف را از همان نقطه که رها کرده بود ادامه داده است یا نه ، آیا طوافش صحیح است؟

ج: اگر ملتفت بوده که از همان محلی که طواف را رها کرده شروع کند ، و بعداً شک عارض شده ، حکم به صحت نماید ، و در غیر این صورت اکتفا به طواف مزبور محل اشکال است .

س ۵۷: شخصی در اثناء طواف بر اثر فشار جمعیت چند گام به جلو رانده شده است ، پس از آن به جای این که همان مقدار را جبران کند ، شوط دیگری آورد ، که مجموعاً هفت

شوط تمام و یک شوط ناقص می شود ، آیا این طواف صحیح است؟

ج: طواف او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند.

س ۵۸: کسی که وظیفه او وضوی جبیره ای و تیمم است اما از روی جهل ، بدون تیمم ، اعمال عمره را انجام داده است، وظیفه او چیست؟

ج: طواف و نماز آن باید اعاده شود.

س ۵۹: کسی که اشتبهاً طواف را از رکن یمانی شروع به همانجا ختم کرده و نماز طواف را خوانده و پس از آن متوجه شده ، حکمش چیست؟ و چنانچه در اثناء طواف متوجه شد و طوافش را به حجر الاسود ختم کند ، مقدار زیادی ، مضر به طوافش می باشد یا خیر؟

ج: طواف و نماز را باید اعاده کند ، و فرقی بین دو صورت نیست.

س ۶۰: کسی که می داند یا احتمال می دهد که مقداری از طوافش را بدون اختیار انجام می دهد ، یعنی جمعیت او را می برند ، آیا می تواند از اول نسبت به آن مقداری که

جمعیت او را می برند نیز قصد طواف کند و آن مقدار را مثل طواف سواره حساب کند.

ج: باید طواف را شروع کند ، و اگر در اثناء بدون اختیار او را بردند همان مقدار را جبران کند و طواف را ادامه بدهد .

س ۶۱: مواردی که باید احتیاطاً طواف را تمام کند و نماز طواف بخواند و طواف را با نمازش اعاده کند آیا اگر یک طواف بقصد اعم از تمام و اتمام (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده ، باطل بوده تمام هفت شوط را قصد طواف داشته باشد ، و چنانچه صحیح بوده به متمم آن قصد طواف داشته باشد ) انجام دهد و دو رکعت نماز بخواند ، کافی است یا خیر؟

ج: این عمل صحیح نیست و تردید در نیت است.

س ۶۲: شخصی چند متر از یک شوط را خراب کرده است و چون دقیقاً اول و آخر آن معلوم نیست ، یک شوط کامل از حجر الاسود شروع و به آنجا ختم می کند بقصد اینکه آنچه خراب شده به نجو صحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی مقدمه علمیه باشد، آیا این طواف صحیح است؟

ج: صحیح است ، مگر اینکه بعد از خراب شدن آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در این صورت طواف اشکال دارد.

س ۶۳: شخصی در شوط اول طواف بود که نماز جماعت شروع شد، طواف را قطع می کند و مشغول نماز می شود و پس از نماز طواف را از سر می گیرد و هفت شوط کامل به جا می آورد ، آیا طواف او صحیح است؟  
ج: اشکال دارد و باید طواف را اعاده نماید.

س ۶۴: شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس مینماید و از این تماس متلذذ می گردد ، آیا طواف او اشکال پیدا می کند یا نه ، تکلیف او چیست؟

ج: مضر به طواف نیست، واگر کاری که موجب کفاره است انجام داده باید کفاره بدهد

س ۶۵: اگر کسی در عدد اشواط طواف و سعی و عدد سنگهای رمی به دیگری اعتماد کند کافی است؟  
ج: اگر اطمینان به عدد پیدا کند مانع ندارد.

س ۶۶: شخصی به علت مریضی یا مسن بودن ، در دور اول طواف خسته شده و از مطاف بیرون آمد و بعد از کمی استراحت از همانجا که طواف را قطع نموده بود شروع می



کند ، آیا چون به دور چهارم نرسیده است طوافش چه حکمی دارد؟

ج: اگر موالات بهم نخورده صحیح است.

س ۶۷: آیا محرم قبل از انجام طواف واجب خود، چه طواف عمره یا حج و چه طواف نساء، می تواند همین طوافها را برای معذور نیابت کند؟

ج: مانع ندارد.

س ۶۸: آیا یقین به هل خوردن در حین طواف ، مصداق عدم امکان طواف در محدوده معین و مجوز برای تجاوز بغیر این محدوده می شود یا خیر؟

ج: شامل نیست.

س ۶۹: در صورتی که یقین دارد در حال طواف در محدوده معین با اجنبی یا اجنبیه برخورد می کند باز هم واجب است در محدوده معین طواف کند؟

ج: آنچه ذکر شده عذر نیست.

س ۷۰: بعضی از زنان به جهت خوردن قرص نظم عادت ماهانه شان برهم می خورد ؛ به طوری که گاهی در مدت طولانی مرتب خون و لک می بینند، آیا وظیفه این گونه زنان در حج چیست؟

ج: اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، ولو به این نحو که پس از خروج تا سه روز باطن فرج آلوده باشد، حکم حیض دارد، وگرنه باید به وظائف مستحاضه عمل کند.

س ۷۱: آیا مستحاضه کثیره باید برای طواف یک غسل، و برای نماز طواف غسل دیگر کند، یا یک غسل برای هر دو کافی است؟

ج: برای هر یک غسل لازم است، مگر آنکه از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز خون قطع باشد.

س ۷۲: زنی در حال طواف، مستحاضه قلیله می شود، وظیفه او چیست؟

ج: اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند، و اگر قبلاً بوده به احتیاط واجب پس از تجدید وضو و تطهیر، آن را اتمام و سپس اعاده نماید.

س ۷۳: زن مستحاضه ای بعد از غسل و وضو مشغول طواف می شود در اثناء طواف لک می بیند، وظیفه او چیست؟

ج: اگر خون او مستمر است و به وظیفه عمل کرده با تحفظ از خروج خون چیزی بر او نیست ، و در غیر این صورت حکم حدث جدید را دارد .

س ۷۴: زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد و با این کار فاصله ای بین اعمال پیش می آید که شاید طولانی هم باشد ، مثلاً باید برود منزل غسل کند و برگردد ، آیا این فاصله اشکال ندارد؟

ج: اگر خون قطع نمی شود برای هر یک از طواف و نماز باید غسل کند و وضو بگیرد ، و باید طوری باشد که بعد از غسل و وضو مبادرت به عمل نماید ، بنا براین اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند ، نزدیک مسجد الاحرام غسل کند و وضو بگیرد.

س ۷۵: زن مستحاضه که باید برای هر نماز و طواف غسل کند طبق وظیفه اش غسل کرد و یا وضو گرفت و طواف را شروع کرد، بین طواف نماز ظهر شروع شد، نماز را خواند ، و با همان طهارت اول ، بعد از نماز ، طواف را ادامه داد، آیا طوافش صحیح است؟

ج: اگر از هنگام غسل تا آخر طواف خون قطع بوده ، طواف صحیح است ، و در غیر این صورت احوط آن است که این طواف را تمام کند و پس از غسل اعاده نماید.

س۷۶: هر گاه زن قرشیه پس از شصت سال ، و غیر قرشیه پس از پنجاه سال ، چند روز متوالی خون ببیند که همه به اوصاف حیض باشد در طوافها و نماز چه کند؟

ج: حکم مستحاضه را دارد ، و حکم حیض بر خون مزبور مترتب نیست ، حتی در صورت توالی با داشتن صفات.

س۷۷: زنهایی که برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده می کنند که موقع طواف گرفتار حیض نباشند و ایام عادت ممکن است یک یا دو لکه کمرنگ ببینند ، آیا این خون استحاضه حساب است یا خون قروح و جروح ، و در هر صورت به طواف ضرر می زند یا خیر؟

ج: حکم استحاضه را دارد و باید به وظیفه مستحاضه عمل کنند ، و اگر در اثناء طواف لکه دیده تفصیلی بین ما قبل از تمام شدن دور چهارم و ما بعد آن هست که در مناسک ذکر شده است.

س ۷۸: محرمی است که مبتلا به خروج ریح است ، یعنی مرتب ریح از او جدا می شود و در عرض سال شاید یکی دو ماه فی الجمله تخفیف پیدا می کند ، ولی نوعاً به فاصله یکی دو دقیقه وضویش باطل می شود ، تکلیف چنین شخصی در طواف و نماز چیست ؟ چند وضو باید بگیرد؟

ج: حکم مبطلون را دارد ، و علی ای حال چنانچه نتواند در اثناء طواف وضو بگیرد یا حرجی باشد اکتفا به یک وضو برای طواف کافی است ، ولی اگر بتواند ولو با حمل آب در اثناء طواف وضو بگیرد واجب است تجدید وضو کند ، و همچنین است حکم در نماز طواف .

س ۷۹: کسی نیت طواف را در دل گذرانده و بقصد طواف حرکت می کند ، مقداری که می آید گمان می کند نیت طواف را باید به زبان بگوید ، لذا برمی گردد و نیت را با زبان می گوید و طواف را از نو شروع می کند ، آیا طوافش صحیح است یا خیر؟

ج: اشکال دارد.

س ۸۰: کسی به جهتی طواف یا سعیش قطع می شود و به جلو می رود می خواهد از همان جا که قطع شده شروع کند

ولی در اثر ازدحام نمی تواند خود را به آنجا برساند و در محاذی آنجا به طرف چپ یا راست قرار می گیرد، آیا می تواند از محاذی جایی که قطع شده شروع کند، یا باید همان نقطه باشد؟

ج: لازم نیست همان نقطه باشد، بلکه محاذات کافی است، و باید طواف تکمیل شود.

س ۸۱: قرآن که در طواف حرام است آیا طواف را باطل می کند یا خیر؟

ج: اگر از اول یا در اثناء طواف اول، قصد قرآن داشته باشد احتیاط در اعاده طواف است، و اگر بعد از تمام شدن طواف اول قصد قرآن کرده طواف باطل نمی شود.

س ۸۲: آیا یک شوط و دو شوط طواف هم استحباب دارد، یا باید طواف هفت شوط باشد، و اگر کسی گمان داشت که مستحب است و بعد از هفت شوط طواف واجب، یکی دو شوط طواف مستحبی بجا آورد و بعد، نماز طواف را خواند، آیا طوافش اشکالی دارد؟

ج: استحباب آن ثابت نیست، ولی طواف مزبور صحیح است.

س ۸۳: اینکه فرموده اید در بعضی موارد باید طواف و سعی را اتمام و اعاده کند ، بفرمائید که ترتیب هم لازم است یا نه؟

ج: بلی ، احتیاط به این است که قبلا اتمام کند طواف را و نماز بخواند ، و سپس اعاده نماید.

س ۸۴: کسی که در سعی یا طواف عمره تمتع یا عمره مفرده ، نیاز به نایب پیدا کرده است ، آیا نایب باید در حالی که محرم است ، نیابت کند یا خیر؟ بر فرض عدم لزوم احرام آیا باید با لباس احرام طواف کند یا در لباس مخیط هم جایز است؟

ج: هیچیک از احرام با لباس احرام در نایب لزوم ندارد.

س ۸۵: شخصی مسلوس است ، برای طواف و نماز آن ، وظیفه او چیست؟

ج: اگر وقتی دارد که بتواند طواف را با وضو و نماز را با وضو انجام دهد باید آن وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدن پاک بجا آورد و بقیه اعمال را بعد از آن اتیان نماید ، و اگر چنین وقتی ندارد در صورتی که مشقت نداشته باشد برای هر بار که حدث از او صادر شود یک وضو

بگیرد و اگر مشقت دارد برای طواف یک وضو و برای نماز هم یک وضو بگیرد .

س۸۶: آیا در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود لازم است با لباس احرام باشد ؟

ج: لازم نیست.

س۸۷: هرگاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد و با لباس دوخته اعمال عمره را از طواف و سعی انجام دهد، جهلاً و یا عمداً ، آیا طواف و سعی او صحیح است و عمره او مجزی است یا نه؟

ج: طواف و سعی مذکور صحیح و عمره مذکور مجزی است.

س۸۸: آیا حجاب زن در طواف مثل حجاب او در نماز است یا فرق می کند؟

ج: فرق می کند ، و فقط وجه و کفین در طواف مستثنی است علی الاحوط .

س۸۹: اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او که باید در حال طواف بپوشاند ظاهر باشد ، آیا به طواف



او ضرر می زند یا نه؟ و اگر با ظاهر بودن موی سر طواف را انجام داده طواف او باطل است یا نه؟  
ج: اگر عمدی باشد، طواف صحیح نیست علی الاحوط و در غیر مورد عمد صحیح است، مگر در جاهل مقصر علی الاحوط.

س ۹۰: شخصی در عمره طواف را تمام کرده است، ولی می گوید دلچسب نشد لذا یک طواف دیگر بدون خواندن نماز طواف اول بجا می آورد و نماز و سعی بجا می آورد و تقصیر می کند آیا عملش صحیح است یا نه؟  
ج: عمل او صحیح است، هر چند داخل در قران حرام است.

س ۹۱: گاهی انسان شک می کند که این شوط طوافم به هم خورد یا نه، آیا می شود بعد از طواف یک شوط هم به عنوان احتیاط، اضافه بر هفت شوط آورد و بعد نماز بخواند یا خیر؟

ج: به وسوسه نباید اعتنا کرد، و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند همان قسمت باید تصحیح شود، و ادامه بعد از آن بقصد طواف، بدون تصحیح آن قسمت، موجب اشکال

در طواف می شود، و با آوردن یک شوط بعد از طواف احتیاطاً، اشکال رفع نمی شود.

س ۹۲: شرایطی که در طواف واجب، لازم الرعایه است آیا در طواف مستحبی نیز معتبر است یا نه؟  
ج: ظاهر آن است که آنچه در مناسک استثناء نکرده معتبر است.

س ۹۳: در طواف مستحبی زنان می دانند که به بدن مردان نگاه می کنند و احیاناً هم در بین فشار مردان قرار می گیرند، از نظر شرع اشکال ندارد؟

ج: اگر اختیارات نگاه به نامحرم نکنند اشکال ندارد، ولی در ازدحام بهتر است مراعات کنند، و در هر صورت طواف صحیح است.

س ۹۴: محرم وارد مکه شد، آیا می تواند قبل از اعمال عمره تمتع یا قبل از اعمال عمره مفرده، و همچنین پس از محرم شدن به احرام حج تمتع و قبل از رفتن به عرفات، طواف مستحبی بجا آورد یا خیر؟ و اگر بجا آورد به عمره و حجش ضرر می زند یا خیر؟

ج: احوط ترک طواف مستحبی است در فرض سؤال ، ولی  
به عمره و حج ضرر نمی زند.

س ۹۵: آیا می شود هر شوط از طواف مستحب را به نیت  
یکی از مؤمنین بجا آورد ، یا باید مجموع هفت شوط را  
برای یک نفر بجا آورد؟

ج: نیابت در یک شوط صحیح نیست ، ولی می تواند  
مجموع را به نیت چند نفر انجام دهد.  
استفتائات نماز طواف

س ۹۶: آیا طواف در عمره مفرده استحبابی حکم طواف  
واجب را دارد که باید نماز آن خلف مقام باشد یا حکم طواف  
استحبابی را دارد و در هر جای مسجد الحرام می توان نماز  
آن را خواند؟

ج: حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن، خلف مقام  
باشد.

س ۹۷: کسی نماز طواف عمره را در داخل حجر اسماعیل  
بجا آورده و بعد از تقصیر متوجه شده است ، وظیفه او  
چیست؟

ج: باید نماز را اعاده کند.

س ۹۸: شخصی بعد از طواف وضوی او باطل شده و خجالت کشیده که بگوید نمازش را بی وضو خوانده است و بعد از آن سعی و تقصیر را انجام داده و محل شده است ، وظیفه او چیست ؟

ج: باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

س ۹۹: کسی که هر چه سعی نمود که موارد غیر صحیح قرائت خود را تصحیح کند نتوانست و نیز شخصی دیگر را جهت اقتدا کردن و یا تلقین نمودن قرائت صحیح پیدا نکرد وظیفه اش چیست؟

ج: به هر نحو قدرت دارد بخواند ، و به جماعت خواندن حتی در فرض امکان واجب نیست .

س ۱۰۰: در موقعی که شخصی طواف می کرده جمعیت زیاد بوده و بعد از آن در اثر ازدحام ، نتوانسته است که نزدیک مقام نماز بخواند و در آن وقت چاره ای به غیر از نماز خواندن دور از مقام نداشته ، آیا نماز او صحیح است یا خیر؟

ج: در صورت ازدحام نماز خواندن در غیر پشت مقام مانعی ندارد.

س ۱۰۱: برای کسانی که قرائتشان درست نیست و می خواهند نماز طوافشان را به جماعت بخوانند ، آیا می توانند نماز طواف حج را به نماز طواف نساء یا بالعکس و یا کسی که نایب است به کسی که نایب نیست ، و یا نماز طواف واجب را به مستحب و بالعکس اقتدا کنند یا نه ؟

ج: اکتفا به جماعت نباید بکنند ، و احتیاط در همه موارد سؤال حاصل می شود.

س ۱۰۲: در نماز طواف که انسان مشغول ذکر بوده او را حرکت دادند ، ذکر را تکرار کرد ، دوباره تکان دادند و تکرار کرد ، آیا مانعی ندارد؟

ج: اگر طوری حرکت کرده که استقرار او از بین رفته ، مانع ندارد، و در غیر این صورت تکرار نکند مگر بقصد احتیاط ، به شرط آنکه وسوسه نباشد.

س ۱۰۳: آیا محمول نجسی که در طواف معفو نیست ، در نماز طواف مثل نماز های یومیه معفو است یا نه؟

ج: در نماز طواف حکم نماز های یومیه را دارد.

س ۱۰۴: بین طواف و نماز آن اگر نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگر بجا آورد، اشکال دارد یا نه؟

ج: احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است.

س ۱۰۵: گاهی در پشت مقام ابراهیم جمعیت زیاد است و چون زن و مرد کنار هم قرار می گیرند احیاناً مورد فشار ازدحام واقع می شوند ، بدون این که ریبه و فسادى در بین باشد ، آیا به نماز طواف ضرر نمى رساند ؟

ج: برای نماز ضرر ندارد.

س ۱۰۶: احیاناً انسان می داند که اگر نماز طواف را شروع کند ، طواف کننده ها می آیند و او را حرکت می دهند و جابجا می کنند ، و در عین حال نماز را شروع می کند ، آیا اگر این نماز را تمام کند ، صحیح است؟

ج: اگر صحیحاً تمام کند، مانعی ندارد

س ۱۰۷: کسی که نمازش را غلط می خواند و وقت تصحیح آن را ندارد می فرماید نماز طواف را به همان کیفیت که می تواند خودش بخواند، آیا چنین کسی می تواند عمره مفرده مستحبی بجا بیاورد؟

ج: اشکال ندارد.

س ۱۰۸: شخصی طواف عمره را بجا آورده و بدون نماز و سعی ، تقصیر کرده است ، تکلیف او چیست؟

ج: باید نماز و سعی را بجا آورد ، و با فرض جهل یا نسیان اعاده تقصیر لازم نیست اگر چه احوط است.

س ۱۰۹: آیا مقصود از «نماز طواف نزد مقام» پشت مقام است یا شامل دو طرف مقام نیز می شود؟

ج: باید خلف مقام باشد.

س ۱۱۰: اگر کسی نماز را در غیر از مقام ابراهیم بخواند و با اعتقاد به صحت آن بقیه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟

ج: اعاده نماز هم لازم نیست.

س ۱۱۱: آیا نماز طواف واجب را می توان با نماز جماعت یومیه بجا آورد؟

ج: صحت آن محل اشکال است.

س ۱۱۲: پشت مقام تا چه اندازه ای صادق است، و آیا حد معینی نمی توان برای آن فرض کرد؟

ج: عرفی است.

س ۱۱۳: آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز به مقدار دو رکعت نماز اشکال دارد، و اصولاً چه مقدار فاصله مخل است؟

ج: مانع ندارد، و میزان مبادرت عرفیه است و در هر صورت با تأخیر نماز، اعاده طواف لازم نیست.

س ۱۱۴: گاهی طواف تا نزدیک تالارهای مسجد می رسد، آیا در این صورت می شود نماز طواف را پشت سر طواف کنندگان بجا آورد، و آیا صدق پشت مقام می نماید؟  
ج: صدق خلف، به نظر عرف است.

#### استفتائات سعی

س ۱۱۵: اگر از مروه شروع و به صفا ختم کرده و بعد فهمیده است، وظیفه او چیست به خصوص اگر تقصیر کرده باشد؟

ج: باید سعی را اعاده کند و اگر تقصیر نکرده تقصیر کند.  
س ۱۱۶: کسی بعد از اتمام شوط ششم سعی در صفا گمان تمام شدن هفت شوط را کرد، و تقصیر نمود ولی فوراً به او گفته اند که باید یک شوط دیگر بیاوری او هم انجام داد و بعد بار دیگر تقصیر نمود، آیا عمل او صحیح است یا خیر، و کفاره دارد یا نه؟

ج: عمل صحیح است و کفاره ندارد.

س ۱۱۷: کسی در اثناء سعی برای آب خوردن از مسیر منحرف شده و پس از خوردن آب ادامه داده است چه صورت دارد؟



ج: اگر سعی را قطع نکرده و به نیت سعی حرکت را ادامه داده است و در بین راه آب خورده ، یا اگر قطع کرده از جایی که سعی را قطع کرده یا محاذی آن سعی را تمام کرده صحیح است.

س ۱۱۸: کسی که طواف و نماز آن را انجام داده و سعی را به روز بعد یا روزهای بعد به تأخیر انداخته است آیا طواف و نماز را باید اعاده کند ؟

ج: لازم نیست ولی اختیاراً نباید سعی را به روز بعد تأخیر بیندازد.

س ۱۱۹: آیا زنهایی که از جهت عادت ماهانه برای طواف نایب می گیرند در سعی هم می توانند نایب بگیرند؟

ج: محل سعی مسجد نیست و سعی را باید خودشان بجا آورند با مراعات ترتیب بین طواف و سعی.

س ۱۲۰: اگر کسی یقین کند که هفت شوط سعی بین صفا و مروه را تمام کرده است ولی بعد از تقصیر متوجه می شود که پنج شوط بوده ، اولاً آیا کل سعی را باید از سر بگیرد یا دو شوطی را که ناقص بوده است باید تکمیل کند ؟ و ثانیاً آیا تقصیر هم باید بکند ، یا تقصیر اول کافی است؟

ج: باید سعی را اتمام کند، و احتیاطاً تقصیر را اعاده نماید، گرچه وجوب این احتیاط معلوم نیست.

س ۱۲۱: بین صفا و مروه طوری است که از یک طرف می روند و از طرف دیگر آن برمی گردند، یعنی بین رفت و برگشت دو سه متری فاصله است، آیا اگر امکان باشد از همان مسیری که به صفا رفته، به مروه برود اشکال دارد؟

ج: اشکال ندارد ولی نباید مزاحم دیگران شود.

س ۱۲۲: شخصی در حال سعی کردن بود، یک وقت دید مقداری را که برای هروله علامت گذاری کرده اند به طور عادی سیر کرده است، گمان می کرد لازم است هروله کند و لذا برگشت و مقداری را که عادی رفته بود، با هروله تکرار کرد، آیا سعیش اشکال دارد؟

ج: اشکال ندارد.

س ۱۲۳: آیا سعی کردن از همانجا که مریض ها را با چرخ می برند و برمی گردانند (یعنی حدود دو متر بالاتر از ابتدای سرا شیبی شروع می کنند) صحیح و کافی است؟ یا حتماً باید از اول کوه صفا شروع و در مروه هم به سنگهای سیاه بعد از سنگهای صاف که بقایای کوه است برسند؟

**ج: سعی باید بین دو کوه باشد و احراز شود، و لازم نیست بالا برود.**

س ۱۲۴: در مناسک فرموده اید کسی که بین صفا و مروه ، سعی می کند واجب است در هنگامی که به طرف مروه در حرکت است توجهش به مروه باشد، و بالعکس ، آیا این وجوب توجه، تکلیفی است و یا وضعی و تکلیفی؟

**ج: وضعی است .**

س ۱۲۵: زیادی در سعی جهلاً ، آیا حکم زیادی سهوی را دارد یا عمدی ؟

**ج: محل اشکال است.**

س ۱۲۶: کسی که نمی تواند بدون سوار شدن در چرخهای معمولی در مسعی سعی کند لکن تمکن مالی ندارد ، چون ارز خود را صرف سوغات کرده وظیفه اش چیست؟

**ج: اگر می تواند با چرخ سعی کند ولو با فروش چیزی یا قرض باید خودش سعی کند و استنابه صحیح نیست مگر آن که مشقت و حرج در کار باشد.**

س ۱۲۷: شخصی شوط سوم سعی را بهم زد و با فاصله اندکی هفت شوط دیگر بجا آورد ، و تقصیر نمود ، آیا این سعی صحیح است؟

### ج: اشکال ندارد

س ۱۲۸: شخصی به اعتماد اینکه هر شوط سعی رفت و برگشت از صفا به مروه است سعی را شروع می کند و در شوط سوم متوجه مسأله می شود و سعی خود را به هفت شوط خاتمه می دهد، آیا سعی او چه حکمی دارد؟

ج: سعی او صحیح است.

س ۱۲۹: شخصی در حال سعی گاهی عقب عقب به طرف مروه و یا صفا رفته است، تکلیف چیست؟

ج: باید آن مقدار را تدارک کند، و اگر از آن محل گذشته سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است.

س ۱۳۰: شخصی سعی بین صفا و مروه را پنج دور رفت و برگشت که مجموعاً ده شوط می شود انجام داده است، و آنگاه که متوجه مسأله شد سعی را از همان جا قطع نمود و تقصیر کرد، تکلیف چیست؟

ج: در فرض سؤال احوط اعاده سعی است.

س ۱۳۱: شخصی به تصور اینکه سعی نیز نیاز به وضو دارد بعد از یک شوط و نیم سعی خود را قطع می کند و

وضو می گیرد و هفت شوط دیگر سعی می نماید ، تکلیف او چیست ؟

ج: اشکال دارد ، و باید سعی را اعاده کند.

س ۱۳۲: اگر کسی سعی را به طور کلی فراموش کرد و تقصیر نمود ، تکلیف او چیست ؟

ج: اشکال ندارد.

س ۱۳۳: اگر کسی قبل از رسیدن به مروه ، در آوردن هفت و نه شک کرد ، تکلیف او چیست ؟

ج: مبطل است ، و باید سعی را اعاده کند .

س ۱۳۴: آیا موالات در تمام اشواط سعی معتبر است ، و یا اختصاص به بعض دارد؟

ج: در سعی موالات معتبر نیست مگر شوط اول تمام نشده باشد ، که در صورت فوات موالات احتیاطاً از سر بگیرد.

س ۱۳۵: اگر در سعی بعضی از مواضع بدن زن غیر از وجه و کفین پیدا باشد آیا به سعی او ضرر می زند یا نه ؟

ج: ضرر نمی زند.

س ۱۳۶: شخصی در حال سعی در عدد اشواط شک می کند و با حال تردید به سعی خود ادامه می دهد و در فکر

است که عدد را ضبط کند، پس از تأمل و بعد از آنکه صد متر سعی کرده یا وارد شوط بعدی شده است یقین به عدد حاصل می شود و با یقین، باقی سعی را هم انجام می دهد، آیا این سعی صحیح است یا نه؟

ج: صحیح است.

س ۱۳۷: شخصی در اثناء عمره مفرده، در شوط پنجم سعی، مریض شده و نتوانسته است عمره را تمام کند، او را به ایران برده اند و بعد از بهبودی هم نتوانسته به مکه بیاید فعلاً وظیفه او چیست؟ توضیح آنکه کسی نایب شده که وظیفه او را انجام دهد و عملی را که وظیفه او است و او را از احرام خارج می کند بجا آورد.

ج: با فرض اینکه خود شخص نمی تواند مراجعت کند، نایب برای خروج منوب عنه از احرام، سعی را تمام کند و آن را اعاده نماید و به منوب عنه خبر دهد که تقصیر نماید و بعد از تقصیر برای طواف نساء نایب بگیرد و توضیح آنکه مسأله از موارد حصر نیست، چون شخص مریض فعلاً خوب شده و اینکه نمی تواند به مکه بیاید از جهت مرض نیست.

### استفتائات تقصیر

س ۱۳۸: آیا کسی که تقصیر او محکوم به بطلان است و بعد از آن محرمات احرام را بجا آورده و جاهل به مسأله بوده کفاره دارد یا خیر؟

ج: با جهل کفاره ندارد مگر در صید به تفضیلی که در کتب ذکر شده است.

س ۱۳۹: اگر کسی تقصیر عمره مفرده را فراموش کرد ، آیا می تواند در هر جایی تقصیر کند یا نه؟ زیرا به ایران باز گشته است ، و آیا نیازی به طواف نساء مجدد هست؟

ج: تقصیر را در هر جا می تواند انجام دهد ، ولی باید طواف نساء را اعاده کند ، و اگر خودش نمی تواند برود ، نایب بگیرد.

س ۱۴۰: هر گاه سنی برای شیعه تقصیر نماید چه صورت دارد؟

ج: اشکال ندارد.

س ۱۴۱: شخصی بعد از طواف و نماز طواف تقصیر کرد و سپس سعی را بجا آورد و دوباره تقصیر کرد وظیفه اش چیست ؟

ج: اگر جاهل یا ساهی بوده چیزی بر او نیست.

س ۱۴۲: کسی که بعد از انجام اعمال عمره در منزل تقصیر کرده است ، وظیفه اش چیست ؟  
ج: مانع ندارد.

س ۱۴۳: در عمره مفرده اگر کسی تقصیر را عمداً یا از روی جهل و نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد، چه وظیفه ای دارد؟

ج: باید تقصیر نماید و طواف نساء را اعاده نماید ، و فرقی بین صور عمد و سهو و علم و جهل نیست علی الاحوط .  
س ۱۴۴: اگر تقصیر را در عمره مفرده جهلاً یا نسیاناً بجا نیاورد و طواف نساء را نیز ترک کرده و بعد رفته است به مسجد شجره برای عمره تمتع محرم شده و عمره تمتع را بجا آورده و بعد متوجه نقض کار خود شده است ، تکلیف این شخص با داشتن فرصت برای اعاده عمره تمتع و نداشتن فرصت چیست؟

ج: در فرض مرقوم چنانچه عمره مفرده را در شهر حج بجا آورده و می خواهد حج مستحبی بجا آورد می تواند عدول به عمره تمتع کند چه وقت برای اعاده عمره تمتع داشته باشد یا نه ، ولی اگر حج واجب باشد کفایت نمی کند علی الاحوط



و باید پس از تقصیر صحیح به میقات برود و برای عمره تمتع مجدداً محرم شود.

#### استفتائات طواف نساء

س ۱۴۵: کسی که عمره مفرده انجام می داد بدون اینکه تقصیر کند طواف نساء را بجا آورد ، آیا وظیفه او چیست ، و عمره او باطل است یا نه؟

ج: عمره باطل نمی شود لکن باید بعد از تقصیر ، طواف نساء را اعاده نماید ، و بدون آن حرمت نساء باقی است.

س ۱۴۶: شخصی پس از مراجعت از مکه شک می کند که طواف نساء حج یا عمره مفرده را بجا آورده یا نه ، چه وظیفه ای دارد؟

ج: اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشته ، باید طواف نساء را انجام دهد ، و همچنین است در صورت التفات علی الاحوط ، بلکه خالی از قوت نیست.

س ۱۴۷: شخصی طواف نساء عمره مفرده را فراموش و بعد برای عمره تمتع محرم شده است ، آیا طواف نساء فراموش شده را بعد از انجام اعمال عمره تمتع ، بجا آورد یا قبل از آن؟

ج: می تواند بعد از انجام اعمال عمره تمتع بجا آورد ، و اگر تأخیر بیندازد ، طواف نساء حج کفایت از آن می کند.  
س۱۴۸: کسی که طواف نساء عمره مفرده را بجا نیاورده و بعد از آن حج افراد بجا می آورد آیا طواف نساء حج افراد کفایت می کند؟

ج: کفایت می کند

س۱۴۹: شخصی عمره مفرده بجا آورده و بدون انجام طواف نساءبه مدینه آمده است ، فعلاً می خواهد برای عمره تمتع محرم شود ، آیا جایز است بدون انجام طواف نساء محرم شود و بعد از انجام عمره تمتع ، طواف نساءرا بجا آورد؟

ج: مانع ندارد و همچنین کسی که پس از انجام حج تمتع طواف نساء را ترک کرده ، می تواند برای عمره مفرده محرم شود.

استفتائات مسائل متفرقه

س۱۵۰: در صورتی که شخص نمازگزار وارد یکی از مساجد مدینه منوره و یا مکه معظمه شد و مشاهده کرد که جماعت خاتمه یافته است ولی نمازگزاران در مسجد هستند ، آیا می تواند نماز را فرادی بر طبق شرایط موجود بجای

آورد یا باید بیاید مسافرخانه و یا هتل و نمازش را با چیزی که سجده بر آن صحیح است انجام دهد؟

ج: می تواند در همانجا و بر طبق نماز آنانجا آورد.

س ۱۵۱: حصیر هایی که در حجاز مورد استفاده حجاج ایرانی و غیر ایرانی واقع می شود سجده بر آن جایز است یا خیر ، با ملاحظه اینکه حصیر مزبور با نخ مخلوط است؟

ج: اگر عرفاً روی حصیر سجده می شود مانع ندارد.

س ۱۵۲: اگر انجام نماز به کیفیتی باشد که معلوم نیست موافق نظر اهل سنت باشد ،مانند سجده بر پشت نمازگذاران صف جلو ، و عدم رعایت اتصال و... آیا نماز در این گونه موارد باید اعاده شود؟

ج: اعاده دارد .

س ۱۵۳: آیا حائض و جنب می توانند از مقدار توسعه یافته مسجد الحرام و مسجد النبی (ص) عبور کنند یا خیر؟

ج: نمی توانند.

س ۱۵۴: کسانی که برای شرکت در نماز مغرب در مکه و مدینه وارد مساجد می شوند و نمازهای خود را با جماعت می خوانند ، آیا جایز است بلافاصله بعد از نماز جماعت نماز عشاء را بخوانند یا نه ؟

ج: مانع ندارد ،و اگر وقت نشده باید صبر کنند.

س ۱۵۵: کسی خیال می کرد که ر سنگهای فرش شده در مسجد الحرم - زاده الله شرفاً - سجده صحیح نیست و بر پشت دست سجده می کرده است ، آیا نمازهایی که این نحو خوانده چه حکمی دارد؟

ج: صحیح نیست مگر جاهل قاصر باشد.

س ۱۵۶: در تطهیر مسجد الحرام به نحوی که عین نجاست را برطرف می کنند و بعد با ظرف آب میریزند و می شویند و از هر طرف با آب قلیل شسته می شود ، انسان به نجاست تمام مسجد علم عادی پیدا می کند ، آیا جواز سجده بر آن سنگها از باب عسر و حرج است یا جهت دیگر؟

ج: علم پیدا نمی شود ، و با فرض شک نباید اعتناء شود.

س ۱۵۷: اگر شخصی در مکه یا مدینه پول سعودی پیدا کند که نمی داند متعلق به ایرانی است یا غیر ایرانی ، وظیفه او چیست؟

ج: با یأس از پیدا شدن صاحبش از طرف او به فقیر صدقه بدهد علی الاحوط.

س ۱۵۸: اگر شخصی مبلغی ارز به فردی بدهد که عوض آن را - به قیمت دولتی یا آزاد- پول ایرانی بگیرد ، چه حکمی دارد؟

ج: در تبدیل پول باید با هم تراضی نمایند و خلاف مقررات هم نباشد.

س ۱۵۹: آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی که در بازار مسلمین به فروش می رسد ، جایز است یا نه؟  
ج: اگر ندانند از کجا وارد شده یا بدانند که از بلاد مسلمین است مانع ندارد ، و اگر بدانند از بلاد کفر وارد می شود ، در صورتی محکوم به حلّیت است که وارد کننده مسلمان باشد و احتمال بدهند که احراز تزکیه آن را کرده و در دسترس مسلمین قرار داده است.



## فهرست

|         |                                      |
|---------|--------------------------------------|
| ۵.....  | اقسام عمره مفرده.....                |
| ۵.....  | واجب اصلی.....                       |
| ۶.....  | واجب تبعی.....                       |
| ۷.....  | مستحب.....                           |
| ۸.....  | فاصله زمانی بین دو عمره.....         |
| ۱۱..... | خمس و زکات و احکام آنها در عمره..... |
| ۱۴..... | عمره کودکان.....                     |
| ۱۷..... | اعمال عمره مفرده.....                |
| ۱۷..... | احرام.....                           |
| ۱۸..... | میقات (محل احرام).....               |
| ۲۳..... | نیت.....                             |
| ۲۴..... | لباس احرام.....                      |
| ۲۷..... | تلبیه.....                           |
| ۳۰..... | مستحبات احرام.....                   |
| ۳۳..... | مکروهات احرام.....                   |
| ۳۵..... | محرمات احرام.....                    |
| ۳۶..... | آمیزش.....                           |
| ۳۷..... | بوسیدن.....                          |
| ۳۷..... | لمس کردن.....                        |
| ۳۸..... | نگاه کردن.....                       |
| ۳۹..... | عقد کردن.....                        |
| ۳۹..... | استمناء.....                         |
| ۳۹..... | پوشاندن سر.....                      |
| ۴۱..... | پوشیدن لباس دوخته.....               |

|         |                                 |
|---------|---------------------------------|
| ۴۳..... | پوشاندن تمام روی پا             |
| ۴۳..... | پوشاندن صورت                    |
| ۴۴..... | استعمال عطریات                  |
| ۴۵..... | زینت                            |
| ۴۷..... | نگاه کردن در آینه               |
| ۴۷..... | مالیدن روغن و پماد چرب          |
| ۴۸..... | ناخن گرفتن                      |
| ۴۸..... | ازاله مو                        |
| ۴۹..... | سایه قرار دادن                  |
| ۵۱..... | فسوق                            |
| ۵۱..... | جدال                            |
| ۵۲..... | بیرون آوردن خون از بدن خود      |
| ۵۲..... | کندن دندان                      |
| ۵۲..... | کشتن حشرات بدن                  |
| ۵۲..... | سلاح برداشتن                    |
| ۵۳..... | کندن گیاهان و درختان حرم        |
| ۵۳..... | شکار حیوانات وحشی               |
| ۵۴..... | مستحبات دخول حرم                |
| ۵۵..... | آداب دخول مسجدالحرام            |
| ۶۲..... | طواف                            |
| ۶۵..... | نیت                             |
| ۶۶..... | طهارت                           |
| ۷۲..... | طهارت بدن و لباس                |
| ۷۴..... | ستر عورت                        |
| ۷۴..... | مختون بودن                      |
| ۷۴..... | انجام هفت دور متوالی و پی در پی |



|          |                                    |
|----------|------------------------------------|
| ۸۲.....  | محدوده طواف (مطاف).....            |
| ۸۳.....  | جهت گردش به دور کعبه.....          |
| ۸۴.....  | طواف مستحبی.....                   |
| ۸۶.....  | مستحبات طواف.....                  |
| ۹۱.....  | نماز طواف.....                     |
| ۹۲.....  | شرایط صحت نماز طواف.....           |
| ۹۲.....  | نیت.....                           |
| ۹۳.....  | کیفیت نماز طواف.....               |
| ۹۳.....  | وقت نماز طواف.....                 |
| ۹۴.....  | شرایط نماز طواف.....               |
| ۹۷.....  | محل نماز طواف.....                 |
| ۹۹.....  | سعی.....                           |
| ۱۰۱..... | شرایط صحت سعی.....                 |
| ۱۰۱..... | نیت.....                           |
| ۱۰۳..... | محل شروع و پایان و مسیر سعی.....   |
| ۱۰۴..... | توجه به صفا و مروه در حال سعی..... |
| ۱۰۴..... | وقت انجام سعی.....                 |
| ۱۰۹..... | مستحبات سعی.....                   |
| ۱۱۷..... | حلق یا تقصیر.....                  |
| ۱۱۸..... | شرایط صحت حلق یا تقصیر.....        |
| ۱۱۸..... | نیت.....                           |
| ۱۱۸..... | کیفیت حلق یا تقصیر.....            |
| ۱۱۹..... | وقت حلق یا تقصیر.....              |
| ۱۲۱..... | طواف نساء.....                     |
| ۱۲۳..... | نماز طواف نساء.....                |
| ۱۲۵..... | طواف وداع.....                     |

|     |  |
|-----|--|
| ۱۲۵ | مصدود و محصور.....   |
| ۱۲۷ | احكام كفارات.....  |
| ۱۲۸ | متفرقات.....   |
| ۱۳۷ | زيارت رسول خدا (صلى الله عليه وآله).....                           |
| ۱۳۷ | اذن دخول.....  |
| ۱۳۹ | زيارت پيامبر اكرم (صلى الله عليه وآله).....                        |
| ۱۴۱ | زيارت رسول خدا (صلى الله عليه وآله) هنگام وداع.....                |
| ۱۴۲ | زيارت حضرت فاطمه زهرا (عليها السلام).....                          |
| ۱۴۵ | زيارت ائمه بقيع (عليهم السلام).....                                |
| ۱۴۸ | زيارت ابراهيم فرزند رسول خدا.....                                  |
| ۱۴۸ | زيارت فاطمه بنت اسد (مادر حضرت اميرالمؤمنين على (عليه السلام)..... |
| ۱۵۱ | .....  |
| ۱۵۳ | زيارت ائمه بقيع (عليهم السلام) هنگام وداع.....                     |
| ۱۵۳ | زيارت حضرت حمزه سيدالشهدا.....                                     |
| ۱۵۴ | زيارت قبور شهدای أخذ.....  |
| ۱۵۶ | زيارت جامعه كبيره.....   |
| ۱۶۶ | زيارت امين الله.....   |
| ۱۶۹ | استفتائات جديد.....  |
| ۱۷۰ | استفتائات ميقات.....   |
| ۱۷۴ | استفتائات احرام.....   |
| ۱۷۷ | محرمات احرام.....  |
| ۱۸۱ | استفتاءات طواف.....  |